



# زبان و ادبیات دری

صف دوازدهم



دري صنف دوازدهم



## سرود ملی

دا عزت د هر افغان دی  
هر بچی یې قهرمان دی  
د بلوڅو د ازبکو  
د ترکمنو د تاجکو  
پامیریان، نورستانیان  
هم ايماق، هم پشه ٻان  
لكه لمر پرشنه آسمان  
لكه زره وي جاويдан  
وايو الله اكبر وايو الله اكبر

دا وطن افغانستان دی  
کور د سولې کور د توري  
دا وطن د ټولو کور دی  
د پښتون او هزاره وو  
ورسره عرب، گوجردی  
براھوي دی، ټرلياش دی  
دا هېواد به ټل څلپري  
په سينه کې د آسيا به  
نوم د حق مودي رهبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# زبان و ادبیات دری

## صنف دوازدهم

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ.

## مشخصات کتاب

**مضمون:** دری

**مؤلفان:** گروه مؤلفان کتاب‌های درسی بخش دری نصاب تعلیمی

**ویراستاران:** اعضای دیپارتممنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

**صنف:** دوازدهم

**زبان متن:** دری

**انکشاف دهنده:** ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

**ناشر:** ریاست ارتباط و آگاهی عامه وزارت معارف

**سال چاپ:** ۱۳۹۸ هجری شمسی

**مکان چاپ:** کابل

**چاپ خانه:**

**ایمیل آدرس:** curriculum@moe.gov.af

حق طبع، توزیع و فروش کتاب‌های درسی برای وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان محفوظ است. خرید و فروش آن در بازار ممنوع بوده و با متخلفان برخورد قانونی صورت می‌گیرد.

## پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتاپی را که بر ما هستی بخشد و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتمن برخوردار ساخت، و درود بی پایان بر رسول خاتم - حضرت محمد مصطفی علیه السلام که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه گان هویدادست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پژوهش کشور نقش مهمی را ایفا می نمایند. در چنین برره سرنوشت ساز، رهبری و خانواده بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می باشد.

از همین رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت های مهم وزارت معارف پنداشته می شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکر شده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به عنوان تربیت کننده گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پژوهش نسل فعال و آگاه با ارزش های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس را آغاز کنند، که در آینده نزدیک شاگردان عزیز، شهر و ندان مؤثر، متمن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارشمندترین سرمایه های فردای کشور می خواهیم تا از فرصت ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفاده بهتر کنند و خوش چن دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجданه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آنها در این راه مقدس و انسان ساز موقفيت استدعا دارم. با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهر و ندان آزاد، آگاه و مرفة.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

# فهرست

صفحه	عنوان	شماره درس
۱	حمد (مناجات)	درس اول
۵	نعت	درس دوم
۹	ادبیات از دیدگاه اسلام	درس سوم
۱۷	ابوالمعانی میرزا عبدالقدیر بیدل	درس چهارم
۲۵	استقلال فردی و اجتماعی	درس پنجم
۳۱	کلیله و دمنه	درس ششم
۳۷	شعر دری از لحظه قالب شعری	درس هفتم
۴۵	آیین سخنرانی	درس هشتم
۵۱	علم معانی	درس نهم
۵۷	امیرعلی شیر نوایی	درس دهم
۶۳	اضرار مشروبات الكولی (شراب)	درس یازدهم
۶۹	رُمان چیست؟	درس دوازدهم
۷۵	چهارمقاله	درس سیزدهم
۷۹	دو چهرهٔ فرهنگی و ادبی	درس چهاردهم

صفحه	عنوان	شماره درس
۸۵	معلولیت	درس پانزدهم
۸۹	گابریل گارسیا مارکیز	درس شانزدهم
۹۳	مکتب‌های ادبی	درس هفدهم
۹۹	ازدواج‌های اجباری	درس هزدهم
۱۰۷	احمد شاه بابا و نمونه شعر دری او	درس نزدهم
۱۱۱	آرشیف ملی	درس بیست
۱۱۵	علم عروض	درس بیست و یکم
۱۱۹	دانش و هنر	درس بیست و دوم
۱۲۳	ژانرهای ادبی	درس بیست و سوم
۱۲۹	نقد ادبی	درس بیست و چهارم
۱۳۵	ادبیات دری در قرون ۱۳ و ۱۴	درس بیست و پنجم
۱۴۱	نقش جوانان در انکشاف و توسعه کشور	درس بیست و ششم
۱۴۵	دکتور عبدالاحمد جاوید	درس بیست و هفتم
۱۵۱	فرخی سیستانی	درس بیست و هشتم
۱۵۷	واژه‌نامه	
۱۶۲	فهرست منابع	

## اول

پروردگار!

سال نو تعلیمی را با نام و یاد تو آغاز می‌نماییم و با بلند نمودن دست دعا  
به تو پناه می‌بریم و از تو می‌خواهیم که ما را پناه دهی و آتش نخوت  
و غرور را به خرمن اعمال ما در نیندازی و آرامش سرتاسری را  
در کشور ما تأمین نمایی.

## مناقجات

الهی، بنیاد توحید ما خراب مکن و باغ امید ما بی آب مکن.

الهی، اگر حساب با مایه‌داران است، من درویشم و اگر با مفلسان است، من از همه بیشم.

الهی، بر سر ما خاک خجالت نثار مکن و ما را به بلای خود گرفتار مکن.

الهی، بهشت بی تو جای شادی نیست و جز از دوستی تو روی آزادی نیست.

الهی، دلی ده که در شکر تو جان بازیم و جانی ده که کار آن جهان سازیم.

الهی، دانایی ده که از راه نیفتم و بینایی ده که در چاه نیفتم.

الهی، یقینی ده که در آز بر ما باز نشود و قناعتی ده که حرص ما باز نشود و چشم امید

ما جز بر روی تو باز نشود.

الهی، مگوی که چه آورده اید که درویشانیم و مپرس که چه کرده اید که رسوایانیم.

الهی، تحقیقی ده تا از دنیا بیزار و توفیقی ده که در دین استوار شویم.

الهی، نگاه دار تا پشیمان نشویم و به راه آر که سرگردان نشویم.

الهی، دلی ده که طاعت افزون کند و توفیق طاعتی که به بهشت رهنمون کند.

الهی، دلی ده که در آن آتش هوانبود و سینه‌بی که در آن آب زرق و ریا نبود.

الهی، اگر پرسی حجت نداریم و اگر سنجی بضاعت نداریم، اگر بسوی طاقت نداریم.

ما یم همه مفلسان بی‌مایه و همه از طاعت، بی‌پیرایه و همه محتاج و بی‌سرمایه.

الهی، اگر یک بار گویی بندۀ من، از عرش بگذرد خندۀ من.

الهی، اگر کاسنی تلخ است از بوستان است و اگر عبدالله مجرم است از دوستان است.

الهی، همه می خواهند که در تو نگرند و عبدالله می خواهد که تو در وی نگری.  
الهی، حجابها از راه ما بردار و مارا به ما مگذار.  
الهی، اگرچه بهشت چشم و چراغ است، بیدیدار تو درد و داغ است.  
الهی، من به حور و قصور ننازم، اگر نفسی با تو پردازم از آن هزار بهشت بر سازم.  
الهی، آفریدی رایگان و روزی دادی رایگان، بیامرز رایگان، که تو خدایی نه بازار گان.  
الهی، اگر کار به گفتار است بر سر گوینده گان تاجم و اگر به کردار است به شهادت  
محتابجم

### مناجات‌نامه

## تو فدیما ت

\* مناجات: راز و نیاز به درگاه خداوند علیه السلام را گویند. مناجات‌نامه مسجع  
خواجه عبدالله انصاری از شهرت به سزاپی برخوردار است.

نشر مسجع: به نثری گفته می شود که در آن جمله‌های قرینه، دارای سجع  
باشد. سجع در نثر به منزله قافیه است در شعر. سجع در لغت به معنای «آواز پرنده» است  
و عموماً «آواز کبوتر و فاخته» را گویند و به طور خاص و در اصطلاح ادب؛ آوردن  
کلمه‌های هم‌وزن یا هم‌قافیه است در پایان جمله.

\* شیخ الاسلام عبدالله بن محمد انصاری هروی در سال ۳۹۶ هـ. ق. متولد شد. وی  
از محدثان، مفسران، عارفان و شاعران افغانستان و جهان اسلام در قرن پنجم می‌باشد.  
برخی آثار او عبارت اند از: مناجات‌نامه به نثر مسجع، که معروف‌ترین نوشته اوست،  
رساله دل و جان به نثر مسجع، رساله واردات، کنز‌السالکین که رساله‌یی است به نظم  
و نثر، قلندرنامه و محبت‌نامه.

این عالم بزرگ بعد از یک عمر تدریس در سال ۴۸۱ هـ. ق. در هرات وفات یافت  
و در محله گازرگاه به خاک سپرده شد.



## بیاموزیم

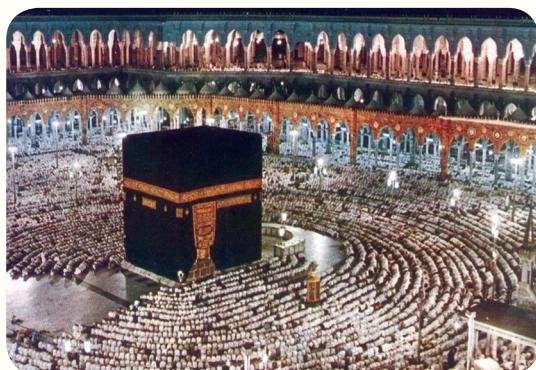
- ۱- مناجات نامه، یکی از معروف‌ترین نوشه‌های خواجه عبدالله انصاری است که به نشر مسجع نگارش یافته است.
- ۲- شیخ الاسلام عبدالله بن محمد انصاری هروی در سال ۳۹۶ هـ. ق. تولد و در سال ۴۸۱ هـ. ق. وفات یافت.
- ۳- خواجه عبدالله انصاری از مفسران، محدثان، عارفان و شاعران قرن پنجم می‌باشد.

## درست بنویسیم

- هر گاه حرف آخری واژه، «الف» باشد و در جمله به حیث موصوف، مضاف یا منسوب قرار گیرد، پس از الف یک «ی» به عنوان علامت اضافه نوشته می‌شود؛ اما این «ی» به صورت مستقل نوشته شده، هیچگاه با واژه‌های، قبلی و بعدی خویش نمی‌پیوندد؛ مانند:
- خدای بزرگ، آشنا دیرین، گدای متکبر (توصیفی)
- گل‌های باغ، دریای کابل، مولانا بلخ (نسبتی)
- تذکرۀ محمود، مهمان خانهٔ حویلی، آرامگاه ناصر خسرو (اضافی)

## کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت خواجه عبدالله انصاری به بحث و گفتگو بپردازنند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به شاگردان دیگر انتقال دهد.



- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده و فرق میان حمد، مناجات و نعت را به هم صنفی‌های خود بیان کند.

- ۳- چند شاگرد در مورد تصویر سخنرانی کنند.

## املا و نگاش



- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- با در نظرداشت قواعدی که در بخش «درست بنویسیم» خواندید، در کتابچه‌های تان یک متن خوب بنویسید.

## خود آزمایی



- ۱- خواجه عبدالله انصاری بیشتر به نگارش چه نوع نثر شهرت دارد؟
- ۲- خواجه عبدالله انصاری کی بود؟
- ۳- آیا خواجه عبدالله انصاری گذشته از مناجات‌نامه، کتاب‌های دیگری هم دارد؟  
نام ببرید.

## کار خانه‌گی



- ۱- یک مقاله درباره خواجه عبدالله انصاری بنویسید که قواعد خوانده شده «درست بنویسیم» در آن تطبیق شده باشد.
- ۲- این مناجات را به حافظه بسپارید:  
الهی، بنیاد توحید ما خراب مکن و باغ امید ما بی آب مکن.  
الهی، اگر کاسنی تلخ است از بوستان است و اگر عبدالله مجرم است از دوستان است.
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

## درس دوم

درس امروز توسط یک شاگرد معرفی شود که تشریحاتش

جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد:

۱- نعت را از نظر لغوی و اصطلاحی توضیح دهید.

۲- پیامون معجزه شق القمر چه می‌دانید؟

۳- برای سعادت دارین، پیروی از پیغمبر ﷺ ضروری است. توضیح  
دهید.

۴- در مورد آثار و شرح حال سعدی معلومات دهید.

### نعت

نبی البرایا شفیع الامم<sup>(۱)</sup>  
امین خدا، مهبط جبرئیل  
کتب خانه چند ملت بشست<sup>(۲)</sup>  
به معجز میان قمر زد دو نیم<sup>(۳)</sup>  
تزلزل در ایوان کسری فتاد<sup>(۴)</sup>  
به تمکین و جاه از ملک برگذشت  
که در سدره جبرئیل از او باز ماند  
که ای حامل وحی، برتر خرام<sup>(۵)</sup>  
بماندم که نیروی بالم نماند  
فروغ تجلی بسوزد پرم  
علیک السلام ای نبی الوری<sup>(۶)</sup>  
زمین بوس قدر تو جبرئیل کرد  
علیک الصلوة ای نبی السلام

سعدی

کریم السجا یا جمیل الشیم  
امام رسول، پیشوای سیل  
یتیمی که ناکرده قرآن درست  
چو عزمش برآهیخت شمشیر بیم  
چو صیتش در افواه دنیا فتاد  
شبی برنشست از فلک برگذشت  
چنان گرم در تیه قربت براند  
بدو گفت سالار بیتالحرام  
بگفتا فراتر مجالم نماند  
اگر یک سر مو فراتر پرم  
چه نعت پسندیده گویم تو را  
خدایت ثنا گفت و تبجیل کرد  
چه وصفت کند سعدی ناتمام

## ت رو ضیده‌ات

سعدی: مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی، شاعر بزرگ و نویسنده گرانقدر در سال‌های اول سده هفتم هجری قمری در شیراز به دنیا آمد. خانواده وی از عالمان دینی بودند. وی در جوانی به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه و مدرسه‌های دیگر درس خواند و به تکمیل علوم پرداخت. وی سفرهای زیادی کرده است؛ از آن جمله به عراق، شام و حجاز مسافرت داشت. در اواسط سده هفتم و در زمان سلطان اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی (۶۲۳-۶۸۸ ه. ق.) سعدی به شیراز باز گشت و در سال ۶۵۵ هجری قمری، کتاب معروف خود «بوستان» یا «سعدی‌نامه» را به نظم نگاشت و نیز اثر مشهور دیگر خود «گلستان» را در بهار ۶۵۶ هجری قمری تصنیف کرد. از آثار دیگر سعدی می‌توان به غزل‌ها، ترجیع بند، رباعی‌ها، مقاله‌ها و قصیده‌های عربی<sup>۱</sup> او اشاره کرد که همه در کلیات وی جمع شده است. به عنوان مثال کتاب گلستان وی دارای هشت باب می‌باشد؛ که به ترتیب عبارتند از: در سیرت پادشاهان، در اخلاق درویشان، در فضیلت قناعت، در فواید خاموشی، در عشق و جوانی، در ضعف و پیری، در تأثیر تربیت و در آداب صحبت.<sup>۲</sup> وفات سعدی بین سال‌های (۶۹۱ و ۶۹۴ ه. ق.) در شیراز اتفاق افتاد و در همان جا نیز به خاک سپرده شد.

۱- «کریم السجايا جميل الشیم نبی البرایا شفیع الام» او (پیغمبر) دارای اخلاق نیک و عادات پسندیده است. پیامبر خداست بر امت و شفاعت کننده گروههای مردم است.  
۲- پیامبری که هنوز وحی بر او تمام نشده بود، با رسالت خود، همه ادیان را منسوخ کرد.

۳- چون تصمیم به انذار مشرکان گرفت، با معجزه خود ماه را به دو نیم کرد. مصراج دوم اشاره است به شق القمر: شگافتن ماه که از معجزات پیغمبر اسلام در برابر درخواست منکران است.  
سوره قمر آیه ۱: «إِقْتَرَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ» آن ساعت نزدیک آمد و ماه آسمان شگافته شد.

۴- تزلزل در ایوان کسری فتاد: ایوان مداری، کاخ بزرگ ساسانیان در تیسفون که بخشی از آن هنوز باقی است و در روایات آمده است که هنگام تولد پیامبر اسلام حوالثی روی داد و از آن جمله، شگاف برداشتن ایوان کسری بود؛ به تعبیری دیگر در قدرت ساسانیان خلل راه یافت.

- ۵- حامل وحی: جبرئیل امین و سالار بیت الحرام، پیامبر اکرم ﷺ است.
- ۶- نبی الوری: پیامبر و فرستاده خدا بر مردم (وری: مردم)



درست بنویسیم

- هرگاه حرف آخری واژه، «الف» باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین بازهم در میان واژه و پسوند، یک «ی» علاوه می‌شود که این «ی» همیشه با واژه‌های پس از خود باید به صورت پیوسته نوشته شود مانند:
- پسوند جمع «آن» نانوا+ی+ان = نانوایان، گدایان، بینایان.
- پسوند تکیر «ی»: آشنا + ی + ی = آشنایی، پارسایی، دلبایی.
- پسوند صفت نسبتی «ی» دریا + ی + ی = دریایی، کاپیسایی.
- هرگاه حرف آخری واژه «الف» باشد، در پیوند تغییر «ک» در میان واژه و پسوند یک «گ» علاوه می‌شود که همیشه با واژه بعد از خود باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند: زیبایگ، جولاگ، گیراگ.



## بیاموزیم

- ۱- نعت: ثنا و صفت پیامبر خدا ﷺ را گویند.
- ۲- سعدی در جوانی به بغداد رفت و آنجا در مدرسهٔ نظامیه و درسگاه‌های دیگر درس خواند و به تکمیل علوم پرداخت.
- ۳- بوستان و گلستان از نوشه‌ها و آثار گرانقدر و معروف سعدی است.
- ۴- پیامبر خدا با رسالت خود همه ادیان را منسوخ کرد.



## کارگروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت گرامی پیامبر خداوند ﷺ به بحث و گفتگو پردازنند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده، نتیجه را به دیگران انتقال دهد.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده پیرامون نعت شیخ سعدی به همصنفی‌های

خود معلومات دهد.

۳- چند شاگرد در مورد تصویر زیر دو دقیقه سخنرانی کنند:



### املا و نگاشت

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسید.

۲- با در نظرداشت قواعد املایی که خواندید، در کتابچه‌های تان مقاله‌ی پیرامون نعت پیامبر خداوند ﷺ بنویسید.

### خودآزمایی

۱- سعدی در کدام نوع سخن ید طولا دارد؟ واضح سازید.

۲- در مورد نعت پیامبر خداوند ﷺ چه می‌دانید؟

۳- آثار شیخ سعدی را نام ببرید.

۴- بیت پنجم نعت شریف را شرح دهید.

### کار خانه‌گی

۱- به رویت متن نعت، قواعد املایی این درس را مقایسه کرده، بیان دارید.  
۲- این بیت را به حافظه بسپارید.

اب رو باد و مه و خورشید و فلک در کارند  
تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

## درس سوم

شاگردان به پرسش‌های زیر پاسخ‌های مناسب ارائه بدارند:

۱- پیامبر محبوب اسلام جایگاه واژه «ادب» را چگونه تصویر فرموده اند؟

۲- فرق بین «ادب» و «ادبیات» چیست؟

۳- ویژه‌گی‌های ادب اسلامی کدامها اند؟

### ادبیات از دیدگاه اسلام

واژه «ادب» معانی و تعبیرهای گوناگونی دارد. عده‌یی آن را تأدیب و تهذیب دانسته و برخی هم معارف و تجربه‌های انسانی گفته اند و نیز کلمه ادب به معنای تأدیب و آموزش انسان و توجیه به سوی خوبی‌ها و زیبایی‌های کلامی، کرداری و دعوت به امور خیر و ارزش‌های عالی می‌باشد.

پیامبر محبوب اسلام جایگاه واژه «ادب» را چه زیبا و شیوا بیان فرموده اند: «همانا قرآن ادبگاه خداوند بر روی زمین است؛ پس از این بیاموزید». بار دیگر و در همین باب پیامبر گرامی اسلام جایگاه «ادب» را چنین به او جگاه می‌کشانند: «پروردگارم مرا ادب آموخت، پس تأدیب مرا نیکو گردانید». این است فراخنای کلمه «ادب و ادبیات» در قاموس اسلام.

و هم معنای لغوی «ادب» دانش، فرهنگ، معرفت، روش پسندیده، خوبی خوش و «آداب» جمع کلمه «ادب» است و «علم ادب» به دانشی گفته می‌شود که با تسلط بر آن، شخصی می‌تواند درست شعر بگوید و نثر زیبا بنویسد، سخن درست و نادرست و زشت و زیبا را تفکیک دهد. واژه مرکب «ادبیات» به علومی اطلاق می‌شود که مربوط به «ادب» باشد که قدمای این علوم را صرف، نحو، لغت، استتقاق، معانی، بیان، بدیع، عروض و قافیه و بهره یافتن از هر علم به قدر حاجت، دانسته اند. ادبیات به مفهوم آنچه در باره علوم و مسائل ادبی گفتگو کند نیز تبیین شده است.

و همین‌سان «ادب» به طور عام بر مجموع معارف انسانی اطلاق می‌گردد؛ اما به صورت خاص، ادب و یا ادبیات به کلامی گفته می‌شود که تعبیر کننده افکار، احساسات و

تجارب انسانی در قالب هنری مؤثر باشد. واژه «ادب» همراه با کاروان تاریخ انسانی راه دور و درازی را پیموده است و فراز و فرود و مد و جزرهایی را تجربه کرده تا به روزگار ما رسیده است. در حال حاضر هرگاه کلمه «ادب» به گوش رسید، به صورت عام ذهن انسان را به تراویش‌های ذهنی در عرصه «شعر و نثر» و «نشر ادبی» رهنمایی سازد.

صاحب‌نظران عرصه ادب دو عنصر اساسی را در تعریف و مفهوم ادب ضروری می‌دانند که عبارت اند از: «مفکوره» و «قالب فنی» و یا «مضمون» و «شکل هنری». برخی نویسنده‌گان و اندیشمندان، ادب اسلامی را عبارت از «تعییر هنری بازتاب زنده‌گی، هستی و انسان بر وجودان ادیب از خلال جهان بینی اسلام» تعریف نموده اند. هرگاه خواسته باشیم نگاه گذرایی به جایگاه و سیر حرکت ادب اسلامی نماییم، می‌بینیم:

وقتی که خورشید اسلام طلوع کرد، ادبیات عرب به خصوص در فنون شعر و خطابه به اوچ خود رسیده بود. شعر و خطابه در انسان عربی چنان تأثیر عمیق داشت که بر روح و روان و حرکات و سکنات زنده‌گی وی چیره شده بود؛ بنابر حکمت و مشیت خداوند ﷺ قرآن کریم به خاطر اثبات اعجاز کلام الهی، شعرا و فصحای عرب را به آوردن سورتی مانند قرآن فراخواند که از آن عاجز آمدند. جر کشیدن سخنواران و فصحای عرب اگر از یک طرف تأکید و تأیید بر صدق نبوت پیامبر خاتم بود از جانب دیگر نشانه ارج و اهمیت بزرگی بود که اسلام برای سخن بلیغ، کلام فصیح و ادبیات بلند و برتر قابل می‌باشد و چه شرفی برای ادب، بزرگ‌تر ازین که قرآن خود اوچ و قله فصاحت و بلاغت و بنیادی است برای ادب عالی و برتر.

خداآوند متعال به پیامبر گرامی اسلام دستور داد با سلاح سخن و یا «کلمه قرآن» به جهاد مشرکین پردازد (وَجَاهِدُهُمْ بِهِ جَهَادًا كَبِيرًا) (سوره الفرقان: آیه ۵۲) ترجمه: با (سلاح) قرآن به جهادی بزرگ با آنها جهاد کن. با درک تأثیر شعر و فنون سخن در حیات فکری و اجتماعی عرب، شعرا و خطبای پیامبر ﷺ در صحنه‌های مقابله و مبارزه با همتاهاشان دست بالایی را نصیب گردیدند؛ تا آنجا که در یک مبارزه فکری و ادبی (شعر و خطابه) اقرع بن حابس زعیم هیأت قبیله بزرگ تمیم چنین اعلام اعتراف نمود: «یقیناً این مرد (پیامبر ﷺ) منصور و تأیید شده است؛ زیرا خطیب وی سخنگوی از خطیب‌ما، و شاعر او شاعرتر از شاعر ماست» و یکجا با قوم خود به دین اسلام مشرف گردید.

بدین ترتیب شعر و ادب در عهد نبوی و دوران خلفای راشدین در سایه تعالیم اسلام و اخلاق ایمان، حرکت نمود و در سینه‌های شعرا و ادبای صدر اسلام، وصف و نعت پیامبر ﷺ، رثای شهدای اسلام، افتخار به نعمت‌های خداوند ﷺ و دیگر اشکال شعر و ادب انعکاس و تجلی یافت. در این مرحله مضامین و عنوانین دوران جاهلی شعر و ادب مبنی بر افتخار به جاه و مال، نژاد و قبیله، هجو و ذم نامیمون، غزل فاحش و عریان، ناپدید گردیده جای خود را به مکارم اخلاق و ارزش‌های والای انسانی و اسلامی گذاشت. ادب و هنر با مایه‌های انسانی والا در دامن میمون و پر برکت تمدن اسلامی راه رشد پیمود و بر تارک تاریخ اسلام و تمدن بشری چنان مطلوب و برجسته درخشید که سخن گفتن از مفاخر و دست آوردهای انسانی در عرصه‌های فرهنگ و گنجینه‌های فرهنگی بدون پرداخت به ادب و هنر اسلامی ناممکن و دشوار است؛ اما این راه و رسم به مرور زمان و با ظهور فتنه‌های کشنده در برهه‌هایی از زمان دچار اختلال و انحراف شد. کاروان شعر و ادب اسلامی با تاثیر پذیری از بحران‌های تاریخ از سیر درست بازماند و گرد و غبار توفان‌های روزگار حرکت این کاروان را مختل کرد. با به ضعف گراییدن ادبیات اسلامی، هنر و ادب در بسیاری از موارد از ارزش‌های والای انسانی تهی گشته و ادب و هنر منحرف وارد میدان شد که تا هنوز بسیاری از جریان‌های ادبی در کشورهای اسلامی در تاریکی و گمراهی راه می‌پیماید. اکنون با گذشت بیشتر از یک‌هزار و چهارصد سال، کاروان شعر و ادب در عرصه‌های مختلف، در سرزمین‌های مختلف با زبان‌های گوناگون از جمله در کشور عزیز ما افغانستان ضرورت به تجدید نظر و نقد دارد تا مسیر خود را باز یابد.

ظهور انجمنهای ادبی در سطوح ملی و بین‌المللی یکی از پدیده‌های مثبت در جهان ادبیات معاصر است؛ در این راستا تشکیل انجمن جهانی ادبیات اسلامی که نججه ترین ادب، شعر، ناقدان، داستان و ناول نویسان، و اندیشمندان عرصه‌های ادبیات را به حیث اعضای خود دارد خدمات مفیدی را در شناسایی، نشر و گسترش ادبیات اسلامی به زبان‌های مختلف دنیا انجام داده است.

## بخی از ویژه‌گی‌های ادب اسلامی

عصرهای اخیر، به خصوص آغاز قرن بیستم شاهد ظهور مکتب‌های ادبی مختلفی بود؛ از قبیل مکتب‌های ادبی تقليدی یا کلاسیسم، رومانتیسم، ریالیسم، سمبولیسم،

اگریستانسیالیزم، کوسموپولیتیسم، هنر برای هنر و دیگران که هر یکی از این مکتب‌های ادبی ویژه‌گی‌ها و خصوصیت‌های فکری خاص خود را دارا بوده تعبیر کننده افکار و نظرات مکاتب فکری و فلسفی خاصی می‌باشند؛ زیرا ادب و هنر قالب و وسیله‌یی است برای نشر عقاید، اندیشه‌ها و فلسفه‌های مختلف و هر ادیب و هنرمند آنرا به خاطر نشر و گسترش فکر و نظر خویش به کار می‌گیرد، و چه بسا که فکر منحرف و اخلاق آلوده و فاسد از لابه‌لای فرآورده‌های هنری و ادبی، جوامع و انسان‌ها را به لجت‌زارهای فساد و تباہی کشانده است. از نظر نویسنده‌گان و اندیشمندان اسلام، ادبیات اسلامی نیز صفات و خصوصیت‌های خاص خود را دارد که با این ویژه‌گی‌ها و خصوصیات از سایر مکاتب ادبی متمایز می‌گردد. این ویژه‌گی‌ها و خصوصیات از فکر و عقیده اسلامی سرچشمۀ می‌گیرد تا صفت ادبیات اسلامی را کسب نماید. ادب اسلامی صفات و خصوصیات و ویژه‌گی‌های زیاد دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌نماییم:

### اول - التزام عقیدتی و اخلاقی

نخستین ویژه‌گی و خصوصیت ادبیات اسلامی «ملتزم بودن» است؛ به این معنی که ادب اسلامی ادب ملتزم و مبتنی به عقیده اسلامی بوده دیدگاه آن به انسان، حیات، هستی، جمال و زیبایی به اساس جهان‌بینی اسلامی استوار می‌باشد.

### دوم - رسالت و هدفمندی

ادبیات اسلامی دارای مقصود و غایتی است که این خصوصیت از حقیقت اسلام سرچشمۀ می‌گیرد. به این معنی که فرد مسلمان خویشن را بالاتر از آن می‌داند که از وی گفتار و یا کردار و رفتاری سرزنش که مقصود و فایده‌یی در ورای آن وجود نداشته باشد. ادیب مسلمان نمی‌پسندد که وقت خویش را ضایع سازد، استعداد و طاقت خود را به هدر دهد، و یا اوقات بندۀ گان خدا و طاقت و توان ایشان را بدون ثمر ضایع نماید.

### سوم - تکامل و فراگیری

اسلام به نفس و روان انسانی دید همه‌جانبه و فراگیر دارد و به اعتبار این که انسان مرکب از جسم و روح، هر دو است؛ بنابراین ادب اسلامی انسان را از همه جوانبیش مورد توجه و ارزیابی قرار می‌دهد تا در وی انسجام و توازن و همنوایی ایجاد نماید و کشمکش و تناقض و دوگانگی را از او دور سازد.

## چهارم- واقع‌گرایی

منظور از واقع‌بینی و واقع‌گرایی اسلامی نسبت به انسان، روش مکتب ادبی واقعی ریالیسم غربی نیست که انسان را در ساحة کوچک و تنگی‌ای مادیت محدود و محصور ساخته واقعیت بزرگ حیات انسان را با عمق و طول و زمان و مکان وی فراموش نماید؛ بلکه واقع‌گرایی ادب اسلامی انسان را با ضعف و نقص و سقوطش به حیث نقاط ضعف و ناپسند انسان در نظر گرفته؛ اما این حالات را مانند ادب واقعی غربی، دایمی و همیشه‌گی ندانسته به تقدیس و ترسیخ آن نمی‌پردازد؛ زیرا از دید ادبیات اسلامی حالات ضعف و انحراف بشری قابل تدارک و تکامل می‌باشد و ادب و هنر درین راستا نقش سازنده و بنیادین دارد.

## پنجم- مثبت‌گرایی و سازنده‌گی

خصوصیت اساسی دیگر ادب اسلامی مثبت‌گرایی و فعالیت رو به ارتقای انسان است که این خاصیت از مبادی اصلی اسلام مایه می‌گیرد؛ زیرا اسلام ضعف، لغزش، سقوط و ارتکاب گناه را برای انسان می‌پذیرد؛ چنانکه آفریدگارش او را وصف نموده (وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا) (سوره النساء: آیه ۲۸) یعنی: همانا انسان، ضعیف آفریده شده؛ اما با همه این نقاچیض و ضعف‌ها، باز هم ادب اسلامی انسان را به سلبیت و تسليم شدن در برابر ضعف و ناتوانی دعوت نمی‌کند؛ بلکه ادب اسلامی در چنین حالاتی با روحیه التزام و مثبت‌گرایی دست انسان را می‌گیرد و او را از گودال‌های یأس و ضعف و کسالت به سوی امید، قوت، حرکت و سعادت رهنمون می‌سازد.

## ششم- ادب برای ادب

«ادب برای ادب» و یا «هنر برای هنر» را به رسمیت نمی‌شناسد؛ بلکه هنر و ادب را برای خیر و فضیلت و تعهد و اخلاق و خدمت گزاری انسان و جامعه می‌داند. قرآن کریم شعرای مؤمن و متعهد و با رسالت را از قطار شعرای هرزه‌گو و بی‌هویت و بی‌ماهیت جدا ساخته مورد ستایش قرار می‌دهد: (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَأَنْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ) (سوره الشعراء: آیه ۲۲۷) ترجمه: مگر کسانی (شاعرانی دروغگو و گمراه نیستند) که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می‌دهند و خدا را بسیار یاد می‌کنند، و به هنگامی که مورد ستم واقع می‌شوند به دفاع (از خویشتن و مؤمنان) بر می‌خیزند؛ آن‌ها که ستم

کردند به زودی می‌دانند که بازگشت شان به کجاست!

پیامبر ﷺ زیبایی سخن و حکمت شعر را ستوده احساس اعجاب و هیجان خویش را در برابر تأثیر شعر و سخن ابراز فرمودند: (ان من البيان لسحرا) یعنی برخی سخنان تأثیرات جادویی دارد و (ان من الشعر لحكمة) یعنی در برخی از اشعار حکمت نهفته است؛ چنانچه شاعران خویش را دعوت نمودند تا از شعر و ادب برای دفاع از ارزش‌های اسلام و حاکمیت جامعه اسلامی کار بگیرند و در این راستا برای تشویق حسان بن ثابت صلوات اللہ علیہ و آله و سلم فرمود که با شعر به مقابله مشرکین که در مکه و اطراف آن در قرن اول هجری می‌زیستند، برخیزد و روح الامین (جبرئیل علیه السلام) همواره پشتیبان او خواهد بود. این است هنر و ادب اسلامی که با مضمون و محتوا و دلالت و معنایش با سایر مکاتب ادبی و هنری تمایز پیدا می‌کند.

خوشبختانه شعر و ادب اسلامی از قرون متتمادی در کشور عزیز ما افغانستان، ریشه‌های عمیق دوانده و بر جامعه افغانی تأثیر عمیقی بر جای گذاشته است. در جامعه ما در ادوار مختلف نویسنده‌گان و شعرایی قد علم نموده اند که در روشنی رهنمایی‌ها و ارشادات اسلامی حالت موجود جامعه را به بررسی گرفته، راه خیر و فلاح را به مردم نشان داده، ظلم ظالمان و عملکرد ناروای حکمرانان را تقبیح نموده اند. بر نسل جوان افغانستان است تا با چنین ویژگی‌ها، ارزش‌ها، معیارها و توانایی‌های هنری و ادبی خود را رشد و تقویت بخشنده و کاروان سرگردان هنر و ادبیات کشور را به مسیر اصلی اش برگرداند. هجوم فرهنگی جهانی و تقلید ناپسند از هنر و ادبیات بیگانه فضای ادبی ما را تیره و تار ساخته و ادبیات این سرزمین اسلامی را به ابتدا می‌کشاند. با گذشت روزها و سال‌ها مضامین، عنایین و موضوعات هنر و ادب تنگ‌تر می‌شود و نسل جوان کشور غیر از مضامین و عنایین مبتدل و مکرر چیز دیگری را برای رشد مواهب ادبی و هنری خود نخواهد دید. هنر و ادبیات اسلامی افق‌های جدیدی را به پهناز زمین و آسمان، انسان و جهان، دنیا و آخرت به روی فرهیخته گان ادب و هنر باز می‌سازد؛ پس بر نو نهالان علم و عرفان و فرزندان ادب دوست میهن است تا استعداد ادبی و هنری خود را بیازمایند و چون ستاره‌گان در آسمان علم، معرفت، هنر و ادب ملتزم و متعهد بدرخشنند.

## تپیدهای هنر برای هنر

در اواخر قرن نزدهم مفکوره ادبی «هنر برای هنر» بر ضد مکتب ادبی رومانتیسم ظهور کرد. به عقیده پیروان این مکتب شاعر به هیچ وجه نمی خواهد شعرش دارای امید و آرزو و خواهشی باشد؛ فقط برای هنر محض احترام قابل است و به زیبایی شکل و طرز بیان اهمیت می دهد. به عقیده پیروان این طرز فکر «شعر نباید بخنداند و نه بگریاند؛ بلکه باید فقط زیبا باشد و هدف خود را در خود بجوید.»



### بخوانیم و بدانیم

- ۱- کلمه «ادب» در برگیرنده معانی و دلالتهای متعدد و متنوع راجع به تأدیب و تهذیب نفس و فراگیری معارف و تجارب انسانی می باشد.
- ۲- علم «ادب» به دانشی گفته می شود که با تسلط بر آن، شخص می تواند درست شعر بگوید و نثر زیبا بنویسد.
- ۳- صاحب نظران عرصه ادب، دو عنصر اساسی را در تعریف و مفهوم ادب ضروری می دانند که عبارت اند از: «مفکوره» و «قالب فنی» یا «مضمون» و «شكل هنری».
- ۴- پیامبر بزرگوار اسلام فرموده اند: «همانا قرآن ادبگاه خداوند بر روی زمین است؛ پس از این دعوت بیاموزید.»
- ۵- شعر و ادب در عهد نبی علیه السلام و دوران خلفای راشدین در سایه تعالیم اسلام و اخلاق ایمان حرکت نمود.



### درست بنویسیم

- واژه های عربی جرأت، ملجم، تأديه، مأخذ، تأثير، تأدیب، تأخیر، تأیید، تأکید، مأمور و امثال این ها، در زبان دری به همین شکل نوشته می شوند.
- با درنظرداشت عدم موجودیت دسته بندی مذکور و مونث در زبان دری، بهتر است واژه های معلم، شاعره، رئیسه، مدیره، حاجیه و... را با حذف «ت تائیث { ة }» به شکل معلم، شاعر، رئیس، مدیر، حاجی و... نوشته و با نشانه دری جمع بندیم؛ مانند: معلم / معلمان، شاعر / شاعران، رئیس / رئیسان، مدیر / مدیران، حاجی / حاجیان و....

### کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در مورد جایگاه ادب در اسلام و نقش آن در

- زنده‌گی باهم بحث و گفتگو کنند.
- ۲- سه تن از شاگردان پیرامون چگونگی شعر و ادب در عهد پیامبر اسلام ﷺ و خلفای راشدین درباره صنف سخنرانی نمایند.
- ۳- شاگردان در مورد این که ادبیات بعد از اسلام با ادبیات دوره جاهلیت چه تفاوت پیدا نمود؟ باهم مباحثه نمایند.

## املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی، به خوانش می‌گیرد املا بنویسید.
۲. با نظر داشت قواعد املایی که در بالا خواندید، در کتابچه‌های تان یک متن بنویسید که از هفت سطر کم نباشد و حداقل پنج کلمه از آنچه خواندید، در آن به کار رفته باشد.

## خود آزمایی

- ۱- «ادب» انسان را از چه چیزهایی باز می‌دارد؟
- ۲- «ادب» به طور عام بر چه چیزهایی اطلاق می‌گردد؟
- ۳- واژه «ادب» از کدام دو عصر اساسی در تعریف ادبیات حائز اهمیت می‌باشد؟
- ۴- به نظر شما فصاحت و بلاغت کلام و شعر، بر ذهن انسان چه تأثیر می‌گذارد؟
- ۵- تیوری «ادب برای ادب» چه معنی دارد؟
- ۶- به کدام نوع فرآوردهای ادبی، هنر و ادب مبتذل گفته شده می‌تواند؟
- ۷- قرآن کریم، به خاطر چی شعرا و فصحای عرب را به آوردن آیتی مانند قرآن فرا خواند که از آن عاجز آمدند؟

## کار خانه‌گی

- ۱- شاگردان با همکاری و رهنمایی استاد مضمون در مورد جایگاه ادب در اسلام و خصوصیات عمده آن مقاله‌یی بنویسند که کم از یک صفحه نباشد.
۲. ایات آتی را به حافظه بسپارید:
 

عاجز نفس فرومایه چه مردی چه زنی	لاف سرپنجه‌گی و دعوی مردی بگذار
مردی آن نیست که مشتی بزنی بر دهنی	گرت از دست برآید دهنی شیرین کن
سعدي	
- ۳- شاگردان متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرند.

## چهارم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. بیدل کی بود و در کدام زمان می‌زیست؟
۲. مهمترین آثار او چه نام دارد؟
۳. چرا در ک مفاهیم شعری او مشکل است؟ شما شعر او را چطور ارزیابی می‌کنید؟

### ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل

ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل بزرگترین شاعر غزل‌سرای عرفانی و فلسفی فرزند میرزا عبدالخالق در سال ۱۰۵۴ هجری قمری در شهر عظیم آباد پنهان در هندوستان چشم به جهان گشود. نسبت او به قبیله «ارلاس» بدخشنان افغانستان می‌رسد. خانواده او همه سپاهی‌پیشه و نظامی مسلک بودند. این که چه زمان، چرا و چگونه نیاکانش به سرزمین هند مهاجرت کرده بودند، نامعلوم و در پرده‌ی از ابهام است. «عبدالقادر» هنگامی که هنوز بیش از چهار و نیم سال نداشت پدرش را از دست داد و در سایه سرپرستی و تربیت کاکایش «میرزا قلندر» که خود از صوفیان باصفا بود مکتب و مدرسه را رها کرد و تحت آموزش معنوی وی قرار گرفت. او در کنار «میرزا قلندر» با مبانی تصوف آشنا شد لازم پیدا کرد؛ هم‌چنین در این راه از امداد و دستگیری «مولانا کمال» دوست و پیشوای معنوی پدر بهره‌ها برداشت.

«بیدل» هنگامی که سیزده سال بیشتر نداشت به مدت سه ماه با سپاه «شجاع» یکی از فرزندان شاه جهان در ترهت (سرزمینی در شمال پنهان) به سر برد و از نزدیک شاهد درگیری‌های خونین فرزندان شاه جهان بود، پس از آن نزاع‌های خونین داخلی فروکش کرد و اورنگ‌زیب فرزند دیگر «شاه جهان» صاحب قدرت سیاسی در هند شد، بیدل همراه با مامای خود «میرزا طریف» در سال ۱۰۷۱ به شهر «کتك» مرکز اوریسه به دیدار «شاه قاسم هواللهی» رفت و این سال از مهمترین وقایع زنده‌گی وی به شمار می‌رود. وی سه سال در اوریسه از فیوض معنوی شاه قاسم بهره برداشت.

بیدل چهره‌ی خوشایند و جثه‌ی نیرومند داشت، فن کشته رانیک می‌دانست و ورزش‌های طاقت‌فرسا از معمولی ترین فعالیت‌های جسمی او بود. در سال ۱۰۷۵ هـ. ق. به دهله‌ی رفت، هنگام اقامت در دهله‌ی دائم‌الصوم بود و آن چنان که خود در چهار عنصر نقل کرده است، به سبب تزکیه‌ی درون و تحمل انواع ریاضت‌ها و مواظبت بر عبادات، درهای اشراق بر جان و دلش گشوده شده بود و مشاهدات روحانی به وی دست می‌داد، در سال ۱۰۷۶ هـ. ق. با «شاه کابلی» آشنا شد، دیدار با شاه کابلی تأثیری عمیق بر او گذاشت. و در همین سال در فرقاً او لین مریب معنویش میرزا قلندر به ماتم نشست، وی در سال ۱۰۷۸ هـ. ق. سرايش مثنوی «محیط اعظم» را به پایان رساند. این مثنوی دریای عظیمی است لبریز از تأملات و حقایق عرفانی. دو سال بعد، مثنوی «طلسم حیرت» را سرود و به نواب عاقل خان رازی که از حامیان او بود هدیه کرد. تلاش معاش او را به خدمت در سپاه شهزاده «اعظم شاه» پسر اورنگ زیب باز گرداند؛ اما پس از مدت کوتاهی، چون از او تقاضای مدیحه کردند، از خدمت سپاه استغفا داد. بیدل در سال ۱۰۹۶ هـ. ق. به دهله‌ی رفت و مقدمات یک زنده‌گی توأم با آرامش و عزلت را در دهله‌ی فراهم کرد. زنده‌گی شاعر بزرگ در این سال‌ها به تأمل و تفکر و سرايش شعر گذشت و منزل او میعادگاه عاشقان، شاعران و اهل فکر و ذکر بود، در همین سال‌ها بود که بیدل به تکمیل مثنوی «عرفان» پرداخت. با وجود تشنج و درگیری‌های سیاسی درین سران سیاسی هند و شورش‌های منطقه‌یی و آشفته‌گی اوضاع، شاعر عارف تا آخرین روز زنده‌گی خود از تفکرات ناب عرفانی و آفرینش‌های هنری باز نماند.

بیدل آخرین آینه‌ی تابان شعر عارفانه بود که نور وجودش در تاریخ چهارم صفر ۱۱۳۳ هـ. ق. به خاموشی گرایید.

## آثار بیدل

از بیدل به جز از دیوان غزلیاتش آثار ارزشمند دیگری نیز در دست است که بیشتر از نود هزاریت را تشکیل می‌دهد که مهمترین آن‌ها قرار زیر است:

- ۱- مثنوی عرفان ۲- مثنوی محیط اعظم ۳- مثنوی رقعات ۴- مثنوی طلس حیرت
- ۵- رباعیات ۶- چهار عنصر ۷- رقعات ۸- نکات ۹- طور معرفت و...

## زبان شعر بیدل

در شعر بیدل بار ادبی و معنایی کلمات به سرحد کمال خود رسیده است و همچنین موارد جدیدی نیز به آن افزوده شده و زبان نیز در عین ایجاز و در ظاهر اجمال است. به گونه‌یی که خواننده شعر او برای آن که فهم درستی از شعر وی داشته باشد، لازم است به اندازه کافی از سنت شعر دری مطلع و به اصول اساسی عرفان اسلامی آگاه باشد. شعر بیدل همچون جنگلی بزرگ و ناشناخته است که در اولین قدم به بیننده آن حس حیرت و شگفتی دست می‌دهد و چون پا به داخل آن می‌گذارد دچار غربت و اندوه و ترس می‌شود و در واقع مدتی طول می‌کشد تا با شاخ و برگ و انواع درختان و پرنده‌گان و راههایی که در آن است آشنا شود؛ اما چون مختصر انس و الفتی با آن پیدا می‌کند، به شور و اشتیاق در صدد کشف ناشناخته‌هایش بر می‌آید.

• بیدل شاعری است با تخلیقی، کشف روابط باریک درین موضوعات گوناگون و طرح مسایل پیچیده عرفانی به شاعرانه‌ترین زبان، و همچنین نوآوری شاعر در مسایل زبانی و سبکی، دقیق ویژه و ذهنی ورزیده را از مخاطب برای فهم دقیق و درک لذت از شعر وی، طلب می‌کند.

• بیدل شاعری با حکمت و تفکر قدسی است. او غیراز غزلیاتش که هر یک آینه مجسم از شعر ناب اند، در مثنوی‌های «محیط اعظم»، «عرفان»، «طلسم حیرت»، «طور معرفت» به تبیین اندیشه‌های عرفانی خود پرداخته است. در میان این مثنوی‌ها دو مثنوی «محیط اعظم» و «عرفان» از قدر و شأن ویژه‌یی برخوردار اند، مثنوی محیط اعظم را شاعر در روزگار جوانی خود سروده است.

## ویژه‌گی‌های شعر بیدل

• از مهم‌ترین ویژه‌گی‌های شعر «بیدل» می‌توان به باریک‌اندیشی، خیال‌انگیزی، به کارگیری ترکیبات نو، تشخیص بخشیدن به چیزهای بی‌جان، بهره‌گیری از نمادها و تلمیحات، استفاده از شیوه‌های شاعران گذشته، ساده‌گی بیان و تازه‌گی زبان شعری توصیف طبیعت، بازی با کلمات و تکرار قافیه، تناقض و عرفان اشاره کرد. گرچه وی به نیکویی واقف است که زبان با تمام امکان‌ها و قابلیت‌هایش، هرگز تاب معانی بلند او را نمی‌آورد؛ چنان که خود می‌گوید:

- ای بسا معنی که از نامحرمی‌های زبان با همه شوخی، مقیم پرده‌های راز ماند یکی دیگر از ویژه‌گی‌های شعر «بیدل» آن است که اندیشه‌ها در لایه‌های متعدد و متنوع معنایی، پیچیده و پنهان شده است و فهم ابعاد شعر وی بدون توجه به این نکته امکان ناپذیر خواهد بود. شعر بیدل را باید بارها و بارها خواند؛ چرا که در هر بار خواندن معنایی دیگر را متجلی نموده و مشام مخاطب را از عطر شگفت و غریبی که گویی از بهار گم شده در پرده‌های غیب وزیده است سرشار می‌سازد.
- از خصوصیات دیگر و امتیاز شعر بیدل کثرت کاربرد ترکیبات بکر و تازه در آن است که برای درک درست از شعر او، ناگزیر باید با شیوه کاربرد ترکیبات وی مؤنس و آشنا بود، به عنوان نمونه در این بیت:

دلیل کاروان اشکم، آه سرد رامانم اثر پرداز داغم، حرف صاحب درد را مانم  
ترکیب‌های «کاروان اشک» و «اثر پرداز داغ» ساخته ذهن و زبان آفرینش گر بیدل است.

### اندیشه‌های فلسفی بیدل

- از مفاهیم فلسفی در شعر بیدل می‌توان به دو مفهوم «هستی» و «عدم» اشاره کرد. برخلاف بسیاری از شاعران که به کاربرد ادبی و دو واژه اکتفا کرده اند، بیدل با چیره دستی و تسلط تمام بر معانی فلسفی و مباحث مرتبط با «عدم» و «هستی» به شرح و بسط شاعرانه و فلیسفه‌انه این مفاهیم پرداخته است.
- دو دیگر واژه حیرت به مثابه مفهوم عرفانی - فلسفی نقش و جایگاه مهمی در تفکر و شعر بیدل دارد. یکی از نمادها و اصطلاحات متناظر با حیرت در شعر بیدل آینه است. او چندان به آینه و کاربرد آن در شعر خود الفت داشته که او را «شاعر آینه‌ها» نامیده اند؛ ترکیباتی از قبیل: آینه‌خانه، آب آینه، آینه‌خو، آینه‌گری آینه‌پرداز، آینه‌آغوش، آینه‌داری، جوهر آینه، صیقل آینه، خانه آینه، آینه حسن، غبار آینه، خیال آینه، تمثال آینه و... تنها بخشی از آینه‌پردازی‌های ادبی و فکری «بیدل» به شمار می‌رود.
- دیگر از واژه‌های پرکاربرد و کلیدی عرفانی - فلسفی در شعر بیدل واژه «هیچ» است. به طور کلی این واژه در نظریه‌های عرفانی، کاربرد معنایی دوگانه‌یی داشته

است: هیچ در معنای عدم یا نیستی و هیچ در پوچی و بیهوده‌گی. در معنای نخست، مفهوم «هیچ» مساوی است با نیستی سالک در نفس خویش و نیل به وجود مطلق؛ اما در دومین معنی، مفهوم «هیچ» با معانی و مفاهیمی از قبیل بی‌معنایی، پوچی محض و خلا مترادف می‌باشد. معنای دیگری که عارفان از این اصطلاح اراده کرده اند و خالی شدن از توهمات «هست و نیست» و رهایی از تعلقات «نفس اماره» است که می‌توان آن را هیچ انگاری عرفانی نامید.

### نمونه کلام بیدل

پی اشک من ندانم به کجا رسیده باشد  
زپیات دویدنی داشت به رهی چکیده باشد  
تب و تاب موج باید زغور بحر دیدن  
چه رسد به حالم آن کس که ترا ندیده باشد  
به نسیمی از اجابت چمن حضور داریم  
دل چاک بال میزد سحری دمیده باشد  
به چمن زخون بسمل همه جا بهار ناز است  
دم تیغ آن تبسم رگ گل بریده باشد  
دل ما نداشت چیزی که توان نمود صیدش  
سر زلفت از خجالت چقدر خمیده باشد  
چه بلندی و چه پستی چه عدم چه ملک هستی  
نشنیده ایم جایی که کس آرمیده باشد  
همه کس سراغ مطلب به دری رساند و نازید  
من و ناز نیم جانی که به لب رسیده باشد  
به هزار پرده «بیدل» ز دهان بی‌نشانش  
سخنی شنیده ام من که کسی ندیده باشد

## توضیحات

سالک: کسی که به طریق سلوک صوفیانه به مقام و مرتبی برسد که از اصل و حقیقت خود آگاه شود.

نفس اماره: اماره به معنای بسیار امر کننده است و نفس اماره، یعنی نفسی که به لذت‌ها و شهوت جسمانی میل کند و قلب را به جهت سفلی بکشاند. روح انسانی را به اعتبار غلبه نفس حیوانیت، نفس اماره گویند.

## بیاموزیم



۱. ابوالمعانی میرزا عبدالقدیر بیدل بزرگ‌ترین شاعر غزل‌سرای عرفانی و فلسفی در سال ۱۰۵۴ هجری قمری در هندوستان چشم به جهان گشود.
۲. جز از دیوان غزلیات، آثار دیگری از بیدل نیز در دست است که بیش از نود هزار بیت را تشکیل می‌دهد.
۳. مهمترین آثار بیدل عبارتند از: طور معرفت، طلس محبت، محیط اعظم، چهار عنصر، عرفان، رقعات، نکات و رباعیات.
۴. باریک‌اندیشی، خیال‌انگیزی، به کار گیری ترکیبات نو، تشخیص بخشیدن به چیزهای بی‌جان، بهره‌گیری از نمادها و تلمیحات، استفاده از شیوه‌های شاعران گذشته ساده‌گی بیان و تازه‌گی زبان شعری، توصیف طبیعت، بازی با کلمه‌ها و تکرار قافیه از مهمترین ویژه‌گی‌های شعر «بیدل» است.
۵. بیدل آخرین آینه تابان شعر عارفانه بود که نور وجودش در تاریخ چهارم صفر ۱۱۳۳ هـ ق. به خاموشی گراید.

## درست بنویسیم



- هر گاه حرف پایانی واژه، «الف» باشد، در هنگام پیوستن با ضمایر مشترک «خود، خویش، خویشتن» و ضمایر اضافی «تان، شان، مان» بیاید، در میان واژه و پسوند یک «ی» علاوه می‌شود؛ اما این «ی» به صورت مستقل نوشته شده، با واژه‌های پسین و پیشین خویش نمی‌پیوندد؛ مانند:

- خود: بالای خود، کالای خود، آشنا ای خود.
- خویش: سیمای خویش، سودای خویش، فردای خویش.
- خویشن: تنها ای خویشن، گیرای خویشن، غم‌های خویشن.
- تان: گل‌های تان، صدای تان، پیشوای تان.
- شان: غوغای شان، غذای شان، بقای شان.
- مان: خدای مان، نوای مان، زیبایی مان.
- اما اگر حرف پایانی واژه، «الف» باشد و در هنگام پیوستن با ضمایر اضافی «-ت»، «-م» و «-ش» قرار گیرد، باز هم همان «ی» در میان واژه و ضمیر علاوه می‌شود؛ اما «ی» باید با ضمیر به صورت پیوسته نوشته شود؛ زیرا این‌ها ضمایر متصل‌اند و خاصیت شان پیوستن است، مانند:
- ت: کالایت، دستهایت، ادایت.
- ش: زیبایش، مامايش، بهایش.
- م: گپهایم، جایم، کتاب‌هایم.

## کار گروهی و سخنرانی

۱. چند تن از شاگردان به ترتیب در مورد زنده‌گی، آثار، ویژه‌گی‌های شعری، زبان شعری و اندیشه‌های فلسفی بیدل در مقابل صنف قرار گرفته و سخنرانی نمایند.
۲. چند تن از شاگردان، در مورد مفهوم بیت زیر سخنرانی کنند:  
چه بلندی و چه پستی چه عدم چه ملک هستی  
نشنیده ایم جایی که کس آرمیده باشد

## املاء و نگاشتش

۱. متّنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد در کتابچه‌های تان املأ کار کنید.
۲. بادر نظرداشت قواعد املایی که در بالا خواندید، واژه‌های کجا، میرزا، صفا و رها را در هنگام پیوستن با ضمایر مشترک و واژه‌های مولانا، صفا و آشنا را در هنگام پیوستن با ضمایر اضافی در جمله‌های مناسب به کار برد و در کتابچه‌های خویش بنویسید.

## خود آزمایی

۱. سه ویژه‌گی عمدۀ شعر بیدل را بیان کنید.
۲. به نظر شما کدام شاعر دیگر می‌تواند با «بیدل» برابری کند؟ به چه دلیل؟
۳. واژه‌های «هستی» و «عدم» چه جایگاهی را در شعر «بیدل» احراز کرده‌اند؟
۴. برای باریک اندیشی، خیال‌انگیزی و ترکیبات نو در شعر بیدل یک – یک مثال بیاورید.
۵. هرگاه حرف پایانی واژه، «الف» باشد، در هنگام پیوستن با ضمایر مشترک «خود، خویش، خویشن» چگونه نوشته می‌شود؟ با ارائه مثال‌ها واضح‌سازید.

## کارخانه‌گی



۱. معنی، مفهوم و شرح ایيات زیر را در کتابچه‌های خویش نوشته و دو ترکیب تازه کلمات را از میان همین ایيات استخراج نمایید؛ همچنان این بیت‌ها را حفظ نمایید:  
تب و تاب ——وج باید زغور بحر دیدن  
چه رسد به حالم آن کس که تراندیده باشد  
به نسیمی از اجابت چمن حضور داریم  
دل چاک بال میزد سحری دمیده باشد
۲. متن کامل درس پنجم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گشایی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد و در پایان چند شاگرد به سوال‌های زیر جواب دهند:

- ۱- استقلال چه معنی دارد؟ استقلال فردی و اجتماعی چیست؟
- ۲- آیا استقلال حدود و قیودی دارد؟ توضیح دهید.
- ۳- ابن خلدون در باره هرج و مرج چه گفته است؟ شرح دهید.
- ۴- نقش تعلیم و تربیه در نظم جامعه از چه قرار است؟

## استقلال فردی و اجتماعی

استقلال و آزادی عبارت از اختیار فعل و یا ترک فعل را گویند و داشتن حق انجام هر عملی تا حدی که حق دیگران مورد تجاوز قرار نگیرد.

استقلال فردی عبارت از اختیارات فرد در جامعه از لحاظ حقوق عمومی است که شامل مسؤولیت شخصی و مسؤولیت منزل و اقامتگاه و آزادی شغل و اشتغال به حرفه، صنعت، تجارت، آزادی شرکت در اجتماعات یا تشکیل انجمن‌ها و احزاب سیاسی، آزادی قلم و مطبوعات می‌باشد.

استقلال و آزادی اجتماعی، عبارت از رعایت حق اجتماعی افراد است که مردم خواهان آن باشند.

آزادی به مفهوم مطلق آن، مطلوب هیچ ایدیالوژی و مکتبی نیست؛ ولی در مفهوم پذیرفته آن یعنی در حدی که به حقوق و آزادی‌های دیگران لطمه نزنند، مورد تأیید همه ایدیالوژی‌هاست. مهمترین آزادی‌هایی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر روی آن تأکید شده عبارت از آزادی بیان، قلم، آزادی اجتماعات و مسافرت است. این آزادی‌ها در اصول عقاید احزاب سیاسی و برنامه و هدف‌های مورد ادعای اکثریت قریب به اتفاق دولتها گنجانیده شده و کشورهای عضو سازمان ملل نیز با تصویب

اعلامیه حقوق بشر آن را پذیرفته اند.

اسلام که دین کامل، شامل و جامع بوده و در تمام عرصه‌های حیات برای بشر دارای برنامه‌های منظم و مفید می‌باشد بر آزادی و استقلال تأکید داشته و چارچوب معینی را برای آن وضع کرده است که با اجرای آن سعادت دارین نصیب بشریت می‌گردد.

خداآنده‌انسان را با اراده آزاد آفریده است و هیچ کس حق ندارد آزادی اراده را از انسان سلب نماید و انسان را بر خلاف اراده اش به کاری وا دارد. معنای استقلال فردی همین است که انسان می‌تواند آزادانه ابراز نظر نموده، از حق آزادی بیان استفاده نماید، به اراده و اختیار خود شغل قانونی و مشروع انتخاب کند.

برای اینکه آزادی‌های فردی در زنده‌گی مردم از تجاوز مصون بماند، انسان‌ها به یک رشته نورم‌ها و معیارها ضرورت دارند که در صدر این معیارها دین، اخلاق و قانون حراست از منافع ملی است. این معیارها در بعضی عرصه‌ها ایجاب می‌کند که افراد آزادی‌های مطلق فردی را کنار بگذارند و برای قوام زنده‌گی اجتماعی تن به حاکمیت قانون بسپارند. آن افراد جامعه که از فیض وجودان بیدار برخوردار استند خود حاکم و قاضی خویش بوده، دستگاه‌های حمایت نظم و قانون به تعقیب آنان نمی‌باشند؛ اما، انسان‌ها همه یکسان نیستند و بعضی‌ها از غصب حق دیگران لذت می‌برند و آن‌قدر حریص و خودخواه می‌شوند که می‌خواهند همه چیزهای خوب را برای خود بردارند و همه دشواری‌ها و درد سرها را برای دیگران بگذارند. همین مسئله است که ایجاب پولیس و دیگر تشکیلات امنیتی را می‌کند.

ابن خلدون دانشمند و جامعه‌شناس بزرگ دنیای اسلام می‌گوید که حکومت ناصالح ظالم نیز بهتر از حالت بی‌حکومتی و هرج و مرج است؛ زیرا فقدان نظم و قانون ظلم و زور را بر جامعه حاکم می‌سازد و آزادی اجتماعی را صدمه می‌زند. یک حکومت سالم برای هر جامعه یک آیدیال است؛ ولی بدختانه انسان‌ها بدین آیدیال به آسانی نرسیده اند.

مسئله استفاده از آزادی‌های فردی و اجتماعی تابع رشد فکری بوده و مربوط به جامعه و تعلیم و تربیه افراد نیز می‌باشد. تعلیم و تربیه سالم، افراد را پیش از هر چیز با مکلفیت‌های قانونی و اخلاقی شان آشنا می‌سازد و به آنان می‌فهماند که آزادی‌های فردی و اجتماعی دیگران از چه قرار است.

رشد درجه آزادی‌های فردی و اجتماعی را هیچ‌گاه نمی‌توان از رشد تعلیم و تربیه در یک کشور جدا کرد. تحقق درست آزادی‌های فردی و اجتماعی هنگامی میسر می‌شود که افراد از حقوق و آزادی‌های هم‌دیگر به طور کامل آگاه باشند و این ممکن نیست؛ مگر از راه توسعه و تعییم تعلیم و تربیه و رشد علمی و عملی افراد جامعه.

**توضیحات** اتحادیه: واحد مشترکی از سازمان‌های جداگانه و یا انجمنی از اشخاص حقیقی یا حقوقی برای پیگیری هدف‌های مشترک یا سازمان متشكل از کارگرانی که برای حفاظت از منافع مشترک و بهبود بخشیدن به شرایط کارشان به آن پیوسته اند.

جامعه: عبارت از گروه وسیع مردم شامل سازمان‌های متعدد و مرکب از عده کثیری زن و مرد و کودک است که در طی زمان طولانی از انتکای متقابل اجتماعی و نظم گروهی بهره‌مند باشد. جامعه‌یی که وابسته محل معین و از جوامع دیگر، کمابیش بی‌نیاز باشد، اجتماع خوانده می‌شود.



## بیاموزیم

- ۱- آزادی فردی این است که انسان بتواند آزادانه ابراز نظر نماید، از حق آزادی بیان استفاده کند و به اراده و اختیار خود شغل قانونی و مشروع انتخاب کند.
- ۲- ابن خلدون دانشمند و جامعه‌شناس بزرگ می‌گوید: «حکومت ناصالح و ظالم نیز بهتر از حالت نااحکومتی و هرج و مرج است؛ زیرا فقدان نظم و قانون ظلم و ستم را بر

جامعه حاکم می‌سازد و آزادی‌های فردی و اجتماعی را صدمه می‌زند».

## درست بنویسیم

در زبان عربی «الف مقصوره» یا بی است که «ی» در پایان واژه‌ها «آ» خوانده می‌شود، چنین واژه‌ها در املای دری، مانند اصل عربی نوشته می‌شوند؛ مانند: عیسی، موسی، مصطفی، معنی، مرتضی، یحیی، فتی، مجتبی، صغیری، کبری، اعلی، ادنی، الی، اولی.

هر گاه واژه‌ها مختوم به «الف مقصوره» در جمله‌ها مضاف، موصوف، منسوب و یا در عبارت‌ها و ساختارهای دستوری دیگر واقع شوند، «ی» به صورت «الف» (ا) نوشته می‌شود و قاعدة واژه‌های مختوم به «ا» بر آن‌ها تطبیق می‌گردد؛ مانند:

عیسی میریم عیسی

موسی کلیم الله موسی

معنی واژه‌ها، واژه‌های چندین معنایی.

لیلی محصل پوهنتون یا دانشگاه، انگور اعلای کوه‌دامنی.

شوری وزیران شوری

یحیی برمکی یحیی

هر گاه این گونه واژه‌ها منسوب قرار گیرند، در زبان عربی به صورت زیر نوشته می‌شوند:

موسی موسی

عیسوی عیسوی

معنوی معنوی

مصطفوی مصطفوی

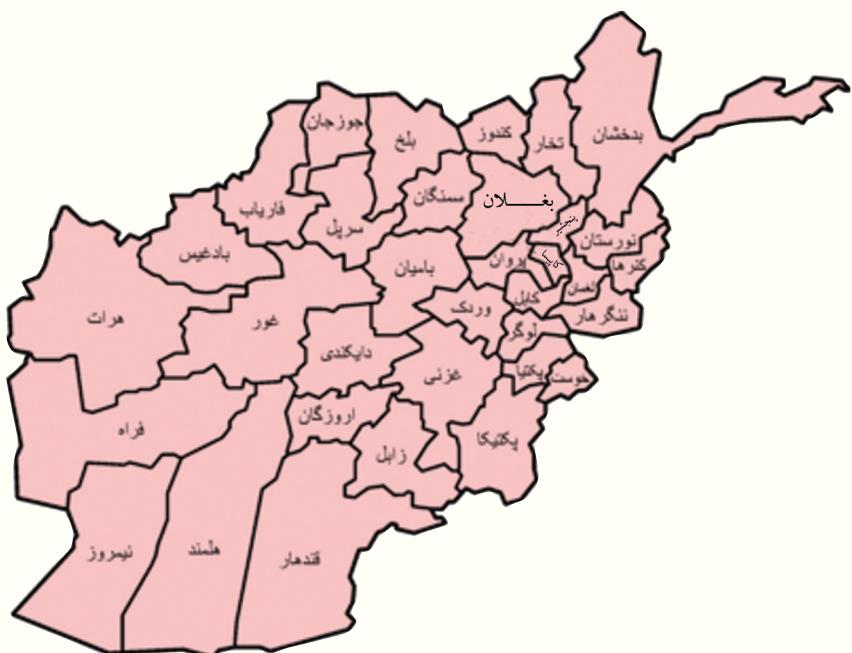
اما در املای زبان دری شکل‌های زیر را به خود می‌گیرند:

موسی موسایی موسی

عيسا <sup>ي</sup>	عيسى
معنای <sup>ی</sup>	معنا
مصطفا <sup>ی</sup>	مصطفی

## کار گروهی و سخنرانی

- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون آزادی‌های فردی و اجتماعی به بحث و گفتگو پردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهد.
  - یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده اهمیت آزادی را به همصنفی‌های خود توضیح دهد.
  - چند شاگرد در مورد نقشۀ زیر سخنرانی کنند:



## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- در باره اهمیت قانون در جامعه چند سطر بنویسید.

## خود آزمایی

- ۱- آزادی یعنی چه؟ توضیح دهید.
- ۲- در باره آزادی فردی و اجتماعی چه می‌دانید؟ بیان کنید.
- ۳- جامعه و اجتماع از هم چه فرق دارند؟
- ۴- آیا حکومت ناصالح از هرج و مرج و انارشیسم بهتر است یا خیر؟ چرا؟ درباره تبصره کنید.
- ۵- «آزادی بیان حق مسلم هر شهروند است.» این جمله را شرح کنید.

## کار خانه‌گی

- ۱- با در نظر داشت قواعدی که خواندید یک مقاله پیرامون اهمیت آزادی بنویسید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

برگ و ساز کاینات از وحدت است  
اندرین عالم حیات از وحدت است

- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گریزید.

## ششم

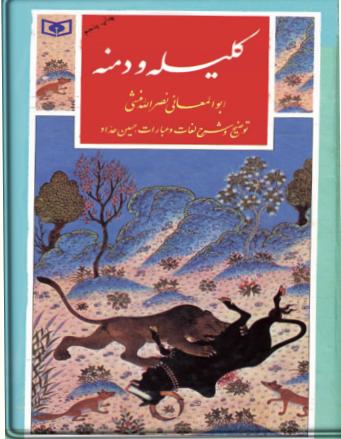
درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد:

۱- در باره کلیله و دمنه چه می‌دانید؟ توضیح دهید.

۲- آیا کلیله و دمنه همان پنچه تنتره بوده است و چه معنی می‌دهد.

۳- کلیله و دمنه فعلی شامل چند باب است؟ نام ببرید. ۴- چه کسانی کلیله و دمنه را ترجمه منظوم نموده اند؟ ۵- مقصود از تألیف کلیله و دمنه چیست؟

۶- کلیله و دمنه به کدام نام‌های دیگر در ادبیات جهان معروف است؟



### کلیله و دمنه

کتاب کلیله و دمنه مجموعه‌ی ارزشمند از دانش و حکمت است که مردمان خردمند قدیم گردآوری کرده اند و برای فرزندان خویش به میراث گذاشته و از آن حکمت عملی و آداب زنده‌گی و زبان می‌آموختند.

اصل کتاب به زبان سانسکریت بود که به نام پنچه تنتره «panchatantra» در پنج باب فراهم آمده

است و بروزیه طبیب مروزی در عصر انسویروان خسرو، پسر قباد پادشاه ساسانی آن را به پهلوی درآورد و ابواب و حکایاتی چند بر آن اضافه نمود که اغلب آن‌ها از مأخذ دیگر هندی سانسکریت بود.

این کتاب که امروز به نام‌های گوناگون کلیله و دمنه، انسارسنهیلی، عیار دانش، همایون نامه و افسانه‌های بیدپایی در ادب جهان معروف است که دری زبان آن را از هندوستان آورده و خود چند باب بدان افروده و بدین صورت تنظیم و فصل‌بندی کرده اند؛ همچنان در زمان سلطان بهرام شاه غزنی بازهم به زبان دری تکثیر شد که به نام کلیله و دمنه بهرامشاهی نیز یاد می‌شود.

برای اثبات این امر که کلیله و دمنه از آثار ادبی سانسکریت اقتباس و ترجمه شده استناد و مدارک زیاد در دست است. عنوان اصلی و کلی کتاب از نام دو شغال که در حوادث باب نخستین فعالیت دارند، گرفته شده است.

ابن ندیم کتاب کلیله و دمنه را ۱۷ و ۱۸ باب می‌داند. عبدالله بن متفق و دیگران آن را تفسیر کرده اند؛ سپس رودکی و در سال ۱۳۸۴ هـ. ش. میر بهادر واصفی بدخشی آن را به نظم دری کشیده و علی بن داود و بشر نیز آن کتاب را به شعر عربی درآورده اند. ابن خلگان می‌گوید: چند تن تألیف عربی آن را به عبدالله بن متفق نسبت داده اند، لیکن همه مؤرخان معتقدند که عبدالله بن متفق فقط این کتاب را از پهلوی به عربی ترجمه کرده است. برخی عقیده دارند که این کتاب به دستور خسرو انسویروان به وسیله طبیی به نام بروزی یا بروزیه از هندوستان به کشور ما آمد و به زبان پهلوی ترجمه شد. مسعودی (قرن چهارم) آن را به یکی از پادشاهان هند نسبت می‌دهد. فردوسی نیز آن را در شاهنامه تکرار می‌کند.

ابو المعالی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی، کلیله و دمنه را که در زمان بهرام شاه غزنوی ترجمه کرده، می‌گوید: «کتاب کلیله و دمنه پانزده باب است و از آن اصل کتاب که هندوان کرده اند ده باب است. و از جمله می‌توان از چند باب نام برد:

- ۱- باب شیر و گاو
- ۲- باب دوستی کبوتر نامه‌رسان
- ۳- باب گربه و موش
- ۴- باب شیر و شغال
- ۵- باب بوزینه و سنگ‌پشت
- ۶- باب زاهد و مهمان

آنچه دری زبانان بدان افزوده اند:

بدون تردید دو باب از ابواب کلیله و دمنه را نویسنده‌گان کشورما بر آن افزوده اند: یکی داستان مأموریت بروزیه در هندوستان و دیگر زنده‌گانی بروزیه. کتاب پنچاتنtra با کلیله و دمنه شباهت تام دارد و باید گفت سرمشق و مأخذ بروزیه

طبیب بوده است؛ البته حوادث اصلی کلیله و دمنه و دیگر افسانه‌هایی که در آن جمع آوری شده از هندوستان آمده، ولی جمع آوری آن‌ها در یک کتاب و شکلی که این افسانه‌ها در قالب آن عرضه شده می‌تواند ابتکار بروزیه یا بزرگمهر باشد.

پنچه تتراء: دایرة المعارف بزرگ در این باب می‌نویسد:

پنچه تتراء مجموعه مشهور قصه‌های هندی است که به برهمنی و یشنویی منسوب است. این مجموعه که هم‌اکنون در دست است در اوآخر قرن پنجم میلادی تدوین و از پنج کتاب تشکیل شده: (پنچا=پنج، تتراء=اندرز) جدایی دوستان، به دست آوردن دوستان، جنگ بومان و زاغان، از دست دادن مزایای مکتب و فاعل اعمال نسنجدید.

کتاب اصلی، به وسیله برهمن و یشنویی گردآوری شده که در قرن سوم پس از میلاد در کشمیر می‌زیسته است. این کتاب شامل یک مقدمه و پنج باب است که هریک به نام «تتراء» نامیده شده و مقصود از آن آموختن فن زنده‌گی و حکمرانی به شاهزاده‌گان است. این کتاب، پیراسته به معانی عالی و انواع صنایع لفظی و معنوی کلام می‌باشد و صنایع آن چنان طبیعی آورده شده که خواننده کمتر متوجه آن می‌گردد. کلیله و دمنه ترجمه و تحریر نصرالله منشی از لحاظ انشا و تحریر بهتر و برتر از همه ترجمه‌های دیگر است. نصرالله منشی در این کتاب کالبد اصلی داستان را از ترجمه ابن مقفع می‌گیرد و مانند معماری هنرمند که با ظرافت و نازک کاری عمارتی را به انجام می‌رساند، با ذوق و طبع سلیم خود کتاب را از نظر کمی و کیفی پربارتر می‌کند. از نظر کمی، علاوه بر افزودن چند باب، داستان‌ها را گسترش می‌دهد، در میان داستان، عبرت‌آموزی‌ها می‌کند، هر جا لازم بداند، تمثیل و یا تلمیحی می‌افزاید؛ به آیات قرآنی و احادیث نبوی استشهاد می‌کند اشعار دری و عربی را متناسب مقال می‌آورد. از نظر کیفی نثر کلیله و دمنه مصنوع است، اما تصنیع نیست و به همین جهت برای خواننده آن چنان که نثرهای مشابه او دشوار است، دشوار نمی‌نماید. عبارت‌های پرمغز و پرمعنی و موجز، در سراسر کلیله و دمنه فراوان است. داستان‌های کلیله و دمنه مانند زنجیری که حلقه‌هایش بهم پیوند خورده است؛ به هم متصل می‌باشد.

## توفیق‌ها

کلیله و دمنه: در اصل دو شغال است و این کتاب معروف که اصول اخلاق را به طرز اکثر حکایت‌ها از زبان وحوش بیان می‌کند از کتاب‌های مشهور دری است.

پنچه تنتره: پنچه به معنای پنج و تنتره به معنای اندرز است، پنچه تنتره به معنای پنج اندرز یا پنج کتاب می‌باشد که در اوخر قرن پنجم میلادی تدوین یافته است. عبدالله بن متفع: کسی که کتاب کلیله و دمنه را از پهلوی به عربی ترجمه نموده است، ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبد الحمید منشی، کسی که کتاب کلیله و دمنه را از عربی به دری ترجمه نموده است.



### یاموزیم

۱. اصل کتاب کلیله و دمنه به زبان سانسکریت بوده که به نام پنچه تنتره یاد می‌شود و به معنای پنج اندرز و یا پنج کتاب می‌باشد؛ سپس ابواب و حکایت‌های چند برآن افزوده شده است.
۲. کتاب کلیله و دمنه را رودکی سمرقندی و در سال ۱۳۸۴ هـ. ش. میر بهادر واصفی بدخشی ترجمه منظوم نموده اند.
۳. کلیله و دمنه کتاب پیراسته و آراسته با معانی و انواع صنایع لفظی و معنوی است.

## درست

## بنویسیم



• هرگاه حرف اخیر واژه‌ی «واو» باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین بازهم در میان واژه و پسوند یک «ی» علاوه می‌شود که همیشه با واژه‌پسینش باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند:

- پسوند جمع «ان»: ماهرو+ی = ماهرویان، بدخویان، نیکویان....
- پسوند اسم معنا «ی»: نیکو+ی+ی = نیکویی، جادویی، بدخویی....
- پسوند تنکیر «ی»: ترسو+ی = ترسویی، کامجویی، آرزویی....
- پسوند صفت نسبتی «ی»: لیمو+ی+ی = لیمویی، آهوبی
- هرگاه حرف پایانی واژه، «واو» باشد در پیوند با پسوند تصغیر «-ک» در میان واژه و پسوند «-گ» علاوه می‌شود که همیشه بعد از واژه باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند: جاروگک، کدوگک، ترسوگک.

## کار گروهی و سخنرانی



- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون کتاب کلیله و دمنه به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهد.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده در باره پنچه تنتره معلومات دهد.

## املا و نگاشت



- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد، به صورت املا در کتابچه‌هایتان بنویسید.
- ۲- با درنظرداشت قواعد املایی که خواندید، در کتابچه‌های تان چند کلمه از پسوند تنکیر «ی» و پسوند صفت نسبتی بنویسید.

## ۲ خود آزمایی

- ۱- کلیله و دمنه چیست؟ درباره چه بحث می کند؟
- ۲- پنجه تنتره چه معنا دارد؟
- ۳- پنج باب از کتاب کلیله و دمنه را نام بگیرید.
- ۴- کتاب کلیله و دمنه چه نوع حکایت‌هایی را بیان می کند؟
- ۵- چه کسانی تا کنون کتاب کلیله و دمنه را به نظم دری در آورده اند؟

## کار خانه‌گی

- ۱- نکات مهم درس خوانده شده را یادداشت نمایید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:  
بیدل از معنی طرازی بر کمال خود ملاف  
گرد ساحل باش، این موج از محیط دیگر است
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گّی بگیرید.

## هفتم

درس امروز توسطیک تن از شاگردان معرفی شود و شاگرد  
باید طوری صحبت کند که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر  
باشد:

- ۱- تعریف علمی و دقیق شعر را بیان دارید.
- ۲- انواع شعر را از نظر قالب و شکل فام بیابید.
- ۳- در باره قافیه و ردیف چه می‌دانید؟ بگویید.
- ۴- مطلع و مقطع را توضیح دهید.

### شعر دری از لحاظ قالب شعری

- انواع شعر دری را از لحاظ شکل و قالب می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:
- ۱- انواع شعر کلاسیک که عبارت است از: قصیده، غزل، مثنوی، رباعی، قطعه، مسمط، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مستزاد و دوبیتی.
  - ۲- انواع شعر معاصر که عبارت است از: شعر نو و یا شعر نیمایی، شعر سپید....

#### انواع شعر از نظر شکل

شعر، کلام موزون، مقفی و مخیل بوده که بیان کننده احساسات و عواطف می‌باشد. به عبارت دیگر، شعر پیوند گره خورده نهانی، تعقل، فکر و تعطف انسان می‌باشد.  
**بیت و مصراع:** مصروع، در لغت به معنای یک لنگه و در اصطلاح حداقل سخن موزون و نیمی از یک بیت است. بیت در لغت به معنای خانه و در اصطلاح حداقل سخن شعر است که از دو مصراع تشکیل شده باشد.

#### قصیده

قصیده شعری است بر یک وزن و قافیه و با مطلع مصرع مربوط به یکدیگر در باره موضوع و مقصود خاص از ستایش یا نکوهش، تهنیت یا تعزیت، شکر یا شکایت، فخر یا حماسه، پند و حکمت و یا مسائل اجتماعی و اخلاقی و عرفانی، در حداقل پانزده بیت و به طور متوسط از بیست تا هشتاد بیت می‌باشد. کمی یا زیادی بیت‌های تصاید بسته گی دارد به اهمیت موضوع، قدرت و قوت طبع شاعر و نوع قافیه و اوزان شعری،

**مطلع و مقطع:** در اصطلاح شعراء بیت اول غزل و قصیده را مطلع و بیت آخر را مقطع می‌گویند.

**حسن مطلع و حسن مقطع:** اگر بیت اول غزل یا قصیده‌یی خوب و مرغوب و زیبا باشد، می‌گویند دارای «حسن مطلع» است. و اگر بیت آخر آن‌ها مطبوع و دلپسند شده

باشد، می‌گویند دارای «حسن مقطع» است.

**تشیب، نسیب، تغزل:** هر سه لغت در فرهنگ‌ها متراffد یکدیگر و به معنای غزل گفتن و سخن عاشقانه سروden است. در اصطلاح شعراء، پیش درآمد اوایل قصیده است که مانند مقدمه‌یی در بیان زیبایی‌های محظوظ و حکایت حال عشق و عاشق، شور و شوق و لذت وصل، رنج هجر و فراق، یا وصف مناظر طبیعت از کیفیت فضول، آسمان، زمین، کوه، دریا، دشت و صحراء و امثال آن‌هاست، آن‌گاه شاعر به مناسبی شیرین و گیرا و بیانی لطیف از این مقدمه به اصل مقصود قصیده: از قبیل مدح و ستایش یا تهنيت و تعزیت و نظایر آن گریز می‌نماید؛ بنابر این تشیب... در حقیقت پیشاوهنگ قصیده و زمینه‌سازی شاعر است برای ورود به اصل مقصود.

**تخلص در قصیده:** این تخلص به معنای گریزدن و منتقل شدن از تشیب و پیش درآمد است به اصل مقصود قصیده. همان طوری که در ضمن بیان تشیب بدان اشاره شد. این گریزدن به وسیله‌ییتی که آن را «بیت تخلص نامند»، صورت می‌گیرد. حال اگر شاعر این بیت را به زیبایی و گیرایی و مناسبت لطیف سروده و با مهارت و استادی از تشیب به اصل موضوع قصیده خود را رسانده باشد؛ به کار او «حسن تخلص» می‌گویند.

### نمونه قصیده

مگر هشیار مرد، ای مرد هشیار  
خردمند است بار و بی خرد خار  
که خرماد در میان خار بسیار  
به یمگان چون نشینی خوار و بی‌یار؟  
نکوبنگر، گرفتارم مپندار  
به سنگ‌اندر گرفتارند یا خوار  
مرا اینجا بسی عز است و مقدار  
ز بی‌قدرتی صدف لولوی شهوار  
سپیداری سپیداری سپیدار  
که بارش گوهر است و برگ دینار  
کرا دل روشن است و چشم بیدار  
ناصر خسرو

نیینی بر درخت این جهان بار  
درخت این جهان را سوی دانا  
نهان اندر بدان نیکان چناند  
مرا گویی «اگر دانا و حُرّی  
به زنهار خدایم من به یمگان  
نگویید کس که سیم و گوهر و لعل  
اگر خوار است و بی‌مقدار یمگان  
نشد بی‌قدر و قیمت سوی مردم  
اگر بار خرد داری، و گر نی  
نماند جز درختی را خردمند  
به از دینار و گوهر علم و حکمت

**غزل:** در لغت به معنای حديث عشق و عاشقی گفتن است، و در اصطلاح شعراء اشعاری است که بر یک وزن و قافیه و با مطلع مصرع. تعداد ایيات آن به طور متوسط از پنج تا دوازده بیت و گاهی تا حدود شانزده بیت و به ندرت نزده و بیست بیت است؛ اما کمتر از پنج بیت-سه چهار بیت - را می‌توان غزل ناتمام نامید. غزل تنها، در مضامین عشق و عاشقی سروده نمی‌شود؛ بلکه ممکن است متضمن مضامین اخلاقی و دفایق حکمت و معرفت و عرفان و جزء آن باشد.

از طیب اصفهانی

غمت در نهان خانه دل نشیند  
به دنبال محمول چنان زار گریم  
خلد گر به پا خواری آسان بر آرم  
مرنجان دلم را که این مرغ وحشی  
بنازم بـه بزم محبت که آن جا  
طیب، از طلب در دو گیتی میاسا  
کسی چون میان دو منزل نشیند؟

**مثنوی:** اشعاری بر یک وزن، اما هر بیت آن دارای قافیه مستقل است، یعنی دو مصraع هر بیت هم قافیه است. چون هر بیت آن مستلزم دو قافیه یا هر دو مصraع ابیات مقفاست، به آن مثنوی گفته اند. تعداد ابیات مثنوی محدود نیست و به همین دلیل از آن برای به نظم درآوردن تواریخ، قصص و افسانه های طولانی استفاده می شود؛ مانند:

## رباعی

شعری است در دو بیت با مطلع و مصرع بروزن (الاحول ولاقوة الا بالله) که رعایت قافیه در دو مصراع بیت اول و مصراع چهارم الزامی و در مصراع سوم اختیاری است.  
جامی است که عقل آفرین می زندش      صد بوسه زمهر بر جین می زندش  
این کوزه گر دهر، چین جام لطیف      می سازد و باز بر زمین می زندش  
خیام

ور میل دلت به جانب ماست بگو  
گر هست بگو، نیست بگو، راست بگو  
مولوی

جز من اگرت عاشق شیداست، بگو  
ور هیچ مرا در دل تو جاست، بگو

## دو بیتی

شعری است در دو بیت که با رباعی در قافیه بندی یکی؛ اما در وزن با آن فرق دارد. به عبارت دیگر، شعری است با مطلع مصرع، ولی از حیث وزن محدودیت رباعی را ندارد. یعنی قافیه در هر دو مصراع بیت اول و مصراع چهارم رعایت شده باشد و آوردن قافیه در مصراع سوم اختیاری است؛ مثال:

که هر چه دیده بیند دل کند یاد  
زنم بر دیده تا دل گردد آزاد

زدست دیده و دل هر دو فریاد  
بسازم خنجری نیشش ز فولاد

## قطعه

نوع ابیاتی است بر یک وزن و قافیه بدون مطلع مصرع، که از اول تا آخر همه مربوط به یکدیگر، راجع به یک نوع موضوع اخلاقی و حکایت شیرین با مدح و هجو و تهنیت و تعزیت و امثال آن باشد. حداقل قطعه دو بیت و حد اکثر پانزده بیت است. ولی بر حسب ضرورت تا حدود پنجاه بیت و بیشتر از آن نیز گفته اند. در این صورت فرق آن با قصیده همان است که قطعه دارای مطلع و مصرع نیست، یعنی قافیه را از آخر بیت اول آغاز کرده و در مصراع اول نیاورده اند؛ اما قصیده شرط است که دارای مطلع مصرع باشد. کلمه قطعه به معنای یک پاره از هر چیزی است و چون این نوع شعر شبیه پاره بی از ابیات قصیده است، آن را «قطعه» نامیده اند؛ مثال:

دوست مشمار آن که در نعمت زند      لاف یاری و برادرخوانده گی  
دوست آن باشد که گیرد دست دوست      در پریشان حالی و درمانده گی

سعدی

## ترجیع بند و ترکیب بند

آن است که از چند قسمت اشعار مختلف تشکیل شده باشد، همه در وزن یکی و در قافیه مختلف، به این شرح که چند بیت بر یک وزن و قافیه مخالف باشد؛ همچنان این عمل را چند بار تکرار کنند، طوری که در فواصل همه بخش‌ها بیتی منفرد آمده باشد.

پس هرگاه یک بیت را در فواصل عیناً تکرار کرده باشند آن نوع شعر را «ترجیع بند» و اگر ایات فواصل با یکدیگر فرق داشته باشد، آن نوع شعر را «ترکیب بند» خوانند.  
زیاغ ای باغبان ما را همی بوی بهار آید      کلید باغ ما را داده که فردا مان به کار آید  
کلید باغ را فردا هزاران خواستار آید      تولختی صبر کن چندان که قمری بر خیار آید  
بدین شایسته‌گی جشنی بدین بایسته‌گی روزی  
ملک را در جهان هر روز، جشنی باد و نوروزی

## مسmet

نوعی از قصیده یا اشعاری است هموزن، مرکب از بخش‌های کوچک که همه در وزن و عدهٔ مصراع‌ها یکی و در قوافی مختلف باشد؛ مثلاً: در ابتدا پنج مصراع بر یک وزن و قافیه بگویند و در آخر مصراع‌ها یک مصراع دیگر بیفزایند که در وزن مشترک ولی در قافیه متفاوت باشد. از مجموع آن شش مصراع یک بخش تشکیل می‌شود که آن را به اصطلاح شرعاً، یک رشته از مسمط گویند و در رشته دوم باز پنج مصراع بر یک قافیه بگویند که با رشته اول در وزن یکی و در قافیه مختلف باشد؛ اما مصراع ششم را بر همان وزن و قافیه بیاورند که در آخر رشته اول بود؛ مانند:

کرده گلو پر ز باد، قمری سنجاب پوش  
کبک فرو ریخته، مشک به سوراخ گوش  
بلبلکان بانشاط، قمریکان با خروش  
در دهن لاله مشک، در دهن نخل نوش  
وزمه اردیبهشت کرده گوهر فروش

## مستزاد

مستزاد به شعری گفته می‌شود که در آخر هر مصراع از «رباعی» یا «غزل» و قطعه پارهٔ مصراع یا جمله‌یی از نوع نثر موزون مسجع افزوده گردد، که از لحاظ معنا با آن مصراع مربوط است؛ مانند مستزاد زیر از ابوسعید ابی الخیر:

از دوست پیام آمد کاراسته کن کار      این است شریعت  
مهر دل پیش آر و فضول از ره بردار      این است طریقت

حاجات تو را کند خداوند روا بی چون و چرا کز خلق نیاید کرم وجود و عطا بی شرک و ریا	گر حاجت خود بری به در گاه خدا با صدق و صفا زنهار مبر حاجت خود در بر خلق با جامه دلق
---	--

سنایی

### شعر معاصر

این اصطلاح به مجموعه اشعاری که در نیم قرن اخیر خارج از اسلوب متقدمان سروده شده است، اطلاق می شود. در این زمینه می توان شعر معروف علی اکبر دهخدا را مثال آورد:

ای مرغ سحر، چون این شب تار	بگذاشت ز سر سیاه کاری
وز نفعخه روح بخش اسحار	رفت از سر خفه گان حماری

بعد از دهخدا، برخی از شاعران معاصر؛ مانند: ملک الشعرا بهار و ابوالقاسم لاهوتی و دیگر شاعران متجدد به ساختن دویتی های پیوسته (رباعی) پرداختند؛ مانند: قطعه «کبوتران من» اثر ملک الشعرا بهار که بند نخستین آن چنین است:

بیایید ای کبوترهای دلخواه	بدن کافور گون، پاهای چو شنگرف
پیرید از فراز بام و ناگاه	به گرد من فرود آید، چون برف

در همان هنگام که این دسته از شاعران با موازین عروضی قدیم در حد اعتدال سرگرم تحولی بودند، نیما یوشیج در مجله موسیقی (۱۳۱۸ ه. ش.) به نشر شعرهایی پرداخت که در آنها علاوه بر تازه گی در بیان، تشیهات، استعارات و موازین عروضی شعر دری نیز به شیوه قدیم رعایت نشده بود. این گونه شعرها در سالهای پس از ماه اسد ۱۳۲۰ ه. ش. طرفدارانی یافت که اکنون یکی از انواع رایج شعر امروز دری است و اصطلاحاً آن را «شعر نو» و گاهی «شعر نیمایی» می گویند؛ یعنی شعری که در یکی از وزن های عروضی قدیم سروده می شود؛ اما شاعر بر حسب نیاز معنوی در کوتاهی و درازی مصراع ها و همچنین در به کار بردن قافیه، آزاد است. به عنوان نمونه بخشی از قطعه «مهتاب» نیما یوشیج در زیر نقل می شود:

می تراود مهتاب	نمیست یکدم شکند خواب به چشم کس و لیک،
می درخشد شبتاب	غم این خفتة چند،
	خواب در چشم ترم می شکند

نوعی دیگری از شاخه های تحول شعر دری که در آن وزن به طور مطلق رعایت

نمی شود؛ بلکه بیشتر کوشش در انتخاب کلمه و توجه به تخیل و اندیشه است که به «شعر سپید» معروف شده است.

عروض: میزان شعر، جزء اخیر از مصراع اول بیت، اعاریض جمع و نیز به معنای ناحیه، کرانه و گوشه، راه در کوه، و نام علمی که به وسیله آن به اوزان شعر و تغییرات آن پی می برند.  
عرفان: شناختن، شناختن حق تعالی، خداشناسی



## بیاموزیم

- ۱- شعر کلام موزون، مقفى و مخلیل بوده که بیان کننده احساسات و عواطف می باشد.  
یا به عبارت دیگر، شعر پیوند گره خورده نهانی، تعقل، فکر و تعطف انسان می باشد.
- ۲- انواع شعر دری از لحاظ قالب شعری عبارت است از: قصیده، غزل، مشنون، رباعی  
قطعه، مسمط، ترکیب بند، ترجیح بند، مستزاد و دویستی.
- ۳- شعر نو، شعری را گویند که در یکی از وزن های عروضی سروده شود؛ اما شاعر بر حسب  
نیاز معنوی در کوتاهی و درازی مصراعها و همچنین در به کار بردن قافیه آزاد است.



## درست بنویسیم

- هر گاه حرف آخر واژه‌یی «واو» باشد، هنگام پیوستن با افعال استنادی (استم، استیم، استی، استید، است، استند و اند)، «الف» از آغاز همه این‌ها، به استثنای (اند)، حذف می شود؛ مانند:

- استم: نیکوستم
- استیم، بدخوستیم
- استی: خوبروستی
- استید: کامجوستید
- است: جادوست
- استند: ماهروستند

اما الف آغازین (اند) به (ای) مبدل می شود؛ مانند: نامجویند، ترسویند، نیکویند.

## کار گروهی و سخنرانی



۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون انواع شعر از نظر قالب به بحث و گفتگو پردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهند.



۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده فرق ریاضی و دویستی را توضیح دهد.

۳- چند تن از شاگردان، این تصویر را با موضوع فراغت از مکتب ارتباط داده در مورد آن در برابر صنف سخنرانی کنند.

## املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌هایتان بنویسید.

۲- درس درست بنویسیم را اساس قرار داده، چند واژه دیگر بنویسید.

## خودآزمایی



۱- از انواع شعر از لحاظ قالب نام بگیرید.

۲- قافیه و ردیف را تعریف و با ارائه مثال شعری واضح سازید.

۳- در باره مطلع و مقطع چه می‌دانید؟ توضیح دهید.

۴- مسمط و مستزاد را تعریف کنید.

۵- در باره شعر معاصر معلومات دهید.

## کار خانه‌گی



۱- در مورد شعر نو مطالب تهیه نموده روز آینده در صنف قرائت نمایید.

۲- این بیت‌ها را به حافظه بسپارید:

که سر کوی تو از کون و مکان مارا بس  
طبع چون آب و غزل‌های روان مارا بس  
از درخواش خدارا به بهشت مفرست  
حافظ، از مشرب قسمت گله بی‌انصافی است

## هشتم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریفاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. سخنرانی چه اهمیت دارد؟
۲. چرا سخنرانی را باید تمرین کنیم؟
۳. ویژه‌گی‌های گفتار و سخن کدام است؟

### آین سخنرانی

از روزی که انسان به نیروی اعجاب‌انگیز کلام پی برد، همیشه مایل بوده که بتواند در میان جمع به خوبی صحبت کند و با قدرت کلام، دیگران را تحت تأثیر قراردهد؛ اما مواعظ زیادی هم وجود دارد که بعضی‌ها را از صحبت کردن برای دیگران باز میدارد. بسیار مشاهده شده که اشخاص فعال و پر تلاش به این دلیل که نتوانسته اند حاصل فعالیت‌های خود را با بیانی رسای و شیوا برای مخاطبان طرح کنند، در کارهای خود موفقیت چندانی نداشته اند. واضح است که اگر یک سخنران، کلام فصیح، بلیغ و اثرگذار نداشته باشد، نمی‌تواند آنچنان که باید و شاید در عرصه‌های رقابت، نقد پرسش و پاسخ و گزارشده موفق باشد.

سخن‌گفتن و بیان مطلوب، کاری است که می‌تواند به نوعی در نایل آمدن به اهداف و پیشبرد برنامه‌های شما کمک شایانی کند. شاید برای تان پیش آمده باشد که با سخنی مناسب، تاثیرگذار و پرجاذبه، عده‌یی را با نظر و خواسته خود موافق و همراه کرده باشید و چه بسا گاهی اتفاق افتاده که به خاطر نداشتن نفوذ کلام و عدم ارتباط مطلوب، نتوانسته اید در این کار توفیق چندانی داشته باشید.

در هر حال زبان، گفتار و سخن، موهبتی است که می‌تواند در عرصه‌های مختلف زنده‌گی، کار و حیات فردی، گروهی و اقتصادی شما دیگر گونی‌های قابل توجهی ایجاد کند. پس برای این که بتوانید این موهبت را به گونه‌شایسته به کار گیرید، در قدم نخست باید ویژه‌گی‌های گفتار و سخن را دانسته و پس از آن بیاموزید که خصوصیت یک سخنرانی اثربخش کدام است.

## ویژه‌گی‌های گفتار و سخن

- یک سخنران خوب، وقتی موفق است که سخنانش از ویژه‌گی‌های زیر برخوردار باشد:
۱. تکیه بر منطق و پایه‌های علمی داشته باشد.
  ۲. از روی احساسات و بعض نباشد.
  ۳. منفعانه و یا از روی عصبانیت و تعجیل نباشد.
  ۴. منقطع، بربرد و نامفهوم نباشد.
  ۵. به خاطر خوشی این و آن و یا به خاطر دشمنی با کسی به زبان نیاید.
  ۶. بیهوده، پراگنده و بیپروا و بیادبانه نباشد.
  ۷. شفاف، صریح، ساده و بیپیرایه و در عین حال مستحکم، ماندگار و جامع و مانع باشد.
  ۸. بیروح و گنگ نباشد.

## ویژه‌گی‌های سخنرانی اثربخش

- برای این که شما سخنران خوبی باشید و سخنرانی تان از اثربخشی خاصی برخوردار باشد، رعایت نکات زیر را فراموش نکنید:
۱. قبل از همه، برای سخنرانشدن جرأت و اعتماد به نفس را درخویش بپرورانید و ترس، تردد و دودلی را از خود دور سازید.
  ۲. پیش از شروع سخنرانی، ذهن تان را آماده موفقیت کنید و پیذیرید که موفق می‌شوید.
  ۳. باید دقیق بدانید که در اطراف چه موضوعی می‌خواهید صحبت کنید. پس از تعیین موضوع، برمعلومات خویش در مورد آن موضوع بیفزایید.
  ۴. موضوعاتی را که می‌خواهید در سخنرانی به دیگران بگویید، پیش از پیش منظم و مرتب کنید.
  ۵. از چند تن همصنفان، دوستان و یا اعضای خانواده تان بخواهید که به عنوان شتونده در مقابل شما نشسته و به سخنرانی شما گوش دهند. هر موقعی که فرصت دست داد این، کار را تمرین کنید.
  ۶. هیچ وقت متن سخنرانی تان را کلمه به کلمه و خط به خط حفظ نکنید؛ بلکه معانی کلی و اساسی آن را به خاطر بسپارید.
  ۷. موضوع صحبت خود را با آنچه که شوننده‌گان در زنده‌گی با آن روبرو استند، ارتباط دهید.
  ۸. از به کار بردن واژه‌های ثقيل و نامأتوس، جمله‌های مود روز و اصطلاحات فنی و تخصصی خودداری کنید.

۹. در هنگام سخنرانی، حواس خود را از محركات منفي که شما را آشفته می‌سازد، دور نگه‌دارید.
۱۰. درباره چizi حرف بزنید که از طریق تجربه یا مطالعه، حق حرف زدن درباره آن را به دست آورده اید.
۱۱. کوشش کنید در هر هفته یا دو هفته یک بار، موضوعی را انتخاب کرده کتاب‌های مربوط به آن موضوع را مطالعه کنید.
۱۲. در ابتدای سخنرانی یک زنده گینامه مختصر و مفید از خود برای حاضران ارائه دهید. این کار باعث می‌شود که مخاطبان شما را بیشتر باور کنند.
۱۳. سخنرانی برای یک جمع کوچک و کم تعداد به مراتب بدون دردرس از یک سخنرانی با تعداد زیادی از مخاطبان است. در این گونه موارد بایستی با استفاده از حرکات دست، ایما و اشاره و اداره مناسب زمان، کارسخنرانی را به پیش برد.
۱۴. ممکن است در بخش پرسش و پاسخ و یا در خلال سخنرانی عده‌یی پرسش‌های غیرمعمول داشته باشند. باید مراقب باشید که در دام آن‌ها گرفتار نشوید، چون در آن صورت، مجلس از دست شما خارج خواهد شد. در این گونه موارد بهتر است اول تکلیف را روشن و بیان کنید که به پرسش‌های خارج از موضوع و یا در لابه‌لای برنامه سخنرانی پاسخ نخواهید داد.
۱۵. با آوردن مثال‌های ملموس، کاربردی و روزمره، جملات، اشعار، ضرب المثل‌های معروف، خاطرات جذاب، تجارب گذشته، یافته‌های علمی و... گه‌گاه فضای سخنرانی را تلطیف کنید، تا سخنرانی تان کسالت‌آور و خسته کننده نباشد. برای این که قدرت و توانایی این کار در وجود شما تقویت یابد، مطالعه همیشه گی کتاب‌های مختلف را از یاد نبرید.
۱۶. مطالب خود را در حد امکان خلاصه و کوتاه بگویید و برای این کار یادداشت‌های کوچکی حاوی سرفصل و کلمات کلیدی سخنرانی تهیه و آماده کنید، تاروند سخنرانی و ارائه مطالب روای معقول و خوشایندی داشته باشد.
۱۷. هر گونه حرکات حاضران را زیرنظر داشته باشید. ممکن است هر حرکت آنان پیامی به دنبال داشته باشد؛ مثلاً: اگر آن‌ها زیاد به ساعت خود می‌بینند، یا بر روی چوکی به طور متداوم جایه‌جا می‌شوند و یا کارهایی مشابه انجام می‌دهند، به طور احتمالی بدین معنا است که: الف) خسته شده اند؛ ب) وضعیت تنفس و هوای مکان برگزاری مناسب نیست؛ ج) شما بیش از وقت تعیین شده، صحبت کرده اید؛ د) مطالب سخنرانی دیگر جاذبه و پذیرش لازم را ندارند.
۱۸. در بین سخنرانی پرانژری و پویا باشید. درحقیقت روح شادابی و نشاط را به

حاضران انتقال بدھید و آن‌ها را متمایل کنید تا پایان همراه شما باشند.  
۱۹. میکروفون همانقدر که می‌تواند در کیفیت کار شما اثرخوب داشته باشد،  
همان‌قدرهم می‌تواند آزاردهنده و اذیت‌کننده باشد؛ پس باید مراقب میکروفون  
باشید.

۲۰. نوع به کارگیری و هنر استفاده از دست‌ها و قدرت آن‌ها در فهم و انتقال مطالب  
خیلی مهم است.

۲۱. نوع پوشش و لباس هم بی‌تأثیر در ارائه سخنرانی نیست. لباس‌های رنگ و رو  
رفته، پرچین و چروک و ناصاف، آرایش موی و روی و... هر کدام عواملی اند که  
می‌توانند کار شما را تحت الشاعع قرار دهند.

۲۲. گاهی می‌توان از نمایش سلايد و برنامه‌های کمپیوتري؛ مانند: پاورپایнт شعر،  
داستان‌های کوتاه و وسائل سمعي و بصرى برای انتقال بهتر مطالب استفاده کرد. بر علاوه  
جدول‌های اعداد و ارقام و تخته سیاه و سفید هم به شما کمک می‌کند.

۲۳. فضا و شرایط حاکم بر جلسه سخنرانی را به خوبی ارزیابی کنید. اگر احساس  
کردید که شنونده‌گان ظرفیت حرف‌های شوخی و مزاح را ندارند، از شوخی با آنان  
پرهیز کنید. همیشه ممکن است عده‌یی ماجراجو در مجلس سخنرانی وجود داشته  
باشند. باید بتوانید آن‌ها را اداره کنید تا اوضاع را برابر هم نزنند.

۲۴. در پایان سخنرانی، یک چکیده در چند خط از موضوع و محتواي سخنرانی ارائه  
دهید. سعی کنید از علم روانشناسی، جامعه‌شناسی و مردم شناسی برای ارائه سخنرانی  
بهتر بهره بگیرید. کوشش کنید که صحبت خود را با شوخی پایان دهید.

۲۵. بزرگ کردن خود را در کوچک پنداشتن و تحفیر دیگران نبینید. افکار عمومي  
قاضي و داور خوبی در مورد سخنان و اهداف شما استند.

۲۶. هرقدر شتاب و تعجیل در بیان کلمات و جملات بیشتر باشد، امکان استباھ هم  
بیشتر می‌شود؛ پس شمرده و با اعتماد به نفس صحبت کنید.

برای این که سخنرانی اثر بیشتری در شنونده‌گان داشته باشد، نه تنها موارد  
ذکر شده بالا دارای اهمیت اند، بلکه وقت برگزاری سخنرانی، مکان  
برگزاری سخنرانی، تنظیم وسائل، موقعیت برگزارکننده‌گان و شرکت  
کننده‌گان(مخاطبان) را نیز نمی‌توان از یاد برد.

## بخوانیم و بدانیم



۱. یک سخنران خوب وقتی در کار خود موفق است که ویژه‌گی‌های سخن گفتن را مدنظر داشته باشد.
  ۲. برای سخنران شدن جرأت و اعتماد به نفس را در خویش بپرورانید و ترس، تردد و دودلی را از خود دور سازید.
  ۳. هیچ وقت متن سخنرانی تان را کلمه به کلمه و خط به خط حفظ نکنید؛ بلکه مفاهیم کلی و اساسی آن را به خاطر بسپارید.
  ۴. کوشش کنید در هر هفته یا دوهفته یک بار، موضوعی را انتخاب کرده کتاب‌های مربوط به آن موضوع را مطالعه کنید و از دوستان و آشنایان تان بخواهید که به سخنرانی شما گوش فرا دهند.
- مطالب خود را تا حد ممکن خلاصه و کوتاه بگویید و برای این کار یادداشت‌های کوچکی حاوی سرفصل و کلمات کلیدی سخنرانی تهیه و آماده کنید.
۵. چهره بشاش، احترام و رعایت ادب و کرامت انسانی، استفاده از ضرب المثل‌های دلنشیں و در ک روایات، عواطف و تمایلات شنونده‌گان، نکات با اهمیتی استند که نباید از آن‌ها غفلت کرد.



### درست بنویسیم

- هرگاه حرف اخیر واژه، «واو» باشد؛ هنگام پیوستن با ضمایر مشترک (خود، خویش، خویشتن) و ضمایر اضافی (تان، شان، مان)، باز هم در میان واژه و پسوند یک «ی» علاوه می‌شود؛ اما این «ی» نیز به صورت مستقل نوشته شده، با ضمایر پسین خویش نمی‌پیوندد؛ مانند:
- خود: سوی خود، جادوی خود، نیکوی خود.
- خویش: آبروی خویش، گلوی خویش، بوی خویش.
- خویشتن: آرزوی خویشتن، آبروی خویشتن، تکاپوی خویشتن.
- تان: شفتالوی تان، کدوی تان، بازوی تان.
- شان: ترازوی شان، چاقوی شان، ناجوی شان.
- مان: هیاهوی مان، بازوی مان، گلوی مان.
- هرگاه حرف پایانی واژه «واو» باشد و هنگام پیوستن با ضمایر اضافی «ت»، «م» و «ش» قرار گیرد، باز هم همان «ی» در میان واژه و ضمیر علاوه می‌شود؛ اما «ی» باید با ضمیر به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند:

- ت: گیسویت، ابرویت، آهويت.
- ش: آرزویش، سویش، بازویش.
- م: آرزویم، آبرویم، ماھرویم.

## کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده باهم گفتگو کنند؛ سپس از هر گروه یک نفر در برابر صنف حاضر شده، نماینده گروه اول درباره «ویژه گی های سخن و کلام» و نماینده گروه دوم در مورد «ویژه گی های سخنران خوب؛ سخنرانی کنند.
۲. چند تن از شاگردان، در مورد تصویر زیر در برابر صنف سخنرانی نمایند.



## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه های تاب بنویسید.
۲. در مورد «ضرورت سخنرانی» یک متن هفت سطري بنویسید.

## خود آزمایی

۱. ویژه گی های سخن و کلام را بیان کنید.
۲. اگر حرف آخری واژه، «واو» باشد، هنگام پیوستن با ضمایر اضافی «ت»، «م» و «ش» چگونه نوشته می شود؟ با مثال هایی خارج از کتاب درسی واضح سازید.
۳. پنج مشخصه از ویژه گی های سخنرانی مؤثر را بیان کنید.
۴. برای این که سخنران خوبی شویم، چه کارهایی را باید انجام دهیم؟

## کارخانه گی

۱. در مورد «آداب سخنرانی» مقاله بی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:

جوهر این تیغ جز پیچ و خم اندیشه نیست	دستگاه معنی ناز ک، سخن رازیور است
--------------------------------------	-----------------------------------

بیدل

۳. متن کامل درس نهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد:

- ۱- علم معانی را تعریف کنید.
- ۲- فرق میان وصل و فعل چیست؟ بیان دارید.
- ۳- در باره ایجاز و اطناب چه می‌دانید؟
- ۴- فرق میان خبر و انشاء را واضح سازید.
- ۵- چه چیزی پس از مطابقت کلام با مقتضای حالت بحث می‌کند؟

## علم معانی

«معانی» جمع معنی است و منظور از «معنی» در این علم، «مقصود» و «غرض» است و به گفته علمای علم بлагعت، علم معانی علمی است که در آن از مطابقت کلام با مقتضای حال بحث می‌شود. کلام معمولاً دو معنی دارد، یکی معنای عرفی که کلام برای آن وضع شده و معنای اصلی و اولی آن است، و دیگر معنایی است که گوینده بلیغ در نظر می‌گیرد تا به گونه لطیف سخن را متناسب با حال و مقام و شأن مخاطب بیان کند.

در علم معانی بیشتر به معانی ثانوی توجه صورت می‌گیرد که سبب سازگاری کلام با مقتضای حال و تأثیر و رسوخ آن در نفس شنونده می‌شود؛ مثلاً اقتضای امر ایجاز است و اقتضای مدح اطناب، یا برای شنونده عارف اشاره بی کافی است و برای عامی و ناآشنا سخن مشروح و مفصل مناسب است. اگر ذهن شنونده خالی است و احساس مثبت یا منفی خاصی نسبت به معنای موردنظر ندارد، سخن باید بی تأکید، ادا شود؛ اما اگر شنونده تردیدی نسبت به موضوع دارد یا منکر آن است، تأکید، مناسب و ضروری است.

علم معانی را به صورت‌های گوناگونی تعریف کرده‌اند. سکاکی آن را چنین تعریف می‌کند: ((قواعدی است که به واسطه آن، احوال لفظ شناخته می‌شود؛ احوالی که به سبب آن‌ها، لفظ با مقتضای حال برابری کند.))

همین تعریف به صورت‌های گوناگون؛ اما با یک مفهوم در مآخذ دیگر آمده است که ماحصل آن، این است:

((علم معانی، علم به اصول و قواعدی است که به یاری آن کیفیت مطابقه کلام با مقتضای حال و مقام شناخته می‌شود. موضوع آن الفاظی است که رساننده مقصود متکلم باشد، و فایده آن آگهی بر اسرار بлагعت در نظم و نثر.)) در این علم در حقیقت، یک طرف قضیه گوینده است و طرف دیگر مخاطب یا شنونده، و قسمت مهم علم

معانی مربوط است به احوال شنونده یا مخاطب، همچون آگاهی یا عدم آگاهی مخاطب، حال و حوصله او، پذیرش یا انکار یا عناد او... این فن را به چند مبحث تقسیم کرده اند:

- ۱- اسناد خبری
- ۲- احوال مستدالیه
- ۳- احوال مستند
- ۴- انشا
- ۵- قصر و حصر
- ۶- فصل و وصل
- ۷- ایجاز، اطناب، مساوات

گاه در سخن جمله‌هایی می‌بینیم که در معنای حقیقی خود به کار نرفته اند؛ مثلاً به پسری که تلویزیون را دست کاری می‌کند می‌گویید: «آفرین! خراش کن!» این جمله از لحاظ دستوری مفهوم امری دارد؛ اما مقصود شما امر نیست؛ بلکه نهی است؛ یعنی «دست من! خراب می‌شود».

در اینجا جمله را در معنای نهی به کار برده اید، و یا به دوستی که عازم سفر است، و چیزی به حرکت قطار نمانده است، می‌گویند: «قطار رفت» و مراد شما این است که «عجله کن قطار ممکن است برود» می‌بینید که چنین جملاتی در این «موقعیت»‌ها در معنای واقعی خود به کار نمی‌روند؛ بلکه معنای ثانویه آن‌ها مورد نظر است. جایه‌جایی و یا حذف اجزای جمله نیز در معنای جمله‌ها تغییراتی ایجاد می‌کند، به این سه جمله دقت کنید:

- ۱- نجیب دیوان بیدل را از کتابخانه امانت گرفت.
- ۲- دیوان بیدل را نجیب از کتابخانه امانت گرفت.
- ۳- از کتابخانه، نجیب دیوان بیدل را امانت گرفت.

این سه جمله اگر چه از عناصر و احادی تشکیل شده اند؛ اما معنای آن‌ها با هم تفاوت دارد. و در هر جمله تکیه گوینده بربخشی از سخن است. تفاوت‌های معنایی که در اثر جایه‌جایی عناصر جمله و حذف و قصر آن‌ها ایجاد می‌شود؛ هم چنین معنای ثانوی جملات موضوع علم معانی است. علم معانی(معنی‌شناسی) دانشی است که به بررسی معنای ثانوی جملات و تغییرات معنایی کلام می‌پردازد. از موضوعات دیگر این علم بررسی تعقید (گره خورده‌گی و پیچیده‌گی) سخن، ایجاز و اطناب (کوتاهی و درازی) حذف و قصر و شرایط آن‌هاست. فایده علم معانی در این است که ما را با امکانات پنهان و فراوان زبان آشنا می‌سازد.

## اسناد خبری

کلامی است که احتمال درستی و نادرستی و یا به تعبیر دیگر احتمال صدق و کذب در آن می‌رود.

### مسند‌الیه

مسند‌الیه کلمه یا بخشی از جمله است که فعل، صفت یا حالتی را به آن نسبت می‌دهند؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود: «نجیب آمد»، «نجیب» مسند‌الیه است، چون فعل آمدن به او استناد داده شده است. یا وقتی می‌گوییم: خدا بزرگ است. در اینجا «خدا» مسند‌الیه، «بزرگ» مسند، و است فعل ربطی است که مسند‌الیه و مسند را با هم ارتباط می‌دهد.

**اسناد:** پیوندی است که بین مسند‌الیه و مسند وجود دارد؛ مثال:

خدا کشتی آن‌جا که خواهد برد      و گر ناخدا جامه بر تن درد

انشا: انشا در لغت به معنای ایجاد کردن و در اصطلاح، آوردن جملات است به گونه‌یی که در آن احتمال صدق یا کذب نرود.

الهی سینه‌یی ده آتش افروز      در آن سینه دلی، وان دل همه سور

**قصر یا حصر:** قصر و حصر هر دو به معنای ویژه کردن و حبس و منحصر کردن است و در اصطلاح علم معانی، آن است که حکم یا صفتی را به کسی یا چیزی منحصر کنیم؛ مثلاً: «جوانمردی جز محمد ﷺ نیست» صفت «جوانمرد بودن» را منحصر به محمد ﷺ کرده ایم.

**فصل و وصل:** فصل در لغت به معنای گسته‌گی است و وصل به معنای پیوسته‌گی؛ اما در اصطلاح علمای بلاغت، فصل آن است که دو جمله را از یکدیگر جدا کنند و میانه آن‌ها حرف پیوندی نباشد، و وصل آن است که جمله‌یی را به جمله دیگر یا کلمه‌یی را به کلمه‌ی دیگر به وسیله حرف پیوند، بزنند.

مهمترین و با ارزش‌ترین حرف پیوند در بلاغت، حرف «و» است و البته ارزش بلاغی فصل و وصل در این است که علت آن را بدانیم و نازک کاری‌های آن را دریابیم مثلاً:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند      تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری  
سعده

تن گور توست، خشم مگیر از حدیث من      زنهر که خشمگیر نباشد سخن پذیر  
ناصر خسرو

**مساوات:** اصل در سخن بر مساوات و برابری نهاده شده است و مساوات هنگامی است که لفظ و معنی برابر باشند. دقت در برابر لفظ و معنی و پرهیز از آوردن الفاظ حشو و زاید سبب روشنی، رسایی و اثربخشی بیشتر معنی می‌شود و گاه سخن را

تاجد سهل ممتنع بالا می‌برد و در این صورت است که مساوات، جنبه هنری، بلاغی و زیباشتاختی به خود می‌گیرد، برای مثال:

دل من همی داد گویی گواهی  
جدا ای گمان برد بودم و لیکن  
به جرم چه راندی مرا از درخود؟  
که باشد مرا از تو روزی جدا شد

**ایجاز:** بیان معنی است در کوتاه‌ترین لفظ، و به عبارت دیگر آوردن لفظ اندک است

برای معنای بسیار که البته باید به رسایی سخن کمک کند.

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

در مصراع اول این بیت، بی‌آنکه معنی و مفهوم آسیب بینند، برخی از واژه‌ها حذف

شده است؛ مثلاً می‌توان این مصراع را این گونه تعبیر و تفسیر کرد: کلام

خود را ((به نام خداوند جان و خرد)) آغاز می‌کنم.

**اطناب:** در لغت به معنای دراز ساختن و طولانی کردن است، و در اصطلاح، آوردن

الفاظ بسیار برای بیان معنای اندک، بنابر مقتضای حال مخاطب و مقام و موضوع کلام.

آسایش دوگیتی تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت با دشمنان مدارا

**توضیحات** سکاکی: سراج الدین ابو یعقوب یوسف خوارزمی، از ادبای معروف عربی زبان قرن ششم و هفتم (۵۵۵-۶۲۶ هـ) ق. مؤلف کتاب «مفتاح العلوم» بود، وی در انواع علوم ادبی و به ویژه علوم بلاغی متبحر بود.



### بخوانیم و بدانیم

- ۱- علم معانی علمی است که در آن از مطابقت کلام با مقتضای حال بحث می‌شود.
- ۲- در علم معانی بیشتر به معانی ثانوی توجه می‌شود؛ مثلاً اقتضای امر ایجاز است و اقتضای مدح اطناب.
- ۳- علم معانی را به چند مبحث تقسیم کرده اند: اسناد خبری، احوال مستندالیه، احوال

- مسند، انشا، قصر و حصر، فصل و وصل، مساوات، ایجاز و اطناب.
- ۴- به عبارت دیگر علم معانی، علم معنی‌شناسی را گویند که به بررسی معانی ثانوی جملات و تغییرات معنایی کلام می‌پردازد.
- ۵- خبر: کلامی است که احتمال صدق و کذب در آن می‌رود.
- ۶- انشا: انشا در لغت به معنای ایجاد کردن است و در اصطلاح، آوردن جمله به گونه‌یی که در آن احتمال صدق یا کذب نرود.
- الهی سینه‌یی ده آتش افروز      در آن سینه دلی، وان دل همه سوز

### درست بنویسیم

هرگاه حرف اخیر واژه، ((ی)) باشد و در جمله به حیث موصوف، مضاف یا منسوب قرار گیرد، در میان این گونه واژه‌ها و واژه‌های بعدی شان، مانند صامت‌ها، چیزی علاوه نشده و تغییر و تبدیلی در حروف شان رونما نمی‌گردد؛ اما باید از واژه‌های بعدی شان جدا نوشته شوند؛ مانند:

- زنده‌گی آرام، صراحی زیبا، روی سرخ(موسوف)
- مثنوی مولوی، کافی لالا، گادی پهلوان(منسوب)
- قاضی وجودان، مستی چشمان، تلافی گناه(مضاف)

### کار گروهی و سخنرانی

- ۱- در این قسمت شاگردان با هم گفتگو کنند و نتیجه را یک نفر شان به دیگران انتقال دهد.
- ۲- شاگردان، درس را از نظر محتوا مورد بررسی قرار دهند.

## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- درباره مفهوم بیت در کتابچه‌های تان یک متن بنویسید.



## خودآزمایی

- ۱- علم معانی را از نظر لغت و اصطلاح بیان دارید.
- ۲- فرق املا و انشا را توضیح دهید.
- ۳- علم معانی چه موضوعاتی را مورد بحث قرار می‌دهد؟ واضح سازید.
- ۴- آیا ایجاز و اطناب تنها به معنای کوتاه سخنی و دراز سخنی است؟ یا این که به مقتضای حال می‌توانند بر عکس نیز باشند؟ توضیح دهید.
- ۵- شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند و پیرامون قصر یا حصار و یا فصل و وصل گفتگو نمایند و از هر گروه یک شاگرد به نماینده‌گی دیگران خلاصه گفتگوهای شان را بیان دارند.

## کار خانه‌گی

- ۱- درس درست بنویسیم را اساس قرار داده چند واژه مختوم با (ی) را که در جمله به حیث موصوف، مضاف یا منسوب قرار گیرد جدا از مثال‌های کتاب بنویسید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:  
آسایش دوگیتی تفسیر این دو حرف است      با دوستان مروت با دشمنان مدارا حافظ
- ۳- متن کامل درس بعدی را بخوانید و برای درس جدید آماده شوید.

## درس دهم

درس امروز توسطیک تن از شاگردان طوری معرفی شود که جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در آخر سوالات‌های آتی از چند شاگرد پرسیده شود.

۱- امیر علی شیر نوایی که بود؟

۲- او را چرا ذواللسانین می‌گویند؟

۳- مجموع آثار او را فام بسیرید.

۴- خمسه نوایی شامل کدام کتابهاست و به پیروی کدام شاعر معروف

سروده شده است؟

۵- محکمه اللقین پیرامون چه موضوعی بحث می‌کند؟ توضیح دهید.

۶- پیرامون کارنامه‌های فرهنگی و اجتماعی امیر علی شیر نوایی چه می‌دانید؟ توضیح دهید.

### امیر علی شیر نوایی



امیر علی شیر نوایی در سال ۸۴۴ هـ. ق. در هرات متولد شد. او در چهار ساله گی تعلیمات ابتدایی خود را آغاز و در ده ساله گی به شعرسرایی پرداخت و به دو زبان ترکی و دری شعر می‌سرود و بدین مناسبت به شاعر ذواللسانین معروف است. خود او در باب اشعار ترکی و دری خویش قطعه‌یی دارد که شایسته ذکر است:

فارسی هم لعل و دُرهای ثمین گرنگری  
زانکه باشد اغنية این نقدها را مشتری  
زین دکان‌ها هر گدا کالا کجا خواهد خرد  
یک طرف دکان قنادی و یک سو زرگری  
علی شیر نوایی شاعر، ادیب، مؤرخ، موسیقی‌دان، وزیر دانشمند، کارдан و از جمله اعیان دوره تیموریان هرات بود. وی از ترکان چغتایی بود و نیاکانش در دستگاه تیموریان هرات حرمت و حشمت فراوان کسب کرده بودند. نوایی در مشهد، توس هرات و ماوراء النهر به خواندن علوم متداول عصر خود از جمله عروض، قرائت، فقه و نحو پرداخت. در آغاز حکمرانی سلطان حسین بایقرابه منصب امارت دیوان اعلی یا مُهرداری حضور؛ سپس به وزارت رسید. سلطان در همه امور با وی مشورت می‌کرد و بدون نظر او به هیچ کاری نمی‌پرداخت و امیر علی شیر نوایی به لقب (افتخاری)

معنی شیرین و رنگینم به ترکی بی‌حد است  
گوییا در راست بازار سخن بگشوده ام  
زین دکان‌ها هر گدا کالا کجا خواهد خرد  
علی شیر نوایی شاعر، ادیب، مؤرخ، موسیقی‌دان، وزیر دانشمند، کاردان و از جمله اعیان دوره تیموریان هرات بود. وی از ترکان چغتایی بود و نیاکانش در دستگاه تیموریان هرات حرمت و حشمت فراوان کسب کرده بودند. نوایی در مشهد، توس هرات و ماوراء النهر به خواندن علوم متداول عصر خود از جمله عروض، قرائت، فقه و نحو پرداخت. در آغاز حکمرانی سلطان حسین بایقرابه منصب امارت دیوان اعلی یا مُهرداری حضور؛ سپس به وزارت رسید. سلطان در همه امور با وی مشورت می‌کرد و بدون نظر او به هیچ کاری نمی‌پرداخت و امیر علی شیر نوایی به لقب (افتخاری)

مقرب حضرت سلطان نایل گردیده و جاه و عزت فراوان یافته بود. نوایی پس از استغفا از مشاغل درباری و وزارت به کسب دانش و مطالعات ادبی و تألیف کتب و نظم اشعار و تربیت ارباب فضل و کمال پرداخت. با این همه تا پایان عمر بر سلطان حسین بایقرا نفوذ فراوان داشت؛ چنان که بایقرا بر اثر رای و تدبیر او توانست بر تمامی نقاط خراسان، ماوراءالنهر و فارس سلط طیابد. علی شیر هم چنان در کمال عزت و احترام در دربار سلطان حسین می‌زیست. تشویق و ترغیب علی شیر نوایی در پیشرفت و کمال نقاشی و خطاطی، هنر موسیقی، نویسنده‌گی و شاعری، تدھیب کاری و ریاضیات و حرفه‌های زرگری، سفالی، خیاطی و جز آن‌ها در دوره تیموریان هرات تأثیر فراوان داشته و نوایی در برابر حوادث روزگار پناهگاه خوبی برای هنرمندان بود. اغلب شاعران و نویسنده‌گان روزگارش به مدح او پرداخته و آثار شان را برای او پیشکش کرده‌اند.

همچنان نوایی ۳۷۰ بنای خیریه از جمله مدرسه، کتابخانه، پل، خانقاہ، مسجد، بنای مقابر و مزارات، شفاخانه، کاروانسرا، گرمابه و یک نهر بزرگ به طول هفتاد کیلومتر از توس تا مشهد اعمار کرده است. از آبادانی‌های مشهورش می‌توان از نهر اخلاصیه واقع انجیل، خانقاہ اخلاصیه، شفائیه که در آن طب و حکمت می‌آموختند، نظامیه هرات، مسجد جامع امیر علی شیر، دارالحفظ و ترمیم مسجد چهارسوق هرات و بازسازی مسجد جامع هرات نام برد.

امیر علی شیر نوایی در سال ۹۰۶ هـ. ق. در شهر هرات وفات یافت. دولتشاه سمرقندی، همام الدین خواندمیر و سام میرزاد و نویسنده‌گان معاصر و هم‌عصر امیر، در مورد او نوشته‌اند و در حبیب‌السیر، روضة الصفا، بهارستان جامی و مقدمه سنگلاخ و دیگر آثار آن دوره آمده است. امیر علی شیر مردی بوده است وارسته، بلند همت، بذله گو، علم دوست، عاشق و دلباخته دانش و هنر.

بیشتر اوقاتش را به مطالعه و تحقیق و تألیف و تصنیف و یا مجالست و مباحثه با دانشمندان، عرف و شعراء مصروف می‌داشته و حتی شب‌ها در کنار بالینش تا صبح شمع می‌سوخته و دوات و قلم و کاغذ حاضر داشته تا اگر بیدار شود و معنی و مطلبی به خاطرش برسد، یاد داشت کند.

به گفته صاحب قاموس الاعلام، کتابخانه‌بی‌نظیری در هرات فراهم آورده بوده که در آن به روی عموم دانشجویان و پژوهنده‌گان دانش گشوده بوده است و یکی از کسانی که از آن کتابخانه بهره وافر برده خواندمیر مؤرخ شهیر می‌باشد.

نوایی به علم و ادب، کتاب و هر علاقه داشته و ثروت بی‌کرانش را در راه تهیه

کتاب و تأليف آثار تازه و يا اumar مدارس و مساجد و گردشگاه‌های عمومی مصرف می‌کرده است.

پیوسته عده کثیری از خطاطان، خوش نویسان، مصوران و صحافان نامدار در کتابخانه امیر علی شیر نوایی مشغول نسخه برداری از کتب نایاب بوده اند و گروهی از دانشمندان و نویسنده‌گان نیز با مساعدت مالی و معنوی امیر به تأليف و تصنيف آثار تازه اشتغال داشته اند.

امیر علی شیر نوایی پس از فراغت از تحصیل با گذشت اندک زمانی در سن ۳۵ ساله‌گی از سمرقند به هرات رفته (۸۷۶ هـ ق). و مدت سی سال تا (۹۰۶) هـ ق. در دستگاه سلطان حسین بايقرابه شغل دیوانی اشتغال داشته، و در طی اين سی سال توفيق یافته است بيش از شصت هزار بيت شعر بسراید و بيش از سی جلد آثار منثور و منظوم تأليف و تصنيف کند.

امیر علی شیر به زبان مادری خود ترکی چفتایی علاقه وافر داشته و با اطلاعات نسبتاً وسیع و عمیق در زبان و ادبیات دری، می‌کوشید که زبان مادری خود ترکی چفتایی را نیز رشد و وسعت بخشد به همین منظور به تأليف و تصنيف آثار متعدد و برجسته دست یازید و در کار خود توفيق یافت. آثار دری امیر علی شیر محدود است و دیوان غزلیات و یک قصیده و تعدادی نامه دری از امیر به جا مانده است. او در آثار فارسی - دری اش تخلص «فانی» را برگزیده است.

امیر علی شیر نوایی(فانی) از ترکان دری زبان است. نیاکانش همه از بزرگ مردان چفتایی بوده اند و خود او گذشته از این که به شعر دری عشق می‌وزرید، به زبان و ادبیات دری عاشقانه و صادقانه خدمت می‌کرد.

### آثار امیر علی شیر نوایی

الف: خمسه ۱- حیرت الایرار ۲- فرهاد و شیرین ۳- لیلی و مجنون ۴- سد سکندری ۵- سبعة سياره

ب) دیوان‌ها ۶- غرایب الصغر ۷- نوادر الشباب ۸- بدايع الوسط ۹- فوائد الكبر  
ج) آثار دیگر ۱۰- تذكرة مجالس النفایس ۱۱- سراج المسلمين ۱۲- اربعین منظوم  
۱۳- نظم الجواهر ۱۴- محبوب القلوب ۱۵- تاریخ ملوک عجم ۱۶- نسائم المحبه  
۱۷- تاریخ انبیا ۱۸- رساله عروضیه ۱۹- خمسة المتحرّرين ۲۰- محاكمة اللّغتين  
۲۱- منشأة تركی ۲۲- قصة شیخ صنعن ۲۳- مفردات در فن معما ۲۴- مناجات نامه  
۲۵- میزان الاوزان ۲۶- مثنوی لسان الطیر ترجمة منطق الطیر شیخ عطار ۲۷- حالات

پهلوان محمد ابوسعید ۲۸- حالات سید حسن اردشیر ۲۹- ترجمه نفحات الانس ۳۰-  
ترجمه نشرالثالثی ۳۱- بداعی اللげ.

دلها از آن نشاط ز گل بیشتر شگفت  
مانند غنچه‌یی که به وقت سحر شگفت  
گویا که غنچه‌هاش زخون جگر شگفت  
چون ابر اشک ریخت گل تازه بر شگفت  
خاصه که از شگوفه چمن سربه سر شگفت  
همچون گلی که از شجر بی شمر شگفت

نمونه کلام امیر علی شیر نوایی  
آمد بهار دلکش و گل‌های تر شگفت  
دل از صباحت رخ خوبت گشاده شد  
می‌آید از گل چمن عشق بوی خون  
گر خنده زد ز گریه چشم عجب مدان  
ساقی بهار شد، قدح ریزلب به لب  
زان نخل ناز خنده به عشق و وصل نی

فانی عجب مدان اگر آن گل شگفته است  
از اشک ابر سان تو نشگفت اگر شگفت

ذوالسانین: امیر علی شیر نوایی به دو زبان ترکی و دری شعر می‌سرود،  
**تو ضدیها** بنابر آن به شاعر ذوالسانین ملقب گردید.

تذكرة الشعرا: این کتاب شرح حال قریب ۱۰۵ تن از شعرا دری زبان را در بر دارد. دولتشاه بن علاء الدوّله سمرقندی از امیر زاده گان و رجال و اعیان و پدرش از ندمای شاهرخ و خود در هرات از مقربان ابوالغازی سلطان حسین و امیر علی شیر نوایی و معاصر مولانا جامی بوده است و اسم و مدح و فضایل هر سه تن را در او اخر این کتاب آورده و این تذکره را به نام علی شیر کرده؛ زیرا تأليف آن به تشویق و پشتیبانی این وزیر دانشمند بوده است.

حبيب السير: حبيب السير تاریخ عمومی معروفی است که غیاث الدین بن همام الدین خواند میر تأليف کرده که وقایع را از ابتدای تاریخ بشر تا (۹۳۰) هـ. ق. آورده، که در سه جلد می‌باشد و به مناسب احتوای تفصیل اوایل کار و شرح سلطنت شاه اسماعیل که مؤلف معاصر او بوده است دارای اهمیت است.

بهارستان: بهارستان اثری است که جامی آن را برای پسرش یوسف ضیاء الدین تأليف کرده است و به سبک گلستان مرکب از حکایات لطیف و نکات ظریف است و اشعار ملیح نیز دارد و ذکر شماره‌یی از شعرا و فضلا در آن آمده است.



۱- امیر علیشیر نوایی به تاریخ هفدهم رمضان المبارک سال ۸۴۴ ه. ق. در هرات تولد شد.

۲- نوایی بیش از ۳۰ کتاب را به زبان‌های ترکی و دری به رشتہ تحریر درآورد.

۳- نوایی در راه تهیه کتاب، تألیف و تصنیف، اعمار مساجد و مدارس، شفاخانه‌ها، حفر چاه‌ها، اعمار پل‌ها، باغ‌ها و گردشگاه‌های عمومی توجه جدی مبذول داشته است.



### درست بنویسیم

• هرگاه حرف آخری واژه‌ی «ی» باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین باز هم در میان واژه و پسوند یک «ی» علاوه می‌شود، که این «ی» همیشه با پسوند بعدی باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند:

- پسوند تنکیر «ی» صوفی + ی+ی = صوفیی، کابلیی، شادیی.

- پسوند صفت نسبتی «ی» دایکندي + ی+ی = دایکنديی، دوشیی.

• هرگاه حرف پایانی واژه «ی» باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین حرف دیگری در میان آن‌ها علاوه نمی‌شود؛ اما همیشه با این پسوند‌ها به صورت پیوسته نوشته می‌شود؛ مانند:

- پسوند جمع «ان»: مفتی + ان = مفتیان، گردیزیان، منطقیان

- پسوند جمع «ها»: کشتی + ها = کشتی‌ها، بلندی‌ها، سادگی‌ها

- پسوند اسم معنا «ی» صوفی + ی = صوفی، حاجی

• هرگاه حرف آخری واژه «ی» باشد، در پیوند با پسوند تصغیر «ک» میان واژه و پسوند یک «گ» علاوه می‌شود، که همیشه با نشانه تصغیر باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ اما با اصل واژه نمی‌پیوندد؛ مانند: گادی گک، گدی گک، خانه گک.

## کار گروهی و سخنرانی



- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت و کارنامه‌های امیر علی شیر نوایی به بحث و گفتگو بپردازنند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهد.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده در باره آثار نوایی به همصنفی‌های خود معلومات دهد.
- ۳- در مورد تصویر مقابله سخنرانی کنید.



مولانا نور الدین عبدالرحمان جامی

## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- با استفاده از پسوند تنکیر (ی) چند واژه خارج از واژه‌های درس «درست بنویسیم» بنویسید.

## خود آزمایی

- ۱- امیر علی شیر در اشعار ترکی و دری خود کدام تخلص‌ها را به کار می‌برد؟
- ۲- پنج اثر عمده نوایی را نام ببرید.
- ۳- نوایی در چند ساله‌گی به تحصیل و در چند ساله‌گی به سروden شعر آغاز کرد؟
- ۴- نوایی در کجا تولد شد: الف: در سمرقند ب: در هرات ج: در دوشنبه د: در کابل جواب درست را حلقه کنید:

## کار خانه‌گی

- ۲- علاوه بر خمسه نوایی دیگر از کدام خمسه‌های شاعران آگاهی دارید، نام ببرید.
- ۳- این بیت را به حافظه بسپارید:

گرتو می خواهی مسلمان زیستن	نیست ممکن جز به قرآن زیستن
اقبال	

- ۴- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گشته باشد.

## یازدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد.

۱. شراب چیست؟

۲. شراب به کدام قسمت‌های بدن انسان ضرردارد؟

۳. معضلات اجتماعی و اقتصادی الکول در چیست؟

### اضرار مشروبات الکولی (شراب)

یکی از گناهان کبیره در شریعت اسلامی، نوشیدن مشروبات الکولی است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه، پلید و از عمل شیطانند؛ پس از آن‌ها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید. همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شمارا از یاد خدا و از نماز باز دارد؛ پس آیا شما دست بر می‌دارید؟ سوره مائده / آیت ۹۰ - ۹۱» با خواندن این آیات متبرکه، سؤال مطرح می‌شود که شراب چیست، بر صحت انسان چه ضرر دارد، ساینس جدید درباره آن چه می‌گوید؟

شراب یکی از زیانبارترین مواد مخدر برای صحت و سلامتی است. نخستین اثر زیان آور الکول متوجه مغز و سیستم اعصاب مرکزی انسان است. نوشیدن نوشابه‌های الکولی در ابتدا موجب نوعی آرامش کاذب و افراطی می‌گردد؛ ولی پس از مدتی اثرات واقعی آن از جمله: ناهماهنگی در حرکات عضلات، اختلال در تصمیم‌گیری، آسیب اعمال حرکی و مهارتی، کندی فعالیت‌های دماغی و فکری، تشدید حالت تهاجمی و پرخاشگری، درهم و برهم حرف زدن، سوزش قلب، پرحرفی، دوتا دیدن اشیا و افراد، ضعف قرنیه و اعصاب چشم به ظهور می‌رسد.

بزرگترین خطر الکول آن است که سیستم اعصاب انسان را به تدریج معتاد می‌سازد؛ زیرا مقداری که در مرحله اول حالت نشئه را به بار می‌آورد، در دفعات دوم و سوم اثر مطلوب نمی‌بخشد و برای به دست آوردن همان حالت اولی، شخص غلط فکر می‌کند

مقدار آن را به دو یا سه چند افزایش می‌دهد که بالاخره اعتیاد به وجود می‌آید.

**تأثیر الكول بر کرویات خون:** خون در بدن انسان دو وظیفه دارد: کرویات سرخ خون آکسیجن را از شش جذب و کاربن‌دای اکساید را دفع می‌کند و کرویات سفید در مقابل باکتریاها و مکروب‌هایی که در جسم داخل می‌شوند، مقاومت می‌نماید. اگر یک قطره خون را در مقداری آب که (۰٪۱) الكول داشته باشد بیندازیم، رنگ سرخ آن به زردی می‌گراید و نشاط و فعالیت قبلی خود را ازدست می‌دهد. معنای این عملیه در جسم انسان زنده این است که الكول خون را از جذب نمودن آکسیجن لازم به وجود باز می‌دارد و اختناق کرویات خون را بار می‌آورد، که نتیجه آن خسته‌گی عضلات و کاهش مقاومت جسم در برابر انواع مکروب‌هاست.

**تأثیر الكول بر قلب و شریان‌ها:** الكول به نسبت (۰٪۱) در خون، سبب می‌شود که نبض انسان در یک دقیقه ده بار بیشتر بپید. با تداوم شراب‌نوشی، شخص معتاد به الكول به تصلب شرایین - خصوصاً شریان تاجی که مغذی قلب است - مبتلا می‌شود و تصلب شریان تاجی، انسان را در معرض سکته قلبی قرار می‌دهد. بدین جهت نخستین نصیحت داکتر برای مریضان مصاب به تصلب شرایین و تکان قلبی، ترک قطعی سگرت و الكول به طور دائم است.

**تأثیر الكول بر جگر:** استعمال الكول سبب پیدایش «پوکی جگر» می‌گردد. این بیماری در اروپا و امریکا انتشار زیاد دارد؛ اما در ممالک اسلامی خیلی کم به نظر رسیده است. هر گاه شراب‌نوشی ادامه یابد، حجرات زنده جگر یکی پس از دیگری حیات خود را از دست می‌دهند و باعث خرابی قسمتی از جگر می‌گردند، که همان قسمت به شکل اسفنجی درآمده و انکشاف آن باعث بروز مرض «پوکی جگر» می‌گردد. این مرض مرگ‌های نا به‌هنگام را به دنبال دارد.

**الکول و نقص ویتامین‌ها:** یکی از عوارض تجزیه الكول در بدن، تخریب ویتامین B<sub>6</sub> است که در نتیجه آن فرد، دچار کم‌خونی، خسته‌گی، تمرکز ضعیف، سستی و بی‌حالی می‌گردد. الكول یک ماده ادرار‌آور است و می‌تواند سبب کم‌آبی سلول‌های بدن شود. با دفع ادرار، همراه با آب، ویتامین‌ها و مواد معدنی از جمله ویتامین‌های B

و C، مگنیزیم، کلسیم و پتاسیم از بدن خارج می‌شوند. اعراض فقدان ویتامین‌های B و C نخست به شکل لرزش دست‌ها، کلالت زبان، ضعف عضلات و حساسیت پوست ظاهر می‌شود. اگر باز هم این ویتامین‌ها توسط الكول از بین برده شود، منجر به فلج شدن دستها، پاها و ورم قلب می‌گردد.

**تأثیر الكول بر شخصیت انسان:** در گزارشی که از طرف «انجمان مبارزه با الكول» در انگلستان تهیه شده، آمده است: «در اثر تحقیقاتی که بر ۱۸۶۰۰ شخص معتاد به الكول صورت گرفت، چنین نتیجه به دست آمد: استعمال الكول به طور دوامدار از شخصیت انسان می‌کاهد و سبب پیدایش کند ذهنی، ضعف اراده، خشم سریع و اوهام و خیالات می‌گردد. بدین سبب نمی‌توان در مسایل مالی، اجتماعی و رهبری به چنین فردی اعتماد نمود؛ همچنان اعتماد به سخنان و وعده‌های شخص معتاد به الكول کاری است خطاب؛ هر چند که وی در حالت عادی باشد.»

**معضلات اجتماعی و اقتصادی الكول:** در کشورهای اسلامی، الكول معضله قابل توجهی را ایجاد نموده است و این به برکت دستور قاطعی است که شریعت اسلامی درین زمینه صادر نموده؛ اما در کشورهای دیگر به ویژه در قاره‌های اروپا و امریکا، معضلات اجتماعی و اقتصادی الكول بسیار چشم‌گیر است. در بسیاری از شهرهای پیشرفته اروپایی و امریکایی، دهها انجمان مبارزه با مشروبات الكولی و شفاخانه‌هایی ایجاد شده که به علاج اشخاص دائم الخمر می‌پردازنند.

ت<sup>و</sup><sup>ضدیما</sup> خداوند ﷺ در سوره المائدہ آیه ۹۰-۹۱ میرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْحَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مَّنْ عَمِلَ الشَّيْطَانَ فَاجْتَنَبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۹۰) إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بِيَنْكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَتُمْ مُنْتَهُونَ (۹۱)

ترجمه: اى مؤمنان جز اين نisست که شراب و قمار و نشانه‌ای معبدان باطل و تیرهای

فال پلیدی است از کردار شیطان پس احتراز کنید از وی تا بود که شما رستگار شوید (۹۰) جز این نیست که می خواهد شیطان که بیندازد در میان شما دشمنی و ناخوشی به سبب شراب و قمار و باز دارد شما را از یاد خدا و از نماز پس آیا الحال شما باز ایستاد گانید (۹۱)



## بخوانیم و بدانیم

۱. از نظر ساختار طبی همه نوشابه‌هایی که دارای مقدار معین ایتانول (Ethanol) بوده و حالت نشئه را به بار آورند، در جمله مشروبات الکولی به شمار می‌آیند.
۲. از نظر شریعت اسلامی شراب به همه نوشابه‌هایی گفته می‌شود، که در وجود انسان حالت نشئه ایجاد کند.
۳. بزرگترین خطر الکول آن است که دنیا و آخرت انسان را خراب می‌سازد و سیستم اعصاب انسان را به تدریج معتاد می‌نماید.
۴. شایع ترین اختلال سیستم عصبی، آسیب قرنیه و اعصاب چشم است.
۵. الکول به نسبت (۱٪) درخون، سبب می‌شود که نبض در یک دقیقه ده بار بیشتر بتپد.
۶. استعمال الکول سبب پیدایش (پوکی جگر) می‌گردد.
۷. یکی از عوارض تجزیه الکول در بدن، تخریب ویتامین B6 است.
۸. استعمال الکول به طور دوامدار از شخصیت انسان می‌کاهد و سبب پیدایش کُند ذهنی، ضعف اراده، خشم سریع و اوهام و خیالات می‌گردد.

## درست بنویسیم

- هرگاه حرف اخیر واژه، «ی» باشد، در هنگام پیوستن با افعال اسنادی یا معاون «استم استیم، استی، استید، استند و اند»، «الف» از آغاز این‌ها حذف نشده برجای خویش باقی می‌ماند؛ اما در تلفظ، حرکت الف نخستین این واژه‌ها به «ی» داده می‌شود؛ مانند:
- استم: زabilی استم / قرغه‌یی استم.
- استیم: افغانستانی استیم / فرزه‌یی استیم.

- استی: ایرانی استی / سرچشمه بی استی.
- استید: منطقی استید / پایمناری استید.
- استند: کاریزی استند / بلوچی استند.
- اند: گردیزی اند / شرقی اند.

اما الف « است » که فعل مفرد شخص سوم می باشد، در هنگام پیوستن با واژه های یادشده حذف شده، و فعل با واژه پیوسته نوشته می شود؛ مانند:

- است: معنویست / طبیعیست.

## کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد اضرار اجتماعی و اقتصادی الکول باهم بحث نموده و فهرستی تهیه نمایند؛ سپس هرشاگرد، دو - دو مورد آن را با ارائه مثال ها مفصل شرح دهد.
۲. چند تن از شاگردان تصویر زیر را با موضوع «شراب و تصادم» ارتباط داده، در مورد آن در برابر صنف سخنرانی کنند.



## املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی، به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲. « دولت چه تدابیری را در مبارزه علیه شراب روی دست بگیرد؟ » درین مورد متنی در هفت سطر بنویسید.

## خود آزمایی

۱. شراب‌نوشی چه معضلات اجتماعی را به بار می‌آورد؟
۲. الکول بر سیستم عصبی و شخصیت انسان چه تأثیر می‌گذارد؟
۳. هرگاه حرف آخری واژه، «ی» باشد، در هنگام پیوستن با افعال اسنادی «استم، استی، استید، استند و اند»، چگونه باید نوشته شود؟
۴. به نظر شما مهمترین نکات املایی که باید در نوشتمن رعایت شود، کدام‌هاست؟

## کار خانه‌گی

۱. در مورد اضرار استفاده از مشروبات الکولی یک مقاله بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:  
حضر کنید ز انجام عیش این محفل  
کدام شیشه که آخر نزد به سنگ شراب  
بیدل
۳. متن کامل درس دوازدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گریزید.

## دوازدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشییحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد.

۱. رمان چیست؟
۲. رمان به گونه امروزی در چه زمانی به وجود آمد؟
۳. رمان با رمان‌س چه رابطه دارد؟
۴. دُن کیشوٹ چیست؟

## رُمان چیست؟

داستان یا ناول (Novel) روایتی است منتشر که مبتنی بر جعل و خیال؛ اگر طولانی باشد، آن را رُمان و اگر کوتاه بود، آن را داستان کوتاه می‌گویند. در ابتدا رُمان، شعر روایتی بود و بعد به تدریج به نثر گرایید و عمومیت بیشتر یافت.

ناول اصطلاح انگلیسی است و معادل آن در اکثر زبان‌های اروپایی رُمان است. اصل واژه انگلیسی ناول، واژه ایتالیایی «ناولا» به معنای مطلب کوچک تازه است. ناولا که در قرن چهاردهم در ایتالیا مرسوم بود، نوعی قصه کوتاه منتشر است که معروف‌ترین نمونه آن «قصه‌های دکامرون» اثر «بو کاچیو» است.

از اجداد دیگر رُمان امروزی، روایات «پیکارسک» است که در قرن شانزدهم در اسپانیا مرسوم بود و نشانه‌هایی از این شیوه، در آثار «مارک توین» به چشم می‌خورد. پیکارسک مشتق از کلمه هسپانوی «پیکار»، به معنای تذویر و محیل است و پیکارسک صفتی بوده برای داستان‌هایی که در آن به بررسی اعمال پیکارها می‌پرداختند. معروف‌ترین نمونه این سبک، رُمان «دُن کیشوٹ» اثر «سروانتس» (نویسنده هسپانوی) است که آن را در خلال سال‌های (۱۶۰۵) تا (۱۶۱۵) م. نوشته است. پیش از این رُمان هیچ اثری در چنین قالب هنری ادبیات جهان پیدا نمی‌شود. در این داستان معروف، مردی حیله‌گر می‌خواهد هنوز با آرمان‌های اشرافی—که دیگر در زمان او منسون شده است—زنده‌گی کند. در رُمان «دُن کیشوٹ» توهّم و واقعیت به نحو استادانه‌یی در مقابل یک‌دیگر نمودار شده است.

به هر حال رُمان، که از کلمه رُمانس گرفته شده، مهمترین و معروف‌ترین شکل تبلور یافته‌ادبی روزگار ماست. قبل از رُمان «دُن کیشوٹ»، حماسه‌های منتشر و منظوم و

لطیفه‌ها و حکایات بر سبیل تمثیل، قصه‌های عامیانه و اساطیر و افسانه‌های بسیاری چون «ایلیاد و ادیسه» و نوع رُمانس‌ها موجود بود که از نظر معنی و کیفیت ساختاری با رُمان به مفهوم امروزی آن تفاوت بسیار داشت.

### رُمانس چیست؟

اصطلاح رُمانس در اوایل سده‌های وسطی به معنای کتاب‌هایی بود که از لاتین ترجمه و یا به زبان‌های محلی نوشته می‌شد و نیز زبان‌های محلی جدید مشتق شده از زبان لاتین را رُمانس می‌گفتند؛ همچنان در قرون نخستین، وقایع غیرعادی، صحنه‌های عجیب و غریب، ماجراهای شگفت‌انگیز و عشق‌های احساساتی و پرشور و اعمال سلحشورانه را به نام رُمانس یاد می‌کردند.

شکل رُمانس، تحت تأثیر قصه‌های «هزار و یک شب» به وجود آمد و در قرن دوازدهم در فرانسه رونق گرفته از این کشور به کشورهای غربی دیگر نیز راه یافت. رُمانس، جهان با شکوه و باعظمت غیرواقعی و خیال‌پردازانه را به نمایش می‌گذارد و برخلاف حماسه، تنها به جنگ و میدان‌های کارزار اختصاص ندارد؛ بلکه بیشتر قصه‌های خیالی است که جنبه سرگرم‌کننده دارد و به قهرمان‌های اصیل زاده‌یی اختصاص می‌یابد که از واقعیت‌های زنده‌گی روزمره دور بوده به ماجراهای عاشقانه اغراق‌آمیز دلبسته‌اند و در راه رسیدن به محبوب، به اعمال جسورانه دست می‌زنند و با جادوگران و شخصیت‌های شور می‌جنگند.

قصه‌ها عمر طولانی دارند و تاریخ پیدایش آن‌ها تقریباً همان اندازه قدیمی است که تاریخ زنده‌گی بشر؛ اما شکل و روال تازه‌ادبی که ما در رُمان مجسم می‌بینیم، یعنی آفرینش داستانی منتشر و طولانی با تاکید بر اصالت و تجربیات و تخیلات فردی و شخصی، هر گز گذشتۀ طولانی نداشته است و تاریخ پیدایش و طلوع آن در فرهنگ ادبی جهان از سه قرن تجاوز نمی‌کند. در حقیقت وقتی آدمی شناسنامه و هویت فردی خود را پیدا کرد، رُمان نیز تولد یافت.

قصه‌های قدیمی بیشتر به مطلق‌گرایی و نمونه‌های کلی توجه داشتند. قهرمان‌های قصه‌ها، نمونه‌های صفات بد و خوب انسانی بودند. شخصیت‌ها در این آثار به دو گروه متفاوت و متمایز تقسیم می‌شدند: گروه آسمانی با همه صفات و خصایل پسندیده و گروه اهريمنی با همه رذالت‌ها، پستی‌ها و پلیدی‌ها. در گیری این دو گروه باعث پدید آمدن ماجراهای، قصه‌ها و رُمانس‌ها می‌شد.

از اواخر قرن هفده جهان‌بینی انسان در غرب از جهان‌بینی قهرمان جدا شد. شناخت

افراد از مسایل تغییر یافت و موضوع رُمان‌ها نیز از این دیگر گونی‌های تازه فردی مایه گرفت. برای اولین بار خصوصیات عاطفی و درونی و تجزیه و تحلیل روحی به ادبیات راه یافت و رُمان به معنای واقعی و امروزی آن به وجود آمد.

در تعریف رُمان گفته اند: روایت منتشر داستانی است که سروکارش با ماجراها و احساسات آدم‌های خیالی و تصویری است، به این منظور که از طریق توصیف عمل و فکر، گوناگونی‌های زنده‌گی و شخصیت آدمی را تصویر کند.

رُمان از لحاظ زمینه و موضوع، اقسام گوناگون دارد که مهمترین آن‌ها عبارت اند از:  
۱. **رُمان تاریخی**: که در آن قهرمانان و حوادث مهم تاریخی به کار گرفته شده و نویسنده به مقتضای ذوق و سلیقه خویش در حوادث و شخصیت قهرمانان تغییرات کم و بیش مهمی که زایدۀ تخيّل اوست، وارد آورده است.

۲. **رُمان روستایی**: رُمانی است که زنده‌گی، آرزوها و تخيّلات شبانان و مردم روستاشین را نقاشی و تحلیل می‌کند.

۳. **رُمان آموزشی**: در چنین رُمان یکی از موضوعات علمی و آموزشی مانند موضوعات فلسفی، جغرافیایی وغیره در لباس داستانی که پرداخته ذهن نویسنده است مورد بحث قرار می‌گیرد.

۴. **رُمان طنزی**: عبارت است از رُمانی که عادت و اخلاق و رفتار جاری عادی مردم را با بیانی نیشدار و خنده‌آور توجیه و تحلیل می‌کند. طبیعی است که موضوع این قبیل رُمان‌ها کمتر از میان مطالب جدی یا غم انگیز انتخاب می‌شود.

۵. **رُمان هجوآمیز**: در این رُمان در ضمن حکایتی که در واقع صورت استعاری مقصد اصلی نویسنده است، عادات و اخلاق و سجایای مردم عصر مورد نظر نویسنده، مورد انتقاد هجوآمیز قرار می‌گیرد.

۶. **رُمان مکاتبه‌یی**: رُمانی است که وقایع آن در ضمن نامه‌هایی که بین قهرمانان داستان رد و بدل می‌شود جریان دارد و خواننده با خواندن چند نامه از داستان آگاهی حاصل می‌کند.

۷. **رُمان عاطفی**: که قسمت عمده آن عبارت است از تحلیل احساسات و عواطف شخصی و درونی قهرمان داستان.

۸. **رُمان روانی**: که در آن حوادث عمده و مهمی وجود ندارد و زمینه اصلی داستان چیزی جز تجزیه و تحلیل احساسات قهرمانان بر مبنای قوانین روان‌شناسی نیست.

**۹. رُمان فرهنگی:** که در آن عادات، رسوم، اخلاق و سجایای مردم جامعه مورد توجه و بحث قرار می‌گیرد.

**۱۰. رُمان حادثه‌یی:** رُمانی است که در آن شرح مسافرت‌های آمیخته با حوادث، یا وقایع خیالی و وهمی با معلومات جغرافیایی یا تاریخی آمیخته شده باشد که همه این انواع محصول ادبیات غرب است؛ اما در کشور ما افغانستان بعد از فعالیت‌های فرهنگی نگارشی محمود طرزی عمدتاً داستان کوتاه و رمان به ادبیات راه پیدا کرد و نویسنده‌گان محدود در زمینه کار کرده‌اند.

**تولد** بوکاچیو: «جووانی بوکاچیو» یکی از چهره‌های برجسته تاریخ ادبیات ایتالیاست. او متولد سال ۱۳۱۳ میلادی و متوفی سال ۱۳۷۳ است. بوکاچیو را در کنار دانته یکی از اصلاح‌گران زبان ایتالیایی می‌دانند. همچنین او از مقامات دولتی شهرفلورانس بود.

شهرت بوکاچیو به سبب مجموعه قصه‌هایی است که او در کتاب بسیار معروف خود «د کامرون» گردهم آورده است. بوکاچیو بنا بر گفته خودش قصه نویسی را از هفت ساله‌گی آغاز کرد و در طول عمر خود شیفتۀ مسافرت و تفحص در آداب، رسوم و روحیات مردم بود.



### بخوانیم و بدانیم

۱. داستان یا ناول (Novel) روایتی است منتشر که مبنی بر جعل و خیال باشد. اگر طولانی باشد، آن را رُمان و اگر کوتاه باشد، داستان کوتاه می‌گویند.

۲. ناولاً نوعی قصه کوتاه منتشر را گویند که معروف‌ترین نمونه آن «قصه‌های دکامرون» اثر «بوکاچیو» است.

۳. اصطلاح رُمانس در اوایل سده‌های میانه به معنای کتاب‌هایی بود که از لاتین ترجمه و یا به زبان‌های محلی نوشته می‌شد و نیز زبان‌های محلی جدید مشتق شده از زبان لاتین را رُمانس می‌گفتند.

۴. رُمانس قصه‌های خیالی است که جنبه سرگرم کننده دارد و به قهرمان‌های اصیل زاده‌یی اختصاص می‌یابد که از واقعیت‌های زنده‌گی روزمره دور بوده به ماجراهای

عاشقانه اغراق آمیز دلپسته و در راه رسیدن به محبوب، به اعمال جسورانه دست می‌زنند و با جادوگران و شخصیت‌های شرور می‌جنگند.

۵. از اواخر قرن هفده برای اولین بار خصوصیات عاطفی و درونی، تجزیه و تحلیل روحی به ادبیات راه یافت و رُمان به معنای واقعی و امروزی آن به وجود آمد.

۶. رُمان روایت منثور داستانی است که سروکارش با ماجراها و احساسات آدم‌های خیالی و تصویری است، به این منظور که از طریق توصیف عمل و فکر زنده‌گی و شخصیت آدمی را تصویر کند.

### درست بنویسیم

هر گاه حرف آخری واژه، «ای» باشد، در هنگام پیوستن با ضمایر مشترک (خود، خویش، خویشتن)، ضمایر اضافی (ت، ش، م) و (تان، شان، مان)، مطابق به قواعد زیر نوشته می‌شود: در هنگام پیوستن با ضمایر اضافی «ت»، «م» و «ش»، میان واژه و ضمیر حرفی علاوه نشده، با این ضمایر به صورت پیوسته نوشته می‌شود؛ مانند:

• ت: گادیت، بربادیت، شادیت.

• م: پیروزیم، آزادیم، گرفتاریم.

• ش: ویرانیش، پایانیش، مهمانیش.

• در هنگام پیوستن با ضمایر مشترک (خود، خویش، خویشتن) و ضمایر اضافی (تان، شان، مان)، باز هم میان واژه و یکی از ضمایر یادشده، حرفی علاوه نمی‌شود؛ اما واژه اصلی از این ضمایر جدا نوشته می‌شود؛ مانند:

• خود: زنده‌گی خود، تنها‌یی خود، شادی خود.

• خویش: آزادی خویش، مستی خویش، شادابی خویش.

• خویشتن: بینایی خویشتن، جوانی خویشتن، بربادی خویشتن.

• تان: گرفتاری تان، پیری تان، خسته‌گی تان.

• شان: ستمگاری شان، افتاده‌گی شان، چربی شان.

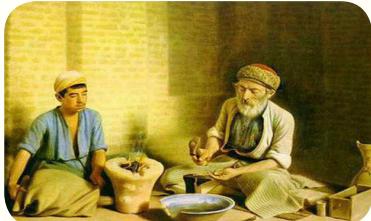
• مان: دوستی مان، دشمنی مان، همکاری مان.

### کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده باهم گفتگو کنند. گروه اول آنچه از نام رمان‌های نویسنده‌گان افغان را که شنیده‌اند و گروه دوم نام رمان‌های نویسنده‌گان خارجی

را بر روی کاغذ بنویسند؛ سپس از هر گروه یک نفر در برابر صنف حاضر شده، نام آن رمان‌ها را با صدای بلند بخواند.

۲. شاگردان، این تصویر را با موضوع «رمان روستایی» ارتباط داده، چند تن شان در مورد آن در برابر صنف سخنرانی کنند.



## املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسید.
۲. با در نظرداشت قواعد املایی که در بالا خواندید، در کتابچه‌های تان یک متن بنویسید که از پنج سطر کم نباشد و پنج کلمه از قواعد املایی که خواندید، در آن به کار رفته باشد.

## خود آزمایی

۱. ناول چیست و مشخصات آن کدام‌ها اند؟
۲. اصطلاح رُمانس چه معنایی را افاده می‌کند؟
۳. رُمان به معنای واقعی و امروزی آن در کدام زمان به وجود آمد؟
۴. رمان را تعریف کنید.
۵. هرگاه حرف آخری واژه، {ی} باشد، در هنگام پیوستن با ضمایر مشترک (خود، خویش، خویشتن)، چگونه نوشته می‌شود؟ با مثال واضح سازید.
۶. انواع رمان را نام ببرید.
۷. رمان تاریخی و رمان حادثه‌یی از هم دیگر چه تفاوت دارند؟

## کار خانه‌گی

۱. تفاوت‌های عمده میان رمان‌های آموزشی، طنزی و فرهنگی را در حداقل ده سطر بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:  
دیدنی نیست که آخر به شنیدن نرسد  
پیش از انجام تماشا همه افسانه شمار  
بیدل
۳. متن کامل درس سیزدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## سیزدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریفاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد.

- ۱- چهارمقاله را چرا به این نام مسمی کرده اند؟
- ۲- در باره نظامی عروضی سمرقندی چه می‌دانید؟
- ۳- نظم و نسق دربار به کدام چهار عضو بسته‌گی دارد؟ بیان دارید.
- ۴- اسلوب نگارش چهارمقاله از چه قرار است؟

۵- چهارمقاله از حیث سلامت انشا و طرز سخن و اسلوب بیان در کدام ردیف قرار داشته و با کدام کتاب‌های مشهور می‌تواند همسایه کند؟

## چهارمقاله

این کتاب مهم طوری که از نام آن پیداست مرکب از چهارمقاله: به ترتیب زیر (در ماهیت علم دیری، در ماهیت علم شعر، در ماهیت علم نجوم و در ماهیت علم طب) نگاشته شده و مؤلف آن ابوالحسن احمد سمرقندی ملقب به نظامی عروضی است. گذشته از این که وی استاد بلاغت و انشای دری بود، در علم ادب مهارت داشت و خود نیز شعر می‌گفت؛ چنان‌که در همین کتاب نمونه‌هایی از اشعار او دیده می‌شود. تألیف چهارمقاله در حدود (۵۵۰) هـ. ق. به عمل آمده و آن به نام ابوالحسن حسام الدین علی شاهزاده غوری اتحاف شده است.

چهارمقاله را می‌توان از حیث سلامت انشا و طرز سخن و اسلوب عبارات در ردیف اول آثار منتشر دری شمرد و نمونه و سرمشق نثر دری محسوب داشت و همدوش تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه پنداشت.

بخشی از محتوای کتاب را شرح حالات و اشعار و مقالات شماری از شعرا و فضلای معروف آن زمان تشکیل داده است «نام اصلی چهارمقاله (مجمع النوادر) می‌باشد، از این که مشتمل بر چهارمقاله می‌باشد، به نام چهارمقاله معروف گردیده است. چهارمقاله در سال (۵۵۱/۵۵۲) هـ. ق. تألیف شده است. نظامی خود شاعر بود و اشعارش در کتاب‌های چهارمقاله، لباب الالباب، تاریخ گزیده، تذكرة الشعرا دولتشاه سمرقندی موجود است. کتاب مجمع النوادر یا چهارمقاله مشتمل بر یک مقدمه و چهارمقاله است که نظم و نسق دربار به این چهار عنصر بسته‌گی داشت که برای تحکیم و تقویت حکمرانی موجودیت چهار شخص فوق الذکر ضروری بود.

نگارنده، مقاله خود را با دیباچه‌ی آغاز می‌کند که موضوع را به معرفی می‌گیرد و در آخر هر مقاله ده حکایت بیان گردیده است که نظرات او را مورد تأیید قرار داده و معلومات تاریخی زیادی به دست می‌آید، در مقاله دوم از شعرای قدیم دوره‌های سامانی، غزنوی، سلجوقی، غوری و دیالم نام برده شده و از جمله افراد متذکره چون: رودکی، عنصری، فرخی، معزی، ازرقی، فردوسی، رشیدی، مسعود سعدسلمان را نقل نموده و در باره کلام شان تبصره کرده است. در مقاله سوم در باره عمر خیام معلومات مهم ارائه گردیده است.

## اسلوب نگارش

اسلوب نگارش چهارمقاله، ساده، سلیس، روان و صریح است، ضربالمثل‌ها را به گونه موزون به کار برده و هر واژه را مطابق موقع و محل استعمال نموده که ایجاز و اطناب از حدود خود تعjaوز نکرده است. تنها در دیباچه و در آغاز مقاله‌ها اصطلاحات فلسفی، طبیعی، نجوم و طب را به کار برده است. الفاظ و کلمات عربی را در مধح پادشاهان، امرا و اشخاص در عبارت‌های مقfa، موزون و مسجع به کار برده است؛ اما ناخوشایندنیست. چهارمقاله را می‌توان به سیاستنامه، قابوسنامه و تاریخ مسعودی و تذکرة الاولیای عطار، تاریخ گزیده و منشآت قایم مقام مشابه دانست.

- ت \* سیاست نامه از مهمترین آثار ادبی زبان فارسی در دوره سلجوقی  
تو ضدیها تألیف ابو علی حسن بن علمی بن اسحق طوسی ملقب به نظام الملک  
است که آن را به دستور ملکشاه سلجوقی تألیف کرده است.
- \* قابوسنامه تألیف عنصر المعالی کیکاووس بن سکندر بن قابوس بن وشمگیر از امیران زیادی است که آن را در سال ۴۷۵ هجری قمری در نصیحت به فرزند خود گیلانشاه نوشته کرده که دارای چهل و چهار باب است.
- \* تاریخ بیهقی (تاریخ مسعودی) تألیف ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی؛ از تواریخ معتبر دوره غزنویان است. در اصل این کتاب تاریخ آل سبکتگین نام داشته و سی جلد بوده است. تنها قسمتی از این تاریخ بزرگ در دست است، به نام «تاریخ مسعودی» که حاوی سلطنت مسعود بن محمود سبکتگین و تاریخ خوارزم از زوال دولت آل مأمون و تصرف ولایت ایشان به دست سلطان محمود غزنوی و حکومت آلتون تاش تا غلبۀ سلاجقه می‌باشد.

## بخوانیم و بدانیم



- ۱- چهارمقاله را می‌توان از حیث سلامت انشا و طرز سخن و اسلوب عبارت در ردیف اول آثار منتشر دری شمرد و نمونه و سرمشق زبان دری محسوب داشت و همدوش تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه پنداشت.
- ۲- اسلوب نگارش عمومی چهارمقاله، ساده، سلیس، روان و صریح است.

### درست بنویسیم

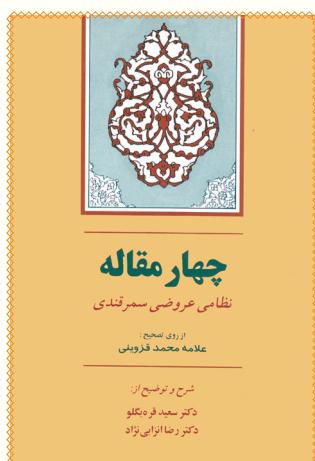


- هرگاه حرف آخری واژه «های غیر ملفوظ» باشد و در جمله به حیث موصوف مضاف یا منسوب قرار گیرد، بر بالای «هـ» یک «ء = یا ابتر» به عنوان کسره اضافه نوشته می‌شود؛ مانند:
- کتابچه سفید، ستاره درخشان، پرده رنگارنگ (موصوف).
- خانه احمد، خاله محمود، قصه فرهاد (منسوب).
- ستاره اقبال، قبله آمال، کعبه مراد (مضاف).

## کار گروهی و سخنرانی



- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون کتاب چهارمقاله به بحث و گفتگو پردازنند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهد.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده در باره اسلوب نگارش چهارمقاله یا مجمع التوارد معلومات ارائه دارد.
- ۳- چند شاگرد در مورد تصویر مقابل سخنرانی کنند.



## املا و نگارش



- ۱- متى را که معلم گرامی به خوانش می گيرد به صورت املا در کتابچه های خود بنويسيد.
- ۲- چهارمقاله در ردیف کدام کتابها قرار دارد؟ در این باره چند سطر بنويسيد.

## خود آزمایی



- ۱- چرا چهارمقاله به اين نام مسما گردیده است؟
- ۲- درباره نظامي عروضي سمرقندی چه می دانيد؟
- ۳- چهارمقاله را با کدام کتابهای معروف دیگر می توان همسنگ دانست؟
- ۴- آيا چهارمقاله برای حفظ حاکمیت و دولتمداری ضروري است؟ توضیح دهيد.

## کار خانه‌گی



- ۱- يك مقاله راجع به نویسنده گی بنويسيد که در آن قواعد املایی که خواندید تطبیق یافته باشد.
- ۳- این بیت را به حافظه بسپارید:  
من طریق سعی می آرم بجا  
لیس للاتسان الاما سعی  
مولوی
- ۴- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی داشته باشید.

شاگردان به پرسش‌های آتی پاسخ ارائه بدارند:

- ۱- محتوای آثار پوهاند حبیبی را چه موضوعات تشکیل داده است؟
- ۲- سال‌های تولد و وفات دو چهره فرهنگی را مقایسه نمایید؟
- ۳- محتوای آثار جمشید شعله را چه موضوعات تشکیل داده است؟
- ۴- آیا حبیبی و شعله که هم عصر هم بوده اند، با هم ملاقاتی داشته اند؟

## دو چهره فرهنگی و ادبی

### پوهاند عبدالحی حبیبی و جمشید شعله



شعله



حبیبی

پوهاند عبدالحی حبیبی یکی از چهره‌های معاصر فرهنگی و ادبی بوده که محقق و تاریخ‌نویس به زبان‌های دری و پشتوی کشور محبوب ما افغانستان است، حبیبی در سال (۱۲۸۹) هـ. ش. در شهر کندهار دیده به جهان گشود. تعلیمات خود را در کندهار به پایان رسانید و در همانجا به حیث معاون جریده «طلوع افغان»

و پس از آن به حیث مدیر و گرداننده آن جریده وزین تقرر حاصل نمود و طلوع افغان را ده سال رهبری کرد. در جریان عهده‌داری استاد حبیبی آن جریده از وضعیت ژورنالستیک خیلی عالی برخوردار بود.

دانشمند و محقق پوهاند عبدالحی حبیبی پس از آن به حیث معاون ریاست مستقل مطبوعات در کابل مقرر شد. با تأسیس فاکولتۀ زبان و ادبیات در پوهنتون کابل، موصوف در آن فاکولته استاد شد و به رتبه علمی پوهاند رسید.

پوهاند حبیبی در سال ۱۳۲۷ هـ. ش. از طرف مردم کندهار به حیث عضو شورای ملی کشور انتخاب گردید؛ هنوز دوره و کالت در پارلمان را به پایان نرسانیده بود که به سبب اختلافات با حکومت وقت از کشور بیرون رفت؛ مدتی در شهر کراچی به

فعالیت علمی و ادبی پرداخت و دوباره به افغانستان برگشت. پوهاند حبیبی، مدتی رئیس انجمن تاریخ و مشاور فرهنگی صدارت عظمی بود. این دانشمند، تاریخنویس، شاعر و نویسنده کشور تا آخرین روزهای حیات، وقت خود را صرف فعالیتهای علمی، فرهنگی و ادبی کرد. عبدالحی حبیبی پس از سالیان دراز ایفای وظایف استادی، تحقیق و پژوهش در بخش تاریخ، فرهنگ و ادبیات دری و پژوهشی کشور ما افغانستان به تاریخ ۲۰ ثور ۱۳۶۳ هـ. ش. جهان فانی را پدرود گفت و به ادبیت پیوست.

علاوه بر تألیف و نگارش دهها اثر ذی قیمت چاپ شده به زبان پشتو، آثار و تأثیفات گرانبهایی به زبان دری نیز تألیف نموده است، که برخی از آنها را نام می‌بریم:

- تاریخچه سبک‌های شعر پشتو به زبان دری.
  - ترجمۀ پته خزانه به زبان دری.
  - ظهیرالدین محمد بابر (زنده‌گی و شخصیت او).
  - تاریخچه خط در افغانستان.
  - افغانستان بعد از اسلام.
  - نگاهی به سلامان و ابسال جامی.
  - هفت کتبۀ قدیم.
  - زنده‌گینامۀ بوعلی سینا.
  - تاریخ مختصر افغانستان در دو جلد.
  - شناختنامۀ میا فقیر الله جلال آبادی.
  - جنبش مشروطیت در افغانستان.
  - پنجاه مقاله.
  - ده هزار لغت فارسی به پشتو.
  - مجموعه شعری زیر عنوان «درد دل و پیام عصر».
  - افغان و افغانستان.
  - داستان کوتاه «صندوقد جواهر» در باره دیوارهای شیر دروازه و آسمایی.
- پوهاند حبیبی علاوه بر این‌ها و تأثیفات زیاد و ارزشمند به زبان‌های دری و پشتو، ایراد دهها بیانۀ علمی و تاریخی، در سیمینارها و ورکشاپ‌های ملی و منطقه‌یی و بین‌المللی،

به نگارش صدھا مقاله علمي مبادرت جسته بودند.

جمشید شعله شخصیت دیگر فرهنگی، شاعر و ادیب معاصر زبان دری کشور عزیز ما افغانستان است که در سال(۱۲۸۷) هـ. ش. در چاهآب ولایت تخار دیده به جهان گشود، از داملا عبدالکریم، مدرس مدرسه سر حوض چاهآب و آشنایی با آثار میرزا عبدالقادر بیدل، خواجه شمس الدین محمد حافظ، شیخ مصلح الدین سعدی و دیگران سواد ابتدایی را آموخت. در دوره امانی در چاهآب و خانآباد مرکز ولایات قطعن و بدخشان، آموزش دید؛ سپس به معلمی و اداره مکتب پرداخت و یکی از شاعران معاصر کشور میباشد.

کلیات چاپ شده وی که حاوی هشت صد صفحه میباشد، گواه توانمندی وی در سرایش شعر است.

جریانات سیاسی و چرخش‌های قدرت حاکمیت در دوران حیاتش در کار و زندگی وی تغییراتی را مبارز ساخت؛ اما ماموریت‌های دولتی را نیز عهده دار بود. وی به حیث وکیل منتخب مردم در لویه جرگه سال ۱۳۱۲ هـ. ش. اشتراک ورزید؛ پس از کناره‌گیری از وظایف رسمی به پیشنهاد کشاورزی پرداخت.

جمشید شعله به شعر و سخن دسترسی کامل داشته است. اشعار وی پرسوز و گذار است. او در سرایش شعر از سبک هندی پیروی میکرد. وی در ولایات تخار، کندز و کابل به فعالیت‌های فرهنگی و ادبی پرداخته و نسل جوان معاصر خود را در همان ولایات به کسب علم و دانش و خدمت به میهن خویش افغانستان تشویق و ترغیب نموده است. موصوف در ماه دلو(۱۳۷۴) هـ. ش. در زادگاه خود جهان فانی را وداع گفت.

از جمشید شعله کلیات شعری(۸۰۰) صفحه‌یی، تاریخ پهلوانان چاهآب، یادداشت‌های زندان، جهاد ملت بخارا و حوادث لقی در شمال هندوکش، تفسیر سوره والعصر و تاریخ ادبیان بدخشان که همه چاپ شده به یادگار مانده است.

نمونه‌یی از شعر جمشید شعله:

از عهد آفرینشم آزاد زیستم	خورشید و مه گواه که در زیر آسمان
کوه ثبات و غیرت و مردانگیستم	می‌دان که در مقابل نیرنگ حادثات
گر کابلی و بلخی و گر غزنویستم	از جیب اتحاد یکی سر کشیده ام

یک جوهرم به روح و به پیکر یکیستم  
یعنی که شیر بیشه آزاده گیستم  
جز آن که مرد بودم و مردانه زیستم  
این گونه عاشق وطن از بهر چیستم  
آخر ازین دو روزه جهان رفتنيستم

پشتوں مگو، هزاره مدان، تاجیکم مخوان  
روبه نیم که در تلک بنده گی شوم  
از زنده گی حلاوت دیگر نبرده ام  
عمریست تا منادی توحید می‌زنیم  
آن به که همچو شعله به نام نکو روم

## توضیحات

- زبان مادری پوهاند عبدالحی حبیبی، زبان پشتو بوده؛ ولی یکی از نویسنده‌گان مهم زبان دری نیز می‌باشد و بعضی از کتاب‌ها و ترجمه‌های خود را به زبان دری نگاشته است که توسط دیگران آن تألیفات و ترجمه‌ها نیز به زبان پشتو برگردانیده شده است.
- جریده طلوع افغان: جریده طلوع افغان به محرری و مدیریت عبدالعزیز خان در قندهار از میزان سال (۱۳۰۰) هـ. ش. به زبان‌های دری و پشتو به نشرات آغاز نمود که از جانب دولت تأسیس شده بود، اما در نشر مطالب و مفاهیم از آزادی کافی برخوردار بود و در بعضی موارد به انتقاد نیز می‌پرداخت و هم در روشن کردن اذهان عامه نقش موثر را ایفا نمود. این نشریه در زمان سلطنت امیر امان الله خان به نشر می‌رسید. پوهاند عبدالحی حبیبی در سال (۱۳۱۰) هـ. ش. مدیر این جریده شد.
- سلامان و ابسال جامی: داستان منظومی است از هفت اورنگ جامی که ظاهراً آن را در سال ۸۸۵ هـ. ق. به نام سلطان یعقوب ترکمن آق قوینلو ساخته است.
- قطعن به ولایات کندز، تخار و بغلان گفته می‌شد و ولایات فعلی بغلان، کندز، تخار و بدخشنان دارای یک تشکیل اداری به نام ریاست تنظیمیه بوده و ارگان نشراتی آن «اتحاد» نام داشت که بعدها این نشریه به بغلان منتقل گردید که تا امروز به نشرات خود ادامه می‌دهد.



- ۱- پوهاند عبدالحی حبیبی یکی از چهره‌های معاصر فرهنگی، ادبی و محقق و تاریخ نویس به زبان‌های دری و پشتوی کشور محبوب ما افغانستان بوده است. به هر دو زبان آثار گرانبهایی از وی باقی ماند.
- ۲- عبدالحی حبیبی دانشمندی بود که جریده «طیوع افغان» را ده سال اداره کرد.
- ۳- با تأسیس پوهنخی ادبیات در پوهنتون کابل حبیبی با اخذ رتبه علمی پوهاند در آنجا رسید.
- ۴- پوهاند عبدالحی حبیبی در سال (۱۲۸۹) هـ ش. تولد شد و در سال (۱۳۶۳) با زنده‌گی وداع کرد.
- ۵- جمشید شعله در سال (۱۲۸۷) هـ ش. تولد شد و در سال (۱۳۷۴) با زنده‌گی وداع کرد.
- ۶- شعله علاوه بر کلیات شعری آثار تاریخی دیگری نیز به زبان دری نوشته است.
- ۷- جمشید شعله پس از چند ماموریت و اشتراک در لویه جرگه‌های کشور، به کشاورزی مصروف بود.

درست بنویسیم



- هرگاه حرف اخیر واژه، ((های غیر ملفوظ)) باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین، بازهم در میان واژه و پسوند یک ((ی)) علاوه می‌شود که همیشه با واژه پسینش باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند:
- پسوند تنکیر(ی): فرزانه + ی + ی = فرزانه‌یی، دیوانه‌یی، ستاره‌یی.
- پسوند صفت نسبتی (ی) فرزه + ی + ی = فرزه‌یی، قرغه‌یی.
- هرگاه حرف آخری واژه، ((های غیر ملفوظ)) باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین، ((های غیر ملفوظ)) به جای خویش باقی مانده؛ پس از آن یک ((گ)) علاوه می‌شود؛ مانند:
- پسوند جمع ((آن)): همسایه + گ + ان = همسایه‌گان، بیگانه‌گان، رفته‌گان.
- پسوند اسم معنی (ی): افسرده + گ + ی = افسرده‌گی، تازه‌گی، دیوانه‌گی.
- هرگاه حرف آخر واژه، ((های غیر ملفوظ)) باشد، در پیوند با پسوند تصغیر((ک)) در میان واژه و پسوند یک ((گ)) علاوه می‌شود، که همیشه با نشانه تصغیر باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند: خانه‌گک، افسانه‌گک، قصه‌گک.

## کار گروهی و سخنرانی



۱- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت و زندگینامه دو چهره فرنگی و ادبی که در این درس خوانده اند بحث و صحبت نمایند؛ سپس نماینده هر یک از گروهها در مقابل صنف آمده، معلومات خود را همصنfan شریک بسازند.

۲- دو شاگرد به مقابل صنف آمده پیرامون تألیفات و نوشته های حبیبی و شعله معلومات دهند.



## املا و نگارش



۱. متنی را که معلم گرامی قرائت می کند، شاگردان به صورت املا در کتابچه های خود بنویسند.

۲. نام های آثار و تألیفات پوهاند عبدالحی حبیبی و جمشید شعله را در ورق های جداگانه بنویسند.

## خود آزمایی



۱- آثار پوهاند عبدالحی حبیبی دارای چگونه محتوا بوده و به چند زبان تالیفات دارد؟

۲- محتوای آثار باقی مانده جمشید شعله را بیشتر چه چیزی تشکیل می دهد؟

۳- وجود اشتراک فعالیت های این دو چهره فرنگی و ادبی معاصر را در چه می بینید؟

## کار خانه‌گی



۱- درباره تألیفات پوهاند عبدالحی حبیبی و جمشید شعله تبصره بی نوشته نموده بیاورید.

۲- درس بعدی را دقیق مطالعه نمایید تا آماده ارائه پاسخ به پرسش های استاد خود باشید.

## پانزدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در پایان معرفی، همین سوال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱. معلولیت چیست؟ ۲. وظایف ما، در برابر افراد دارای معلولیت چیست؟
۳. عوامل معلولیت کدام است؟ ۴. مهمترین مشکلات معلولان چیست؟

### معلولیت

براساس معیارهای علمی، معلولیت عبارت است از وضعیت فردی که به دلیل نقص، فقدان یا عدم توازن در زمینه‌های جسمی، روانی، ذهنی و حسی، حین انجام فعالیت‌هایی که به طور طبیعی از هر انسان انتظار می‌رود، محدودیت دارد یا ناتوان است. معلول جسمی به فردی گفته می‌شود که در یک یا چند عضو؛ مانند: دست‌ها، پاهای، لگن خاصره، ستون فقرات و گردن دارای نقص باشد. طوری که قادر به انجام بخشی از فعالیت‌های عادی توسط آن اعضا نباشد، و آن شامل انواع فلجهای، عدم توازن در اسکلت‌بندی، اختلالات بیولوژیکی (بیماران قلبی، کلیوی، ریوی و...) و سالمندان می‌باشد؛ البته در مجموع همه این‌ها عیوب نیست؛ بلکه نوعی تفاوت است. تفاوتی که فرد معلول را از دیگران جدا می‌سازد، چیز مطلوب و خوشایندی نیست؛ زیرا بیشتر توانایی او را برای انجام بعضی فعالیت‌های طبیعی محدود می‌کند. از این رو بهتر است که علل و عوامل ایجاد آن شناخته شود و تا حد ممکن از وقوع آن پیشگیری به عمل آید. عمدت‌ترین علل و عوامل معلولیت عبارتند از: عدم توازن ژنتیکی، عوارض دوران بارداری مادران و زایمان‌های غیرطبیعی، بیماری‌های مکروbi، استفاده خودسرانه از دواها، ضربه و تصادم ناشی از جنگ، انواع ماین‌ها و مهمات منفجر ناشده و انواع سانحه طبیعی و غیرطبیعی که اکثر آن‌ها قابل اجتناب و جلوگیری اند. اما واقعیت‌های نشان می‌دهد، که با وجود همه دستاوردهای علمی و توسعه تکنالوژی، معلولیت همچنان عارضه‌یی پایدار است و امکان براندازی آن از میان نوع بشر هنوز فراهم نشده است. هر چند تفاوت یا نقص و عدم توازن موجود در فرد معلول، بیشتر پایدار و در مواردی غیرقابل معالجه است؛ اما میزان ناتوانی یا کم‌توانی معلولان، بسته به شدت و ضعف عوامل معلولیت، می‌تواند تخفیف یابد یا به طور کامل جبران شود.

این افراد حق دارند هم‌مانند دیگران از حقوق سایر اتباع کشور مستفید شوند؛ اما به دلیل نامناسب بودن فضاهای و محیط‌های شهری و موانع فرهنگی از کم‌ترین حقوق

خود بی بهره اند. طوری که با دیده ترحم نگریستن بسیاری از افراد جامعه و یا شنیدن اصطلاحات و واژه های منفی و مبتذل از اشکال معلوماتی، آنها را آزار می دهد. از مهمترین مشکلات معلولان در جامعه ما، بیکاری است که خود موجب بروز مشکلات روحی، روانی و بیش از همه عدم اعتماد به نفس می شود. جامعه شناسان ثابت کرده اند که مشکلات روانی یک فرد معلول که زایدۀ عدم آمیزش او با محیط اطراف است، سبب گوشۀ گیری آن فرد می شود، که می تواند تأثیرات جبران ناپذیری بر جامعه و مناسبات حاکم بر آن داشته باشد.

افراد معلول برای برطرف کردن نیازهای مادی و در دست گرفتن امور زنده گی خویش، لازم است به خود متکی باشند تا بتوانند جلو دلسوزی های بیهوده افراد دیگر را بگیرند و این امر از طریق اشتغال و استقلال مالی آنان امکان پذیر می شود. در پهلوی آن، معلولان باید در دسترسی به تعلیم و تربیه و شرکت کامل در زنده گی اجتماعی، از امکاناتی برابر بهره مند شوند؛ زیرا قراردادن کودکان معلول در کنار کودکان سالم نه تنها به پذیرش تفاوت در قدرت حرکت، که میان آنها وجود دارد، کمک می کند و تحمل و احترام متقابل را افزایش می دهد؛ بلکه اصل عادی ساختن معلوماتی را نیز تحقق می بخشد. متأسفانه با آن که در حال حاضر معلولان در جامعه ما تعداد قابل توجهی را تشکیل می دهند، کمترین امکانات و تسهیلات برای زنده گی، رفت و آمد، تعلیم و تربیه، تفریح و ورزش آنان فراهم نگردد یده است. برای معلولان زنده گی درخانه راحت کافی نیست. آنها باید بتوانند بدون کمک دیگران به محل کار خود بروند، به مکتب یا کلپ ورزشی مراجعه کنند یا حداقل به تماشای مسابقات ورزشی بروند و در فضای باز گردش، و تفریح کنند.

بنابراین با درنظرداشت این که اشخاص دارای معلوماتی، جزیی از اجتماع ما استند و مانند سایر انسانها حقوق و مکلفیت هایی در برابر جامعه دارند، ما نیز در برابر آنها مکلفیت ها و مسئولیت های اسلامی و انسانی داریم، که برخی از آن مسئولیت ها را چنین برمی شماریم:

- بلند بردن سطح آگاهی عامه نسبت به حقوق و توانمندی های اشخاص دارای معلوماتی.
- همکاری با اشخاص دارای معلوماتی در وقت ضرورت شان.
- دادن حق اولیت در استفاده از بس ها، بانک ها، نانوایی ها، مغازه ها و سایر بخش های خدمات عامه.
- سهیم ساختن آنها در سایر فعالیت های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی.
- ایجاد زمینه های کاری مناسب، مطابق با توانایی های شان.
- حفظ احترام و عدم استفاده کلمات منفی یا نگرانی از نوع مختلف معلوماتی ها در برابر ایشان.

## بخوانیم و بدانیم



۱. معلولیت عبارت است از وضعیت فردی که به دلیل نقص، فقدان یا ناهنجاری در زمینه‌های جسمی، روانی، ذهنی و حسی، در انجام برخی از فعالیت‌ها محدودیت دارد یا ناتوان است.

۲. عوامل معلولیت عبارتند از: ناهنجاری‌های ژنتیکی، عوارض دوران بارداری مادران و زایمان‌های غیرطبیعی، بیماری‌های مکروبی، استفاده خودسرانه از دواها، ضربه و تصادم ناشی از جنگ، انواع ماین‌ها و مهمات منفجرناشده و انواع سانحه‌های طبیعی و غیرطبیعی.

۳. از مهمترین مشکلات معلولان در جامعه ما، بیکاری است.

۴. معلولان باید در دسترسی به زنده‌گی اجتماعی، از امکاناتی برابر بهره‌مند شوند.

۵. اشخاص دارای معلولیت، جزیی از اجتماع ما استند و مانند سایر انسان‌ها حقوق و مکلفیت‌هایی دربرابر جامعه دارند، ما نیز دربرابر آن‌ها مکلفیت‌ها و مسؤولیت‌های اسلامی و انسانی داریم.



### درست بنویسیم

• هرگاه حرف آخر واژه، {های غیرملفوظ} باشد، در هنگام پیوستن با افعال اسنادی (استم، استیم، استی، استید، است، استند و اند)، {الف} از آغاز این‌ها حذف نشده، به شمول (اند)، بر جای خویش باقی می‌ماند؛ مانند:

- استم: فرزانه استم
- استیم: همسایه استیم
- استی: افسرده استی
- استید: مستانه استید
- است: بیگانه است
- استند: بی خانه استند
- ایم: همسایه ایم
- ای: افسرده ای
- اید: مستانه اید
- است: بیگانه است
- اند: بی خانه اند
- ام: فرزانه ام

## کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده، گروه اول در مورد «نیازهای معلولان» و گروه دوم در مورد «وظایف دولت و اجتماع دربرابر معلولان» باهم گفتگو کنند؛ سپس نتیجه را از هر گروه یک تن شان به دیگران انتقال دهد.

۲. شاگردان، این تصویر را با موضوع «توانایی‌های معلولان» ارتباط داده، چند تن شان در برابر صنف سخنرانی کنند.



### املا و نگاشت

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسید.
۲. در مورد «وظایف جامعه در برابر معلولان» یک متن هفت سطری بنویسید، که در آن حداقل سه بار، واژه‌های مختوم با {های غیرملفوظ} در هنگام پیوستن با افعال اسنادی قرار گرفته باشد.

### خودآزمایی

۱. معلولیت چیست؟ انواع آن کدام است و معلولیت جسمی به چه نوع آن گفته می‌شود؟
۲. عوامل معلولیت را صرف نام ببرید.
۳. مهمترین مشکل معلولان در جامعه ما چیست و راه‌های حل آن کدام است؟
۴. وظایف جامعه و دولت در برابر معلولان چیست؟
۵. هرگاه حرف آخر واژه، {های غیرملفوظ} باشد، در هنگام پیوستن با افعال اسنادی چگونه نوشته می‌شود؟

### کار خانه‌گی

۱. در مورد «راه‌های حل مشکلات معلولان» متنی در ده سطر بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:  
از هر که همسر تو نباشد فزون مباش  
با عاجزان فروتنی آثار عزت است  
بیدل
۳. متن کامل درس شانزدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## درس شانزدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریفاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد. در پایان معرفی، همین سوال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

۱. گارسیا مارکیز که بود؟ ۲. او چه کارهایی را در بخش ادبیات انجام داده است؟
۳. او در کجا و در کدام سال تولد یافت؟ ۴. او در کدام بخش‌ها کار کرده است؟
۵. چرا او برنده جایزه نوبل شد؟
۶. شما شخصیت او را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

### گابریل گارسیا مارکیز



گابریل گارسیا مارکیز نویسنده، ژورنالیست، ناشر، روزنامه نگار و فعال سیاسی برازنده امریکای جنوبی، در ششم مارچ سال ۱۹۲۸ میلادی، در دهکده آرکاتا کای کشور کولمبیا چشم به جهان گشود. والدینش تربیت او را به عهده پدر کلانش «نیکولا مارکیز»، که یک افسر نظامی بود، گذاشتند و او این کار را به بهترین وجه انجام داد.

گابریل مارکیز اولین نوشته‌هایش را در روزنامه «جوونتو»، که مخصوص شاگردان مکاتب بود منتشر کرد و نخستین داستانش زیر عنوان «سومین استعفا» در سال ۱۹۴۷ میلادی به نشر رسید؛ همچنان وی در همین سال به تحصیل رشته حقوق و ژورنالیزم در «دانشگاه ملی بوگوتا» پرداخت. نخستین مجموعه داستانی اش در سال ۱۹۴۰ میلادی به نشر رسید و در سال ۱۹۵۵ میلادی نخستین ناول او زیر عنوان « توفان برگ‌ها » به دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. بزرگ‌ترین اثرش «صد سال تنها» عنوان دارد که در خلال سه سال آن را به پایان رسانیده است. این رمان که به او شهرت و آوازه جهانی بخشید، به عقیده اکثر منتقدان، شاهکار او به شمار می‌آید. وی در سال ۱۹۸۲ میلادی برای همین رمان، برنده جایزه نوبل ادبیات شناخته شد. مارکیز در سال ۱۹۹۹ میلادی به گونه رسمی مرد سال امریکای لاتین شناخته شد و در سال ۲۰۰۰ میلادی مردم کولمبیا با ارسال نامه‌هایی، ازوی خواستار پذیرش ریاست جمهوری کولمبیا گردیدند، که او نپذیرفت. تاکنون آثار او به بیشتر از هژده زبان زنده دنیا ترجمه شده است.

## اینک قسمتی از داستان گارسیا مارکیز را به گونه نمونه می‌خوانیم: **میخواستم فقط تیلفون کنم**

بعد از ظهر یکی از روزهای بارانی ماه اپریل، «ماریا لیوز سرفانتز» می‌خواست، خود را به شهر «بارسلونا» برساند. از بخت بد، موتور کرایش در وسط یک دشت خراب شد. ماریا زن مکسیکویی ۲۷ ساله، با مردی که شغل شعبدۀ بازی داشت، ازدواج نموده بود. او در این روز بارانی، پس از دیدار با خویشاوندانش، می‌رفت تا با شوهرش ملحق شود. پس از یک ساعت اشاره‌های بی‌نتیجه به موترها و لاری‌های باربری‌یی که مثل تنبد باد از جلوش می‌گذشتند، بالاخره راننده یک سرویس کهنه و فرسوده برایش دل سوختانده و گفته بود که بیشتر از چند کیلومتر به پیش نخواهد رفت و ماریا برایش جواب داده بود: «فرقی نمی‌کند، من صرف به یک تیلفون ضرورت دارم». راست هم می‌گفت. باید به شوهرش اطلاع می‌داد که پیش از ساعت هفت شام نمی‌تواند به خانه برسد.

در بین سرویس، خانمی با شکل و شمایل یک نظامی؛ اما با ژست‌ها و حرکات مهربانانه و ملایم، ماریا را در پهلوی خود نشاند و برایش یک کمپل و یک روپاک داد. ماریا سروصورت خود را با آن اندکی خشک کرد و هنگامی که روی خود را می‌گشتند، دید که همه راکبین خود را در میان کمپل‌ها پیچیده و خوابیده اند. ماریا هم که زیر تأثیر فضای آرام موتر رفت بود، خود را روی چوکی جمع و جور کرد و ذهن و خیالش را به هیاهوی باران سپرده به خواب رفت. وقتی از خواب بیدار شد، دید که سیاهی شب همه جا پخش شده و توفان شدید چند ساعت پیش، به یک باران سرد و آرام تبدیل شده است. هیچ برایش معلوم نبود که چقدر دیر خوابیده و به کجا رسیده است؛ ولی زن پهلوی‌اش در حال آماده‌باش، هوشیار و بیدار نشسته بود. ماریا از زن پرسید: «کجا رسیدیم؟... در کدام منطقه هستیم؟» زن برایش جواب داد: «حالا میرسیم». بالآخره موتر سرویس درمحوطه حویلی یک عمارت کهنه که به یک صومعه قدیمی شباهت داشت و با درخت‌های بلندی احاطه شده بود، داخل شد و زن نظامی پوش با لهجه خشنی شروع کرد به پایین کردن راکبین. ماریا فکر کرد که شاید این زن‌ها راهبه باشند؛ اما وقتی متوجه شد که چندین زن دیگر با یونیفورم نظامی در انجا منتظر استند، به اشتباه خود پی برد...



۱. گابریل گارسیامارکیز نویسنده، ژورنالیست، ناشر، روزنامه نگار و فعال سیاسی برازنده امریکای جنوبی، در ششم ماه مارچ سال ۱۹۲۸ میلادی، در دهکده آرکاتا کای کشور کولمبیا چشم به جهان گشود.
۲. نخستین مجموعه داستانی اش در سال ۱۹۴۰ به نشر رسید و در سال ۱۹۵۵ نخستین ناول او زیرعنوان « توفان بر گها » به دسترس علاقمندان قرار گرفت.
۳. بزرگترین اثر او « صد سال تنهایی » عنوان دارد. این رمان که به او شهرت و آوازه جهانی بخشید در سال ۱۹۸۲ میلادی برنده جایزه نوبل ادبیات شناخته شد.
۴. تاکنون آثار او به بیش از هزار زبان زنده دنیا ترجمه شده است.
۵. مارکیز در سال ۱۹۹۹ میلادی به گونه رسمی مرد سال امریکای لاتین شناخته شد.
۶. یک سال پس از آن، مردم کولمبیا با ارسال نامه‌هایی، ازوی خواستار پذیرش ریاست جمهوری کولمبیا گردیدند، که او نپذیرفت.



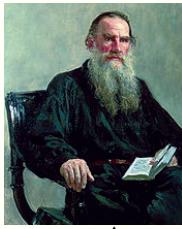
### درست بنویسیم

- هرگاه حرف آخر واژه، {های غیرملفوظ} باشد، در هنگام پیوستن با ضمایر مشترک «خود، خویش، خویشن»، ضمایر اضافی «ت، ش، م» و «тан، شان، مان»، مطابق به قواعد زیر نوشته می‌شود:
- در هنگام پیوستن با پسوندهای اضافی «ت، م، ش»، میان واژه و پسوند یک {الف} علاوه می‌شود؛ مانند:
    - ت: خانه ات، خنده ات، گفته ات.
    - م: گریه ام، جامه ام، دوباره ام.
    - ش: نامه اش، کتابچه اش کرانه اش.  - در هنگام پیوستن با ضمایر مشترک «خود، خویش، خویشن» و ضمایر اضافی «تان، شان، مان»، میان واژه و یکی از ضمایر یادشده، یک کسره اضافه به شکل {ء = همزه} نوشته می‌شود؛ مانند:
    - خود: جامه خود، گرده خود، نوشته خود.
    - خویش: گفته خویش، پرده خویش، خانه خویش.
    - خویشن: خامه خویشن، سروده خویشن، کرده خویشن.
    - تان: نامه تان، قصیده تان، کتابچه تان.

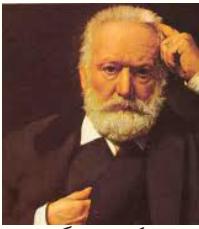
- شان: خندهٔ شان، گریهٔ شان، مویهٔ شان.
- مان: رویهٔ مان، طبلهٔ مان، دیدهٔ مان.

## کار گروهی و سخنرانی

۱. درین قسمت شاگردان باهم گفتگو کنند و سه تن شان برداشت‌های ذهنی و عاطفی خود را از داستان «می‌خواستم فقط تیلفون کنم»، دربرابر صنف بگویند.
۲. شاگردان در بارهٔ تصاویر سخنرانی کنند.



تولستوی



ویکتور هوگو

## املا و نگاشت

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسید.
۲. شما کدام اثر از کدام نویسندهٔ افغان را شایستهٔ دریافت جایزهٔ نوبل می‌دانید، و به چه دلیل؟ درین مورد، متنی بنویسید که کمتر از هفت سطر نباشد.

## خود آزمایی

۱. چرا مردم کولمبیا به «مارکیز» نامه نوشتند، که عهده دار ریاست جمهوری کشور شود؟
۲. از داستانی که خواندید، چه آموختید؟ مفصل شرح دهید.
۳. شخصیت ادبی و اجتماعی «مارکیز» را با شخصیت ادبی و اجتماعی یک نویسندهٔ افغان به طور مقایسوی بیان کنید.

## کار خانه‌گی

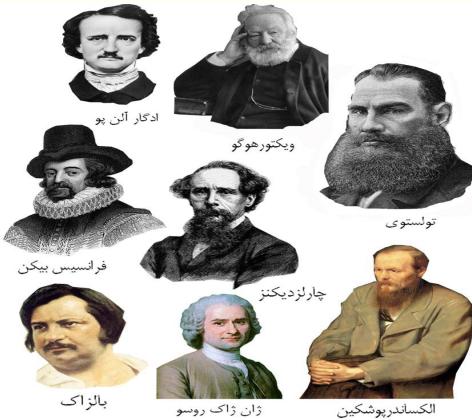
۱. این بیت را به حافظه بسپارید و پیرامون آن چند سطر بنویسید.  
اوج دولت سفله طبعان را دو روزی بیش نیست  
خاک اگر امروز برچرخ است فردا زیر پاست  
بیدل
۲. متن کامل درس هفدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز بعدی آماده‌گی بگیرید.

## درس هفدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در پایان معرفی، همین سوال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱. به نظر شما مکتب‌های ادبی چیست و چه چیزهایی شامل آن می‌شود؟
۲. کدام عوامل در به میان آمدن مکتب‌های ادبی نقش بازی می‌کنند؟
۳. شما کدام یک از مکاتب ادبی را می‌پسندید و چرا؟

### مکتب‌های ادبی



در مقوله‌های ادبی و هنری، مکتب عبارت است از راه، روش، سبک و شیوه‌هایی که دارای قواعد مشخص بوده و آفرینش آثار ادبی یا هنری بر مبنای پیروی از آن قواعد شکل گرفته باشد. در این درس به شرح روند پیدایش، تکامل و زوال آن عده از مکتب‌های ادبی می‌پردازیم که در جریان دیگر گونه‌های اجتماعی

اروپا پدید آمده و نماینده نیاز جامعه در دوره خاص خود بوده اند:

اولین مکتب ادبی اروپا در قرن شانزدهم یعنی در اوج نهضت رنسانس و اومنیسم پدید آمده، در قرن هفدهم گسترش یافته و دارای اصولی مدون شده است. این مکتب کلاسیسیزم نامیده می‌شود.

کلاسیسیزم: به طور معمول آثار ادبی کهن و قبول شده هر کشور را که دارای اصول و قواعد مدون و پذیرفته شده باشد، با صفت کلاسیک مشخص می‌کنند؛ ولی در شناخت مکتب‌های ادبی اروپا، آثار ادبی کلاسیک، به آثاری گفته می‌شود که متعلق به مکتب کلاسیسیزم باشد.

هنر کلاسیسیزم اصلی در حقیقت همان هنر یونان و روم قدیم است، که در قرن

شانزدهم در ایتالیا و اسپانیا؛ سپس در قرن هفدهم در فرانسه، به دنبال نهضت اومانیسم، سرمشق قرار گرفت، و هنرمندان فراوانی آثارشان را به پیروی از قواعد ثابت و مشخصی که از ادبیات یونان و روم، به ویژه از نظرات ارسسطو اقتباس شده بود پدید آوردنند. در نظر کلاسیک‌ها، هنر اصلی شاعر یا نویسنده، رعایت دقیق اصول و قواعد کلاسیسیزم بود. قواعد کلاسیسیزم عبارت بود از: تقلید از آثار خردمندانه، توجه به طبیعت، پایبندی به اصول مذهبی و اخلاقی، رعایت خوشایندی و آموزنده‌گی، روشنی و ساده‌گی و حقیقت‌نمایی اثر، وجود هماهنگی در آن و حفظ وحدت موضوع، زمان و مکان. در دوره کلاسیک‌ها هنر به طبقه اعیان و اشراف اختصاص داشت. نماینده گان معروف این مکتب عبارت بودند از «میلتون»، «فرانسیس بیکن» و «بن جانسون» در انگلستان و «ورنی» و «راسین» در فرانسه.

**رمانتیزم:** نهضت رمانیک در اوایل قرن هشدهم و آغاز قرن نزدهم پا به پای انقلاب صنعتی پدید آمد. پیروان این مکتب معتقد بودند که شکل‌ها، سنت‌ها و قید و بندھای مکتب کلاسیک، شاعر و نویسنده را از درک درست طبیعت و لذت بردن از آن و بیان و توصیف صحیح باز می‌دارد. آن‌ها قواعد و قالب‌های کهن را در هم شکستند و به جای اهمیت دادن به عقل و منطق، هنر را بر پایه احساس، تخیل، تصویر، عشق، ذوق، قریحه و بیان آزادانه احساس بنیان نهادند و هنر را در راه خدمت به مردم به کار گرفتند. بعدها این نهضت بر موسیقی و نقاشی نیز اثر گذاشت.

رمانتیزم از کلمه «رُمان» گرفته شده است. تا قرن یازدهم و دوازدهم، موضوعات ادبی، ماجراهای پهلوانی شوالیه‌ها و مردان شمشیرزن، و کارهای شگفت‌انگیز و خارق العاده به زبان رومی بود، که رمان نامیده می‌شد؛ ولی کلاسیک‌ها آثار خود را به زبان لاتینی می‌نوشتند. از این رو پیروان مکتب رمانیزم که مخالف مکتب کلاسیک بودند، خود را رمانیک نامیدند.

رمانتیک‌ها تنها به زیبایی توجه نداشتند؛ بلکه به شرح و بیان و توصیف حالات قهرمان و تمایلات و آرمان‌های او نیز می‌پرداختند. نماینده گان مهم مکتب رمانیک عبارت بودند از: «ژان ژاک روسو»، «شاتوبریان»، «ویکتور هوگو»، «لامارتن»، «آلفرد دوموشه»، «مادام استاندال» و «آلفرد دووینی» در فرانسه، «شیلر» و «گوئته» در آلمان، «بایرون» در انگلستان و «لُرمان توف» و «پوشکین» در روسیه.

**ریالیزم:** مکتب ریالیزم در اواسط قرن نزدهم به عنوان واکنشی در برابر مکتب رمانتیزم پدید آمد. ریالیزم یعنی واقع‌گرایی.

بنیان‌گذار این مکتب «بالزاک» فرانسوی است. «چارلز دیکنز» از انگلستان، و «داستایوسکی» و «تولستوی» از روسیه، از نویسنده‌گان نامی این مکتب اند.

**ناتورالیزم:** طرفداران این مکتب به این امر باور دارند که طبیعت آنچنان‌که دیده و درک می‌شود در آثار ادبی و هنری شان انعکاس داده شود و به صیقل نمودن واقعیت‌های بیرون ذهن انسان پرداخته نشود.

**سمبولیزم:** سمبولیزم از واژه «سمبول» به معنای نماد، گرفته شده است سمبولیست‌ها گروهی از شاعران فرانسوی بودند که در اواخر قرن نزدهم، در برابر مکتب ریالیزم و ناتورالیزم به پا خاستند. آن‌ها از شیوه بیان صریح در شعر خودداری می‌کردند و افکار و عواطف خود را با اشارات رمزی و استعاری و سمبولیک (نمادین) بیان می‌داشتند. این نهضت بعدها در هنرهای دیگر نیز رایج شد. آن‌ها در آثار خود به خواب و خیال و رؤیا و رازهای نهفته روان، و اندیشه‌های دور و دراز توجه داشتند.

سمبولیست‌ها شاعران ناامید و بدین بودند، و این حالت در انتخاب موضوع و چگونه‌گی توصیف در شعر آن‌ها آشکار است.

سمبولیست‌ها، پدیده‌ها و اشیا را چیزی ثابت و خارج از تصویر درونی شان نمی‌پنداشتند. آن‌ها معتقد بودند که واقعیت اشیا همان درکی است که ما به واسطه حواس خود از آن‌ها در درون ذهن خود داریم.

سمبولیست‌ها زبان شعر را در هم ریختند و کوشیدند که شعرشان مانند موسیقی با کمک وزن و آهنگ، احساسات و عواطفی را که با زبان معمول نمی‌توان بیان داشت، به خواننده القا کنند. بدین ترتیب آن‌ها در شکل شعر و در ترکیب و کاربرد کلمات و وزن شعر، آزادی نامحدودی قابل بودند.

«موریس مترلینگ»، «ادگار آلن پو» و «شارل بودلر» از نماینده‌گان معروف این مکتب استند.

مکتب‌های دیگر ادبی که بعد از مکتب سمبولیسم پدید آمده اند به ترتیب عبارت اند از: سوریالیزم، امپرسیونیزم، پارناسیزم، دادیزم، وریزم، فوتوریزم، ناتوریزم، و یومانیزم.

## توفیق‌ها

مکتب‌های ادبی اروپایی، با مکتب کلاسیک آغاز می‌شود و اساسی‌ترین تعریفی که از این مکتب ارائه می‌شود، «بازگشت به هنر قدیم یونان و روم به تبع نهضت یومانیزم و رنسانس است.»



## بخوانیم و بدانیم

۱. مکتب عبارت است از راه، روش سبک و شیوه‌هایی که دارای قواعد مشخص بوده و آفرینش آثار ادبی یا هنری بر مبنای پیروی از آن قواعد شکل گرفته باشد.
۲. اولین مکتب ادبی اروپا در قرن شانزدهم یعنی در اوچ نهضت رنسانس پدید آمد، در قرن هفدهم گسترش یافته و دارای اصولی مدون شده است.
۳. رمانیست‌ها معتقد بودند که شکل‌ها، سنت‌ها و قید و بندهای مکتب کلاسیک، شاعر و نویسنده را از درک درست طبیعت و استفاده از آن و بیان و توصیف صحیح باز می‌دارد. آن‌ها قواعد و قالب‌های کهن را درهم شکستند و به جای اهمیت دادن به عقل و منطق، هنر را بر پایه احساس، تخیل، تصور، عشق، ذوق، قریحه و بیان آزادانه احساس بنیان نهادند.
۴. ریالیزم یعنی واقع‌گرایی. هنرمند ریالیست در آفرینش اثر خود جهان را آن چنان که هست باز می‌نماید، نه آن چنان که باید باشد.
۵. مکتب ناتورالیزم (طبیعت‌گرایی) در اوخر قرن نزدهم پدید آمد. در این مکتب نویسنده در اثر خود به تقلید طبیعت می‌پردازد.
۶. سمبلیزم از واژه «سمبول» به معنای نماد، گرفته شده است. سمبلیست‌ها گروهی از شاعران فرانسوی بودند که در اوخر قرن نزدهم، در برابر مکتب ریالیزم و ناتورالیزم به پا خاستند. آن‌ها از شیوه بیان صریح در شعر خودداری می‌کردند، و افکار و عواطف خود را با اشارات رمزی و استعاری و سمبلیک (نمادین) بیان می‌داشتند.



## درست بنویسیم

- تعریف الف مقصوره: در عربی «الف مقصوره» یا بی «ی» است در پایان واژه‌ها، که «آ» خوانده می‌شود. چنین واژه‌ها در املای دری، مانند اصل عربی نوشته می‌شوند؛ مانند: عیسی، موسی، مصطفی، معنی، مرتضی، یحیی، فتی، حتی، مجتبی، صغیری،

کبری، اعلی، ادنی، الی، اولی.

- تعریف تنوین: تنوین، نون ساکنی است که در پایان اسمای عربی درمی‌آید و تلفظ می‌شود؛ اما نشانه صدای «ن» نوشته نمی‌شود؛ مانند: صراحتاً، مجازاً، اصطلاحاً و....  
بنا بر قاعده کلی و رایج، در پایان واژه مورد نظر، یک «الف» می‌افزاییم و بالای آن «دو زیر» می‌نویسیم؛ مانند: اصلاً، احتمالاً، اساساً، حتماً، قسماً، عیناً، رأساً، مثلاً، ابداً، فوراً، مختصراً، حقیقتاً، نسبتاً، موقتاً، ذاتاً، عجالتناً، ندرتاً.  
در زبان عربی در پایان واژه‌های مختوم به همزه، الفی افزوده و نشانه تنوین را برسران می‌گذارند؛ مانند: استثناءً، جزءاً و ابتداءً؛ اما در زبان دری، الف حذف شده و نشانه تنوین «دو زیر» برسرهمزه نوشته می‌شود؛ مانند:

- استثناءً
- جزءاً
- ابتداءً

چون تنوین ویژه زبان عربی می‌باشد در زبان دری به جای تنوین می‌توان واژه‌ها را چنین نگاشت: در اصل، به طور اجمالی، به طور احتمالی، به طور اساسی، به طور حتمی، به طور مثال و ...

## کار گروهی و سخنرانی

- شاگردان در دو گروه مقابل هم قرار گرفته و در مورد پرسش‌های زیر باهم گفتگو کنند؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه بحث را به دیگران انتقال دهد:
  - ۱- اولین مکتب ادبی اروپایی در کجا و چه وقت به وجود آمد؟
  - ۲- رومانیست‌ها چگونه عقیده داشتند؟
  - ۳- در باره مکتب ریالیزم چه می‌دانید؟
  - ۴- مکتب ناتورالیزم چگونه مکتب است؟

## املا و نگارش

۱. متى را که معلم گرامی به خوانش می‌گيرد به صورت املا در كتابچه‌های خود بنويسيد.
۲. چند کلمه بنويسيد که مختوم به الف مقصوره و مختوم با تنوين باشد.

## خود آزمایی

۱. مکتب چیست و مکتب‌های ادبی چه معنایی را افاده می‌کند؟
۲. نخستین مکتب ادبی اروپا چه وقت به وجود آمده، در کدام عهد گسترش یافته و دارای کدام اصولی مدون شده است؟
۳. کلاسیسم چیست و آثار کلاسیک به چه نوع آثاری گفته می‌شود؟
۴. رمانیست‌ها در تخلیق آثار ادبی معتقد به چه چیزی بودند؟
۵. ریالیزم چیست و هنرمند ریالیست در آفرینش اثر خود بیشتر به چه چیزی توجه دارد؟
۶. الف مقصوره چیست و چگونه باید نوشته شود؟
۷. سمبولیزم چیست و شیوه بیان آن چگونه است؟

## کار خانه‌گی

۱. تفاوت‌های عمدۀ میان مکتب‌های ادبی کلاسیسم و رمانیزم را در حداقل یک صفحه شرح دهید؟
۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:

گل‌ها تمام پنبه گوش تغافل اند  
وضع خموش ما ز سخن دلشین تر است

بلبل به هرزه سرنگنی داستان ما  
با تیر احتیاج ندارد کمان ما  
بیدل
۳. متن کامل درس هژدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

## درس هزاردهم

شاگردان به پرسش‌های آتی پاسخ دهند:

- ۱- ازدواج چیست؟ توضیح دهید.
- ۲- پیامبر خدا درباره نکاح چه فرموده‌اند؟
- ۳- آیا در نکاح رضایت دخت و پسر بالغ شرط است؟ توضیح دهید.
- ۴- محدث بزرگ امام بخاری رحمة الله عليه در باره پیوند ازدواج چه گفته است؟
- ۵- ازدواج اجباری در جامعه سبب بروز کدام عوامل و مشکلات می‌گردد؟ توضیح دهید.

### ازدواج‌های اجباری

الله متعال پیوند ازدواج را از نشانه‌ها و آیات خود در روی زمین خوانده و در مورد این رشتة مقدس و مبارک در سوره الروم، آیه ۲۱ فرموده است: ترجمه: و از نشانه‌های خداوند این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان تان مؤدت و دوستی و رحمت قرار داد. بدون شک درین چیزها نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند. به ارتباط تفسیر و فواید و آموختنی‌های این آیه مبارکه چند نقطه در خور دقت و تأمل است:

- ازدواج یکی از نشانه‌های علم و قدرت خداوند الله است که تفکر و اندیشه در اسرار و حکمت‌ها و فواید آن باعث عمق شناخت و معرفت خداوند و تقویت ایمان می‌شود.
- تأکید و تصریح بر این که زن و مرد هر دو از یک جنس بوده و از نظر انسانی یعنی خصایص و حقوق انسانی باهم برابر اند.
- ازدواج نظام و قانونیت الهی است که از طرف خداوند الله تشریع شده و ازین سبب دارای قدسیت و جایگاه مهم است.
- هدف از ازدواج رسیدن انسان‌ها (زن و مرد) به آرامش روانی، اجتماعی و حتی اقتصادی می‌باشد. زنده‌گی آرام و پر از سعادت و اطمینان و استقرار در گرو پیوند

ازدواج است.

- اساس و بنیاد پیوند مبارک و میمون ازدواج مؤدت، محبت، دوستی، رافت، رحمت و دلسوزی متقابل بین خانم و شوهر است. ازدواجی را که فاقد این عناصر بنیادین و مهم باشد از نظر قرآن کریم نمی‌توان ازدواج کامل و موفق خواند.

به خاطر همین اهمیت حیاتی ازدواج است که دین اسلام پیروان خود را به ازدواج و تشکیل خانواده امر نموده و در آیات قرآن کریم و احادیث نبوی بر ضرورت پیوند ازدواج تأکید جدی صورت گرفته است.

پیامبر ﷺ ازدواج را راه و روش یعنی سنت خویش خوانده و فرموده اند: نکاح و ازدواج از سنت و روش من است و هر کسی سنت من را ترک کند از جمله اتباع و پیروان من نیست.

چون ازدواج از جمله مهمترین عقود به شمار می‌رود و در قرآن کریم از آن به «میاث غلیظ» یعنی پیمان بسیار مستحکم و قوی یاد شده است؛ بنابراین در فقه اسلامی به رضایت هر دو طرف عقد ازدواج یعنی زن و مرد در صورتی که عاقل باشند توجه و اهتمام جدی صورت گرفته است و عقدی که در آن رضایت یکی از عاقدان موجود نباشد فاقد اعتبار شرعی است.

محدث بزرگ امام بخاری (رح) در صحیح بخاری بایی را چنین عنوان گذاری کرده است: «اگر پدری دخترش را در حالی به ازدواج بدهد که او (دختر) راضی نیست نکاح او مردود است».

در حدیثی بُریده بن عبد الله از ام المؤمنین عایشه رض روایت کرده است که یکی از صحابه‌ها نزد ام المؤمنین عایشه رض آمده و گفت که پدرش وی را بر خلاف رضا و رغبت او به ازدواج با پسر کاکایش وادر می‌کند. حضرت عایشه به دختر گفت: «صبر کند تا پیامبر ﷺ تشریف بیاورند» وقتی پیامبر ﷺ تشریف آوردند پدر دختر را نزد خود خواسته به او امر کردند تا دخترش را به ازدواج باکسی که رضایت ندارد مجبور نسازد.

پس از آن دختر به پیامبر اکرم ﷺ گفت: که با ازدواج با پسر کاکایش موافق است و خاطرنشان ساخت که برای آن این کار را کرد تا همه بدانند که کسی دخترش را به زور به کسی که دختر به او راضی نیست به نکاح داده نمی‌تواند.

وجود اکراه و اجبار در ازدواج علاوه از باطل ساختن عقد ازدواج، سبب می‌شود تا اهداف، فواید و اغراضی را که خداوند متعال برای ازدواج و کانون خانواده تشریع فرموده است به دست نیاید؛ زیرا ازدواجی که از روی جبر و زور صورت گرفته باشد هیچ گاهی باعث به میان آمدن فضای مؤدت، محبت، و رحمت و دلسوزی بین زن و شوهر نشده بر عکس مخالفت، دلسردی، بعض، کینه، و سایر پدیده‌های منفی را بین زن و شوهر به وجود می‌آورد که سبب فروپاشی کانون خانواده می‌گردد.

از آثار و پیامدهای منفی و خطرناک جبر و اکراه در ازدواج نتایج ناگوار رابطه سرد و تیره همسران بر فرزندان است که به خاطر وجود جار و جنجال‌های دائمی میان والدین از عطوفت و شفقت و بر آورده شدن ضرورت‌های مادی و روانی که برای تربیت سالم آنان ملزم و حیاتی می‌باشد، محروم مانده با روان و ذهن پر از عقده بار می‌آیند که در نتیجه زنده‌گی آینده آنان توأم با مشکلات زیادی برای خود آنان و دیگران خواهد بود.

بدون شک فرزندان به فضای گرم پر از محبت و صمیمیت و رحمت و شفقت خانواده‌گی نیاز دارند و تنها خانواده‌ها و والدین قادر به تقدیم فرزندان صالح و سالم به جامعه اند که رابطه پدر و مادر و سایر اعضای خانواده در آن خانواده مستحکم و مملو از اصل قرآنی باشد.

ضرر دیگر وجود اکراه و اجبار در ازدواج این است که اگر این پدیده منفی و غیر اسلامی در جامعه شیوع پیدا کند سبب بروز مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی فراوان برای جامعه و نهادهای مربوط به آن در تمام عرصه‌های زنده‌گی می‌شود. این به آن سبب است که از نظر علم جامعه‌شناسی خانواده واحد هسته اساسی تشکیل جامعه بوده و به صورت مثبت و منفی بر روند اجتماعی تأثیر گذار است. بسیاری از مشکلات و نا بسامانیهای اجتماعی ریشه در مشکلات خانواده‌گی داشته و حل آن‌ها بدون حل مشکلات خانواده‌ها ممکن و میسر نمی‌باشد.

با ایقان می‌توان اسباب بسیاری از مشکلات و نا بسامانی‌های اجتماعی در جامعه افغانستان مانند: دشمنی، خصومت، جنگ، مخالفت‌های ذات البینی و حتی عوامل برخی از جرایم خطرناک را در ازدواج‌های اجباری و پیامدهای ناگوار آن جستجو کرد.

وجود ازدواج‌های اجباری یکی از مشکلات اجتماعی بعضی جوامع انسانی است

که متأسفانه کشور عزیز ما افغانستان نیز در مواردی با آن دچار بوده و بسیاری از خانواده‌ها از آن رنج می‌برند. زنان بنابر عوامل و اسباب مختلف آسیب پذیرترین قشر جامعه مصدوم از ازدواج اجباری بوده بیشتر از زنان از پیامدهای زیان‌بار این مرض اجتماعی متضرر می‌شوند.

قوانین نافذ کشور نیز از سالیان دراز به این سو بر منوعیت اجرار در ازدواج با صراحة تاکید دارد؛ مگر بنابر عوامل مختلف، به خصوص عدم آگاهی برخی از مردم از احکام شریعت اسلامی، ضعف التزام و پابندی به احکام دینی، وجود رسم و رواج‌های خرافی و مخالف با دین اسلام و تعلیمات انسان‌ساز آن، هنوز هم در بعضی موارد رضایت دختر یا پسر بالغ در امر ازدواج و عقد نکاح در نظر گرفته نمی‌شود که پیامدهای ناگوار آن بر زنده‌گی قربانیان این چنین ازدواج‌ها به طور کامل مشهود بوده و سرنوشت صدھا جوان اعم از مرد و زن را به سوی تاریکی و تباھی سوق می‌دهد.

مبازه با پدیده شوم ازدواج اجباری مانند مبارزه با سایر امراض و مشکلات اجتماعی رسالت و مسؤولیت دولت، افراد و خانواده‌ها، رسانه‌ها و مؤسسات تعلیمی و منابر مساجد و تکایا می‌باشد. درین ارتباط نقش و مسؤولیت علمای دینی، دانشمندان، فرهنگیان و اهل قلم و اندیشه بسیار جدی و مهم است.

نقطه بسیار مهم و جوهری که باید به ارتباط راهکارهای مبارزه با ازدواج‌های اجباری به حیث یک پدیده منفی اجتماعی و غیر اسلامی به آن توجه کرد این است که باید فرهنگ ناب و اصیل اسلامی در جامعه عام شود و نسل‌های امروز و فردای کشور ما اعم از زنان و مردان بر بنیاد ایمان، عقاید، احکام و ارزش‌های ناب اسلامی به صورت متوازن و به دور از افراط و تفریط تربیت گردد. در نظام تعلیم و تربیة کشور ما به سه اصل مهم اصلاح فرد، خانواده و جامعه، در روشنی احکام و تعلیمات و ارزش‌های دین اسلام به حیث نظام و قانون مکمل و همه جانبه زنده‌گی، توجه جدی و مناسب به عمل آمده است.

وقتی که آگاهی، فرهنگ، اخلاق و تربیت اسلامی در جامعه ترویج یافته پابندی به احکام و ارزش‌های والای انسانی اسلام به حیث نظام و قانون زنده‌گی عام شود بدون تردید مظالم، مفاسد، ناهنجاری‌ها و انحرافات از جامعه رخت بر می‌بندد و جایی برای امراض اجتماعی از جمله ازدواج‌های اجباری باقی نمی‌ماند.

این کار از راه تشرییک مساعی مخلصانه بین ملت و دولت و هماهنگی میان نهادهای تعلیمی، تربیتی و اجتماعی و رسانه‌هایی که با اخلاق و جدیت برای خیر و بهبود ملت کار و مسؤولانه و مثبت عمل می‌کنند.

**توضیحات** ۱- ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری روز جمعه سیزدهم شوال سال ۱۹۴ هجری قمری در بخارا دیده به جهان گشود؛ وی جهت فراگیری علم و جمع آوری احادیث به کشورهای مصر، حجاز، شام و عراق سفر کرد.

امام بخاری ششصد هزار حديث را جمع آوری نمود که از جمله حدود چهار هزار حديث را در کتاب صحیح ثبت کرده است و در مدت ۱۶ سال صحیح البخاری را تکمیل کرده و به عمر ۶۲ ساله‌گی چشم از جهان پوشید.

۲- عایشه ام المؤمنین دختر ابو بکر صدیق رض بود که پیامبر صلی الله علیہ و آله و سلم در سن پنجاه ساله‌گی با او ازدواج کرد.

حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها از جمله باذکارترين و هوشيارترین امهات المؤمنين شمرده می‌شد و از همه آن‌ها به سنت و حديث پیامبر صلی الله علیہ و آله و سلم آگاه‌تر بود. به همین جهت بسياری از بزرگان اصحاب و قتی درباره بعضی احکام دچار اشكال می‌شدند. آنرا از عایشه(رض) می‌پرسیدند و پیامبر بر حافظ بودن علم و حديث او گواهی داده است.

۳- بُرَيْدَةُ بْنُ حَصِيبٍ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَارِثٍ رض از ساکنین مدینه بود پیش از غزوه بدر به ابو عبدالله مسلم مشهور بود، در صلح حدیبیه حضور داشت. از مدینه به بصره رفت و از آنجا غرض جهاد عازم خراسان گردید؛ و در سال ۶۳ هجری قمری در مرو وفات کرد.

۴- صحابیات: زنانی که در صحبت رسول اکرم صلی الله علیہ و آله و سلم حضور داشتند. جمع کلمه «صحابیه» است یعنی زنی که از جمله اصحاب بود؛ ولی در زبان عربی چون تفکیک واژه‌های نشان‌دهنده انان و ذکور وجود دارد، ازین‌رو زن و مرد را مانند زبان دری صحابی یا صحابه نمی‌گویند و جمع آن هم به «ات» از همین رو شده است.



## بخوانیم و بدانیم

۱\_ ازدواج، یکی از نشانه‌های علم و قدرت خدا <sup>تعالیٰ</sup> است که تفکر و اندیشه در اسرار و حکمت‌ها و فواید آن باعث عمق شناخت و معرفت خداوند <sup>تعالیٰ</sup> و تقویت ایمان می‌شود.

۲\_ تأکید و تصریح براین که زن و مرد هر دو از یک جنس بوده و از نظر انسانیت یعنی خصایص و حقوق انسانی با هم برابر اند.

۳\_ اساس و بنیاد پیوند مبارک و میمون ازدواج مؤدت، محبت، دوستی، رحمت و دلسوزی متقابل بین زن و شوهر است. ازدواجی را که فاقد این عناصر بنیادین و مهم باشد از نظر قرآن کریم نمی‌توان ازدواج کامل و موفق خواند.

۴\_ از آثار و پیامدهای منفی و خطرناک جبر و اکراه در ازدواج نتایج ناگوار رابطه سرد و تیره همسران بر فرزندان است که به خاطر وجود جارو و جنجال‌های دائمی میان والدین از عطفت و شفقت و برآورده شدن ضرورت‌های مادی و روانی که برای تربیت سالم آنان مبرم و حیاتی می‌باشد، محروم بمانند.

۵\_ وجود ازدواج‌های اجباری یکی از مشکلات اجتماعی بعضی جوامع انسانی است که متأسفانه کشور عزیز ما افغانستان نیز در مواردی با آن دچار بوده و بسیاری از خانواده‌ها از آن رنج می‌برند.



## درست بنویسیم

هر گاه واژه‌های مختوم به «الف مقصوره» در جمله‌ها مضاف، موصوف، منسوب و یا در عبارت‌ها و ساختارهای دستوری دیگر واقع شوند «ی» به صورت الف «ا» نوشته می‌شود و قاعدة واژه‌های مختوم به «ا» بر آن‌ها تطبیق می‌گردد؛ مانند:

عیسای مریم

عیسی

موسای کلیم الله

موسی

معنای واژه‌ها، واژه‌های چندین معنایی

معنی

لیلی	لیلای ذکی
شورای	شورای وزیران
یحیی	یحیای برمکی
هر گاه این گونه واژه‌ها منسوب قرار گیرند، در زبان عربی به صورت زیر نوشته می‌شوند:	
موسی	موسی
عیسی	عیسوی
معنی	معنوی
مصطفی	مصطفوی
موسی	موسایی
عیسی	عیساوی
معنی	معنایی
مصطفی	مصطفاوی
و اما در املای زبان دری اشکال زیرین را به خود می‌گیرند:	

## کار گروهی و سخنرانی

- ۱\_ شاگردان به دو گروه تقسیم شوند گروه اول پیرامون ازدواج و گروه دوم پیرامون ازدواج‌های اجباری به بحث و گفتگو پردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نمایند.
- ۲\_ چند تن از شاگردان پیرامون عوامل ناگوار ازدواج‌های اجباری صحبت کنند.

## املا و نگارش

- ۱\_ متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲\_ با در نظر داشت قواعد املایی که در بالا خواندید، متنی را بنویسید.

## خود آزمایی

- ۱\_ در باره ازدواج های اجباری، محمد ﷺ چه فرموده اند؟
- ۲\_ ضرر اکراه و اجبار در ازدواج چیست؟
- ۳\_ ازدواج و اهمیت آن در زنده گی را چگونه فهمیده اید؟
- ۴\_ اسلام چه حقی را در مورد اختیار همسر برای فرزندان اعطاء کرده است؟ بیان دارید.
- ۵\_ وجود اکراه و اجبار در ازدواج علاوه از باطل ساختن عقد ازدواج کدام مسایل دیگر را در پی دارد؟

## کارخانه‌گی

- ۱- در باره فواید ازدواج در زنده گی، متنی در یک صفحه بنویسید.  
اگر هوشمندی به معنی گرای که معنی بماند ز صورت به جای  
سعده
- ۲- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

## نزد هم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریفاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در پایان همین سوال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

- ۱- احمد شاه بابا که بود؟ ۲- او در کدام زمان می‌زیست؟
- ۳- او در کجا و در کدام سال وفات یافت؟ ۴- مهمترین آثار او چه نام دارد؟
- ۵- شما اشعار دری احمد شاه بابا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

### احمد شاه بابا و نمونه شعر دری آن



احمد شاه بابا، در سال ۱۱۰۱ هـ. ش. تولد و بعد از ۲۵ سال سلطنت در سال ۱۱۵۱ هـ. ش. به عمر پنجاه ساله گی وفات یافت.

احمد شاه بابا مرد متدين بود. او به عرف و عادات پسندیده ملی احترام داشت.

احمد شاه بابا بعد از پادشاه شدن، ثابت کرد که آگاه از اوضاع داخلی کشور و مطلع از اوضاع سیاسی و نظامی ممالک همجوار افغانستان است و هم قادر است که از این اوضاع به نفع افغانستان استفاده کند. شرایط داخلی و اوضاع ممالک همجوار نیز برای تشکیل یک دولت مستقل در افغانستان مساعد بود.

احمد شاه بابا را به واسطه خدمات، اخلاق و تقوای شخصی او پدر می‌خوانند؛ زیرا احمد شاه بابا تنها پادشاهی بود که در افغانستان تاج بر سر نمی‌نهاد، دستار می‌بست و به طور مستقیم با مردم در تماس می‌شد، با تواضع و پیشانی گشاده سخن می‌زد، در حل و فصل قضایا انصاف را مدنظر می‌گرفت.

در عین حال از قوانینی که خود گذاشته بود، جدی از آن پیروی می‌نمود. او در هیچ

جنگی از مقابل دشمن فرار نکرده بود و در برابر اهالی کشور متواضع و ملایم بود. خشوع و خمیدن را در تشریفات، تحریم نمود. او خانواده و اقارب خود را از مداخله و اشتراک در امور دولت دور نگهداشت، او هشت پسر داشت به نام‌های (سلیمان، تیمور، شهاب، سنجیر، یزدان، سکندر، داراب و پرویز).

احمد شاه بابا مصارف دربار را کمتر کرد و معاش کارکنان دولت و سپاه را سر وقت می‌پرداخت. دفاتر مالی، معاش، دخل و خرچ دولت وسیع و منظم بود. او هم‌چنین در پایتخت دوازیری تشکیل کرد؛ از قبیل وزارت (در منزله صدارت) دیوان اعلی (وزارت مالیه)، خزانه‌داری دفتر ضبط بیگی (امینه و کوتوالی) و غیره.

### مقام ادبی احمد شاه بابا

احمد شاه بابا علی‌رغم این که یک مرد سیاسی، نظامی و فاتح و کشور گشا بود؛ با شعر و ادب نیز علاقه‌مندی وافر داشت و علماء و دانشمندان و هنرمندان را حمایت می‌کرد. عده زیادی از علماء و دانشمندان در دربار وی جمع شده هر شام پنجشنبه دعوت مجلل ترتیب و محفل علمی بر پا می‌کرد. تمام دوره جوانی حیاتش در میدان جنگ سپری شد. احمد شاه از ایام پادشاهی تا زمان وفاتش مشغول امور مملکت داری بود؛ ولی با آن‌هم در ادب و ادبیات دسترسی کامل داشت و به هر دو زبان دری و پشتو شعر می‌گفت که اینک در زیر نمونه‌یی از شعر دری او را نقل می‌کنیم:

چو بر من تیر مژگان می‌زند آن شوخ گلگونم	چو لاله داغ بر دل تاسرا پا غرق در خونم
ز سوز دل همی بارم شب و روز اشک حسرت را	ز خون دل نشسته بر کنار رود جیحونم
ز سوز آتش عشقت که چون افروخت بر دلها	زیس سوز ددم هر گز نمی‌دانم که من چونم
نمی‌پرسی ز من اما بین حال دل و جانم	که از غیرت فتاده بر زمین چون بید مجذونم
به گرد گنج رویت چون بدیدم اثر در دلها	همی سوزم همی نالم ندانم خویشتن چونم
ولی «احمد» ز تو دارد همین یک آرزوی خود	به دیدارت رسم ماند ز گریه چشم جیحونم

## بخوانیم و بدانیم



- ۱- احمد شاه بابا در سال ۱۱۰۱ هـ. ش. تولد و بعد از ۲۵ سال سلطنت و در سال ۱۱۵۱ هـ. ش. به عمر پنجاه ساله گی وفات یافت.
- ۲- او در ضمن کشورداری به شعر و ادب نیز علاقه داشت و به هردو زبان دری و پشتو شعر می‌سرود.

## درست بنویسیم



- در زبان دری واژه‌های اسماعیل، اسحق، ابراهیم، رحمن و امثال آن را باید با «الف» یعنی: اسحاق، اسماعیل، ابراهیم و رحمان بنویسیم.
- کلماتی، مثل: زکوه، صلوة(صلات)، مشکوه، توریة و حیوة، باید به همان گونه که تلفظ می‌شوند، نوشته شوند، یعنی: زکات، صلات، مشکات، تورات، و حیات.

## کار گروهی و سخنرانی



- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت و کارنامه‌های احمدشاه بابا به بحث و گفتگو بپردازنند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نماید.
- ۲- چند شاگرد در مورد تصویر سخنرانی کنند.



مرقد احمدشاه بابا در قندهار

## املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسید.
- ۲- سوانح احمد شاه بابا را در چند سطر بنویسید.

## خود آزمایی

- ۱- احمد شاه بابا به اجرای چه کارنامه‌هایی شهرت داشت؟
- ۲- در مورد دیانت و شجاعت احمد شاه بابا چه آموخته اید؟ ارائه دارید.
- ۳- احمد شاه بابا در کدام سال تولد شد؟ چند سال حکومت کرد و سرانجام در چند ساله‌گی وفات یافت؟

## کارخانه‌گی

- ۱- نقش احمد شاه بابا را در تشکیل افغانستان کنونی توضیح دهید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:  
کرا دانش و جود و تقیوی نبود      به صورت درش هیچ معنی نبود  
سعدي
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امر وز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریفاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در آخر معرفی، همین سوال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

۱. آرشیف چیست؟
۲. آرشیف ملی افغانستان در کدام زمان به میان آمده است؟
۳. آرشیف ملی در کجاست و چند بخش دارد؟
۴. در آرشیف ملی چه چیزهای نگهداری می‌شود؟
۵. به نظر شما مهمترین اثر موجود در آرشیف ملی کدام است؟

## آرشیف ملی افغانستان

«آرشیف ملی افغانستان» اداره‌یی است که هم‌زمان با «موزیم ملی» ایجاد گردیده و در آن اسناد تاریخی از قبیل فرمان‌های وثایق، قباله‌های نکاحنامه‌های روزنامه‌های عکس‌های اسناد دولتی، حکمنامه‌های مصوبات تاریخی، اقرانامه‌های معاهدات دولتی، تصاویر آزادی خواهان و آثار نادر چاپی نگهداری می‌شود.

آثار اولی که در موزیم ملی افغانستان نگهداری می‌شد، نسخه‌هایی از قرآن کریم، تفاسیر و کتبی را احتوا می‌کرد، که با خط زیبا نگاشته شده و دارای لوحه‌های میناتوری و جدول‌های طلاکاری شده بود. با گذشت زمان آثار دیگری نیز جمع‌آوری شد، که باعث غنامندی «موزیم ملی» و «آرشیف ملی» گردید.

در واقع منبع آرشیف ملی افغانستان کتابخانه‌یی است که در زمان امیر حبیب الله خان تنظیم و در زمان شاه غازی امان الله به کتابخانه ملی مبدل گشت. در این زمان نسخه‌های اسناد دست نویس و خطاطی شده جمع‌آوری گردید و بنیاد «کتابخانه خطی افغانستان» در منزل پنجم وزارت اطلاعات و فرهنگ گذاشته شد و در سال ۱۳۵۲ هـ. ش. به «آرشیف ملی» مسمی گردیده ساخته شد و در سال ۱۳۵۲ هـ. ش. به «آرشیف ملی» مسمی گردیده ساخته شد.

این ساخته شده که خود یک اثر تاریخی است، در زمان پادشاهی امیر عبدالرحمن خان در محوطه باغ چرم‌گری کابل بنا یافته که از جمله بهترین باغ‌های شهر کابل به شمار می‌رفت و پس از اعمار جاده سالنگ، در زمان ریاست جمهوری محمد داودخان، در کنار آن جاده قرار گرفت.

گرچه تاریخ دقیق ساخت این بنا آشکار نیست؛ اما نظر به روایاتی بنای آن پس از اعمار بستان سرای کابل، یعنی در سال ۱۳۱۰ خورشیدی به منظور دفتر کار شاهزاده حبیب الله خان ساخته شد.



«آرشیف ملی افغانستان» به طور رسمی در سال ۱۳۵۶ هـ. ش. گشایش یافت و با ثبت آن در یونسکو، شهرت جهانی را کسب نمود.

آرشیف ملی دارای دوبخش عمده نسخ خطی و اسناد تاریخی است که در تالار نسخ خطی آن پیرامون پانزده هزار جلد کتاب پشتو، دری، عربی و بعضی از نسخه‌های خطی زبان‌های دیگر، دست نوشته‌هایی از قرآن کریم در چندین نسخه، رساله‌ها، دیوان‌ها، کتب ادبی، تاریخی، فلسفی، و قطعه خط‌ها موجود است.

تالار اسناد تاریخی آرشیف ملی، شامل یکصد و شصت هزار قطعه سند تاریخی از قبیل فرمان‌ها، وثایق، قباله‌ها، نکاحنامه‌ها، روزنامه‌ها، عکس‌ها، اسناد دولتی، حکمنامه‌ها، تصاویر آزادی خواهان و آثار نادر چاپی مصوبات تاریخی، اقرارنامه‌ها، معاهدات دولتی، تصاویر آزادی خواهان و آثار نادر چاپی می‌گردد که قدیم‌ترین فرمان متعلق به سلطان حسین بایقرا (قرن نهم هجری) و تازه‌ترین آن فرمان توزیع زمین متعلق به سال ۱۳۵۷ خورشیدی است؛ همچنان فرامین احمد شاه بابا، تیمورشاه و دیگر شاهان نیز در آرشیف ملی افغانستان نگهداری می‌گردد.

در آرشیف ملی نسخه‌یی از قرآن کریم وجود دارد که تعداد مجموعی صفحات آن به سی صفحه میرسد و در هرورق آن یک پاره کامل قرآن عظیم الشأن با هنر خط هفت قلم، خطاطی و با آب طلا هر صفحه آن تذهیب کاری شده است. دیدن این نسخه و توجهی که در خطاطی و گنجانیدن یک پاره کامل در هرورق آن به عمل آمده است، انسان را به حیرت و امیدارد.

از جمله نسخه‌های دیگر خطی قران کریم که در آرشیف ملی نگهداری می‌شوند، نسخه‌یی نیز وجود دارد که بر پوست آهو با خط میخی نوشته شده است. زمان نوشتن آن به دوره حضرت عثمان حَفَظَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ خلیفه سوم مسلمانان منسوب می‌شود؛ همچنان نسخه‌های خطی و لوحه‌های میناتوری دوران تیموری نیز در آرشیف ملی افغانستان موجود است.

از جمله عکس‌های قدیمی از عصر امیر شیرعلی خان تا این اواخر در آرشیف نگهداری می‌شود؛ همچنان اولین بانک‌نوت کاغذی که در دوران اعلیحضرت امان الله خان رایج گردید در آرشیف ملی محفوظ می‌باشد.

در این اواخر وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان، دو اثر دست نوشته تاریخی دیگر را از یک کتاب فروش شهر کابل خریداری کرده و به آرشیف ملی سپرده است. اثر نخستین، جلد چهارم سراج التواریخ، دستنویس خود مؤلف (فیض محمد کاتب هزاره) بوده که تا حال چاپ نگردیده است و اثر دومی اسناد و مکاتیب رسمی تبادله شده بین امیر عبدالرحمان (خان) (پادشاه افغانستان) و حکومت انگلستان در نیم قاره هند می‌باشد.

## توضیحات

يونسکو: نهاد تربیتی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحده، یکی از دفاتر تخصصی است که در سال ۱۹۴۵ میلادی تشکیل شد. هدف این سازمان کمک به صلح و امنیت در جهان از راه همکاری بین‌المللی در زمینه‌های آموزشی، علمی و فرهنگی می‌باشد و ۱۹۱ کشور عضو یونسکو هستند. مقر آن در پاریس پایتخت فرانسه است و دفترهایی در کشورهای مختلف دارد.



## بخوانیم و بدانیم

۱. «آرشیف» کلمه‌یی است فرانسوی که معنای آن: ثبت و حفظ اطلاعات، اسناد و عملکردهای مربوط به گذشته، به منظور استفاده در حال و آینده است.
۲. «آرشیف ملی افغانستان» اداره‌یی است که در آن اسناد تاریخی از قبیل فرمان‌ها، وثایق، قباله‌ها، نکاحنامه‌ها، روزنامه‌ها، عکس‌ها، اسناد دولتی، حکمنامه‌ها، مصوبات تاریخی، اقرارنامه‌ها، معاهدات دولتین، تصاویر آزادی خواهان و آثار نادر خطی چاپی نگهداری می‌شود.
۳. «آرشیف ملی افغانستان» در سال ۱۳۵۶ هـ. ش. به طور رسمی گشایش یافت و با ثبت آن در سازمان یونسکو، شهرت جهانی را کسب نمود.
۴. آرشیف ملی دارای دو بخش عمده نسخ خطی و اسناد تاریخی است. سالون اسناد تاریخی آرشیف ملی، شامل یکصد و شصت هزار قطعه سند تاریخی و سالون نسخ خطی در برگیرنده پانزده هزار جلد رساله، دیوان، کتب ادبی، تاریخی، فلسفی، و دستنویس است.
۵. قدیم‌ترین فرمان موجود در «آرشیف ملی» متعلق به سلطان حسین بایقرا (قرن نهم هجری) و تازه‌ترین آن فرمان توزیع زمین متعلق به سال ۱۳۵۷ خورشیدی است.
۶. در آرشیف ملی، نسخه‌یی از قرآن کریم وجود دارد که بر پوست آهو با خط میخی نوشته شده و زمان نوشتن آن به دوره حضرت عثمان صلی الله علیه و آله و سلم خلیفه سوم مسلمانان منسوب می‌شود.
۷. اولین بانک‌نوت کاغذی که در دوران اعلیحضرت غازی امان الله خان رایج گردید، در آرشیف ملی محفوظ می‌باشد.



درست

بنویسیم

- کلمه‌هایی که در عربی به صورت قراءة، دناءة، اساءة، براءة و... نوشته می‌شوند، در زبان دری باید به صورت قرائت، دنائت، اسائت برائت و... نوشته شوند.
- واژه‌های عربی هم‌وزن «تفعیل» باید با دو {ی} نوشته شوند؛ مانند: تعیین، تمییز، تغییر.



## کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده، گروه اولی در مورد «اهمیت آرشیف ملی» و گروه دوم در مورد این که «چگونه می‌توان از خراب شدن آثار آرشیف ملی جلوگیری نمود؟» باهم بحث و گفتگو کنند؛ سپس نتیجه را از هر گروه یک نفرشان به دیگران در برابر صنف بیان نمایند.
۲. چند تن از شاگردان در مورد «ارزش ملی و تاریخی» تصویر بالا در برابر صنف سخنرانی کنند.

## املا و نگاش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.
۲. درباره «اهمیت تاریخی آرشیف ملی» متنی بنویسید، که کمتر از هفت سطر نباشد.

## خود آزمایی

۱. آرشیف چیست و چه معنایی را افاده می‌کند؟
۲. در «آرشیف ملی افغانستان» چه چیزهایی نگهداری می‌شود؟
۳. «آرشیف ملی افغانستان» در چه زمانی این نام را به خود گرفت و در کدام سال به طور رسمی گشایش یافت؟
۴. آرشیف ملی دارای چند بخش است؟ نام ببرید.
۵. آرشیف اسناد تاریخی، چه چیزهایی را در خویش جا داده است؟
۶. قدیم‌ترین و تازه‌ترین فرمان موجود در «آرشیف ملی» متعلق به کدام زمان است؟
۷. واژه‌های دناءة، براءة، تعین را در زبان دری، باید چگونه بنویسیم؟

## کار خانه‌گی

۱. درباره آرشیف ملی معلومات تان را در چند سطر بنگارید.
۲. این ایات را به حافظه بسپارید:

حدیث نیک و بد ما نوشته خواهد شد  
بهای خار و خس آشیانه ویرانیست  
هزار کاخ بلند ار بنا کند صیاد  
پروین اعتضامی
۳. متن کامل درس بیست و یکم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس  
بیست  
و یکم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در اخیر معرفی، همین سوال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱. عروض را تعریف کنید.
۲. علم عروض چه چیزی را به ما می‌آموزاند؟
۳. مشهورترین بحرهایی را که دری زبانان در ان بسیار شعر سروده اند، نام ببرید.

## علم عروض

وزن درشعر کلاسیک دری، یکی از ارکان مهم و اساسی آن به شمارمی‌رود، که تعیین و تثیت آن به وسیله شمارش هجاهای و حروف ساکن و متخرک واژه‌ها صورت می‌گیرد؛ اما این کار جز به کمک و یاری «علم عروض» میسرنیست.

وجود وزن درشعر کلاسیک ما، این ویژه‌گی را به شعر بخشیده است که سخن از نوعی آهنگ برخوردار شود و نشانه وجود آهنگ موسیقی منظم درشعرهم از ترتیب و توالی منظم هجاهای وقطع منظم صدا در مقاطع همگون آوای است، که این نظم و ترتیب صدایها به فاصله‌های معین زمانی نوعی موسیقی را به وجود آورده است.

برای دریافت وزن شعر، ناچاریم مصراع‌های شعر را تقطیع عروضی کنیم و یا به عبارت دیگر آن را به چند پارچه تقسیم کنیم؛ اما قبل از آغاز به آموختن روش تقطیع، باز هم ناگزیریم از چند نکته مهم آگاهی حاصل کنیم:

- علم عروض درمجموع از یک سلسه اوزان قانونمند و پذیرفته شده بحث می‌کند که هریک آن را به نام «بحر» می‌شناسند. تعداد مجموعی این بحرهای عروضی در زبان دری به نزد بحرمی‌رسد که از جمله شانزده بحر آن را دانشمندان زبان عربی بنا نهاده اند و سه بحر دیگر را دری زبانان بدان افزوده اند. همه این بحرها از قالب‌های مخصوصی تشکیل شده اند که به نام «ارکان یا افاعیل و یا تفاعیل عروضی» یاد می‌شوند و تعداد این «تفاعیل» یا تفعله‌ها به هشت می‌رسد، که به شرح زیر است:

۱. فُوْلُن۲. فَاعِلُن۳. مَفَاعِيلُن۴. فَاعِلَاتُن۵. مُفَاعِلُن۶. مُفَاعَلُن۷. مَفَاعَلَاتُن۸. مَفَعُولَاتُن

هریک ازین تفعله‌ها از دو بخش تشکیل یافته‌اند: سبب و وتد.

سبب: در لغت ریسمان را گویند و در اصطلاح عروضیان کلمه‌یی را می‌نامند که

از دو حرف تشکیل یافته باشد. حال اگر حرف دوم کلمه ساکن باشد، آن را «سبب خفیف» گویند؛ مانند: سر، گل، غم. و اگر حرف دوم کلمه نیز متحرک باشد، آن را به نام «سبب ثقلیل» می‌شناسند؛ مانند: رمه، گله. (در علم عروض، «ه» غیرملفوظ و «و» مجھول به شمارش نمی‌آیند).

وتد: در لغت میخ خیمه و در اصطلاح عروض کلمه‌یی را گویند که از سه حرف تشکیل شده باشد. اگر حرف سوم آن ساکن باشد، «وتد مجموع» نامیده می‌شود؛ مانند: دهن، شرف، سبد؛ اما اگر حرف دومی ساکن باشد، در آن صورت «وتد مفروق» نام دارد؛ مانند: ژاله و لاله.

عالی را کرد مشکین بوی زلف آشنایی  
باز در پوشید گیتی تازه و رنگین قبایی  
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

ت در زبان عربی عدد (۸) را ثمانیه و هر چیزی را که از هشت جزء یا رکن تشکیل شده باشد «مُثْمَن» می‌گویند؛ همچنان اشعار چهار رکنی «مربع» و اشعار شش رکنی به نام «مسدس» خوانده می‌شوند.



## بخوانیم و بدایم

۱. وزن در شعر کلاسیک دری، یکی از ارکان مهم و اساسی آن به شمارمی‌رود، که تعیین و تثیت آن به وسیله شمارش هجاهای و حروف ساکن و متحرک واژه‌ها صورت می‌گیرد.

۲. وجود وزن در شعر کلاسیک، این ویژه‌گی را به شعر بخشیده است که سخن از نوعی آهنگ و موسیقی برخوردار شود.

۳. علم عروض از یک سلسله اوزان قانونمند و پذیرفته شده بحث می‌کند که هر یک آن اوزان به نام «بحر» یاد می‌شود.

۴. تعداد مجموعی بحرهای عروضی در زبان دری به نزدیک بحر می‌رسد که از جمله شانزده بحر آن را دانشمندان زبان عربی بنا نهاده اند و سه بحر دیگر را دری زبانان بدان افزوده اند.

۵. سبب در لغت ریسمان را گویند و در اصطلاح عروضیان کلمه‌یی را می‌نامند که از دو حرف تشکیل یافته باشد.

۶. وتد در لغت میخ خیمه و در اصطلاح عروض، کلمه‌بی است که از سه حرف تشکیل شده باشد.

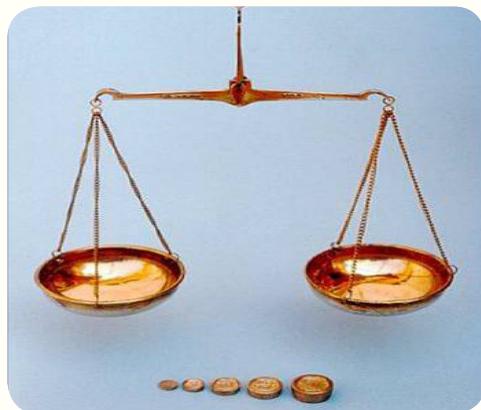


### درست بنویسیم

- ترکیبات عربی مستعمل در زبان دری جدا نوشته می‌شوند؛ مانند: ان شاء الله، عن قریب، مع هذا، مع ذلك، من جمله، على هذا، من بعد؛ اما اگر «الف ولام عربی» در میان آن‌ها قرار گرفته باشد، به همان شکل عربی نوشته می‌شوند؛ مانند: عند المطالب، عند الطلب، مع الخیر، على الدوام.
- هر گاه واژه «ابن» در آغاز و پیش از اسم خاص آید، چنین نوشته می‌شود: ابن سینا، ابن بطوطه، ابن رشد، ابن احمد، ابن زید. و اما اگر «ابن» در بین دو اسم خاص آید، {آن در نوشته حذف می‌شود؛ مانند: محمد بن احمد دقیقی بلخی، عیسی بن مریم، یحیی بن خالد بر مکی، حمزه بن حسن اصفهانی، حمزه بن علی.
- نوشتن واژه‌های عربی بلوی، تقوی، قوى، مبتلى، مصفى و مستثنى در زبان دری با {الف} مرجع دانسته می‌شود؛ مانند: بلو، تقو، قوا، مبتلا، مصفا، مستثنا.

### کار گروهی و سخنرانی

۱. در مورد مفاهیم کلی درس باهم گفتگو نموده؛ سپس نتیجه را یک نفر در مقابل صنف قرار گرفته به دیگران انتقال دهد.
۲. چند شاگرد در برابر صنف قرار گرفته درباره این تصویر و پیوند آن با علم عروض دو - دو دقیقه سخنرانی کنند.



## املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.
۲. بادر نظر داشت قواعد املایی که در بالا خواندید، در کتابچه‌های تان متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد و حداقل پنج کلمه از آنچه خواندید، در آن به کار رفته باشد.

## ۲ خود آزمایی

۱. تعیین و تثیت وزن شعر در زبان دری چگونه صورت می‌گیرد؟
۲. در شعر کلاسیک ما، چه چیزی سبب شده که سخن از نوعی آهنگ و موسیقی برخوردار شود؟
۳. علم عروض را تعریف کنید.
۴. سبب و وتد از یکدیگر چه تفاوت دارند؟
۵. واژه «ابن» و ترکیبات عربی مستعمل در زبان دری چگونه نوشته می‌شوند؟ مثال دهید.

## کار خانه‌گی

۱. بیت زیر را اساس قرار داده در رابطه چند سطrix بنویسید.  
شکوه تاج سلطانی که بیم جان در و درج است  
کلاهی دلکش است اما به ترک سر نمی‌ارزد
۲. این بیت‌ها را به حافظه بسپارید:  
هیچ نه معلوم شد آه که من کیستم  
ساحل افتاده گفت گرچه بسی زیستم  
هستم اگر می‌روم گر نروم نیستم  
موج ز خود رفته‌یی تند خرامید و گفت  
علامه اقبال
۳. متن کامل درس بیست و دوم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

# درس بیست و دوم

- شاگردان به پرسش‌های آتی پاسخ‌های مناسب دهند:
- ۱- در بارهٔ دانش و اهمیت آن چه می‌دانید؟ توضیح دهید.
  - ۲- سنایی غزرنوی در بارهٔ دانش و هنر چه گفته است؟
  - ۳- سنایی غزرنوی در کدام سال تولد و در کدام سال وفات کرد توضیح بدهید؟

## دانش و هنر

شاخ بی بار دل بگیراند  
خُنک آنرا که علم شد دمساز  
سینه شان چرخ و نکته شان اختر  
آنچه زوبه درون جان بنگار  
خواندن علم و کار ناکردن  
بداناز نیک نادان به  
تخم بی مفرز بس ثمر ندهد  
آن نه عمر آن فضول بود و گذشت  
زین چنین عمر عقل بگریزد  
پیر دانش نه پیر چرخ کهن

جان بی علم تن بمیراند  
علم باشد دلیل نعمت و ناز  
روزگارند اهل علم و هنر  
گوش سوی همه سخن‌ها دار  
حجه ایزد است در گردن  
نیک نادان در اصل نیک منه  
کار بی علم بار و بر ندهد  
آن جوانی که گرد غفلت گشت  
مرد عاقل ز لهو پرهیزد  
جز به تدبیر پیر کار مکن

\*\*\*

گرچه پژمرده شود بار قبول آرد بر  
زند آسیب و لیکن نکند زیر و زبر  
تا هنر با خرد آمیخته گردد ز عبر  
هر کرا بهر هنر بخت پرورد ببر

بیخ اقبال که چون سرزند از باغ هنر  
دولت با هنران را فلک مرد افگن  
گوشمالی دهد ایام و لیکن نه به خشم  
کی ز دوران فلک طعمه تشویر شود

از قفا خوردن ایام چه ننگ آید و عار  
 کار چون راست بود مرد کجا گیرد نام  
 که هم اسباب بزرگیست هم آیات خطر  
 از چنین حادثه‌ها مردان گردند سمر  
 شیر پر زور نه از پایه خواریست به بند  
 سگ طماع نه از بهر عزیزیست به در

**آن مددیها** حکیم ابوالمجد مجدد بن آدم سنایی در مدینة الاولیا غزنی در  
 یک خانواده علمی و عرفانی در سال ۴۷۳ هـ ق. چشم به جهان گشود.  
 تحصیلاتش را در مدارس عالی آنجا به اتمام رسانیده و بر تمام دانش‌های  
 معمول و متداول زمان خود دست یافت و در سال ۵۴۵ هـ ق. مطابق ۱۰۲۹ هـ ش. وفات  
 یافت.

۱- **خُنک:** - خوب و خوش، خجسته، خوشای.  
 ۱- «علم کز بهر باغ و راغ بود همچو مر دزد را چراغ بود»  
 هرگاه علم و دانش به خاطر زیبایی‌های ظاهری و زودگذر دنیا فراگرفته شود مانند  
 دزدی که چراغ بر دست گرفته پی مقصود خود رود.



### بیاموزیم

- ۱- حیکم سنایی غزنی در سال ۴۷۳ هـ ق. در مدینة الاولیا غزنی دیده به جهان گشود.
- ۲- بیت سوم (روزگارند اهل علم و هنر...) یعنی مردمان دانشمند و با هنر سینه شان مانند آسمان بزرگ و مملو از دانایی است و سخنان ایشان مثل ستاره‌ها که در شب به آسمان زیبایی بخشیده اند روشنی بخش است.
- ۳- بیت پنجم (حجه ایزد است در گردن...) دلیل این که ما علم می‌آموزیم آن است

که در عمل کردن به آن بکوشیم و آن کاری را که پروردگار ما امر کرده است آن را انجام دهیم و چیزهای را که نهی کرده از آن پرهیز کنیم.

۴- بیت دوازدهم (بیخ اقبال که چون سر زند از باع هنر...) نهالی که از باع هنر سر زند گرچه بر اثر حوادث روزگار پژمرده هم شود باز هم ثمر خوب می‌دهد یعنی اگر انسان هنرمند به اثر ناملایمات روزگار به مشکل دست تنگی هم دچار گردد و بالاخره به وسیله هنر و کمالش بار دیگر به خوشبختی می‌رسد.

۵- بیت پانزدهم (کی ز دوران فلک طعمه تشویر شود...) هر کسی که در باع هنر تربیت یافت و به بخت و اقبال رسید هیچ‌گاه از دوران یا گردش روزگار روی شرمساری را نمی‌بیند.

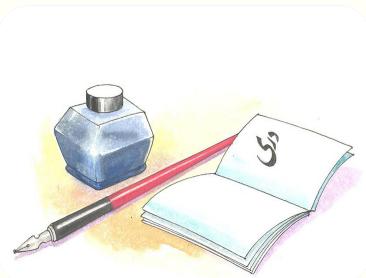
### درست بنویسیم

• هر گاه حرف پایانی واژه، «الف» باشد، در هم کناری با افعال استنادی (استم، استیم، استی، استید، است، استند و اند)، الف از آغاز همه این‌ها به استثنای (اند) حذف می‌شود؛ مانند:

• استم: تنها ستم، • استیم: جدا ستم، • استی، داناستی، • استید: بیناستید،  
• است: جویاست • استند: گویاستند.

اما الف آغازین (اند) به «ی» مبدل می‌شود؛ مانند: پیدایند، زیبایند، گیرایند.

### کار گروهی و سخنرانی



۱- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و پیرامون مفهوم بیت‌های (چهارم و ششم) صحبت کنند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان کند.

۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده مفهوم شعر دانش و هنر را به صورت مختصر شرح دهد.

### املا و نگاش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- با در نظر داشت و رعایت قواعد املایی که در بالا خواندید، در کتابچه‌های تان یک متن بنویسید.

### خود آزمایی

- ۱- جان بی علم تن بمیراند شاخ بی بار دل بگیراند منظور شاعر از بیت فوق چیست؟
- ۲- کلمه خنک در بیت دوم چه معنا دارد؟
- ۳- در باره مفهوم شعر دانش و هنر چه می‌دانید؟
- ۴- یک بیت از شعر دانش و یک بیت از شعر هنر را با هم ارتباط داده معنا کنید.

### کار خانه‌گی

- ۱- شاگردان در مورد علم و دانش یک مقاله بنویسند.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

علم چندان که بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست نادانی سعدی
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گشایید.

## درس بیست و سوم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در آخر معرفی، همین

سؤالها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱. ژانرهای چیست؟ مفهوم آن را در یک داستان بیان دارید.
۲. آثار ادبی را با چه معیارهایی ارزشیابی می‌کنند؟
۳. ژانرهای ادبی به چند دسته تقسیم می‌شوند؟
۴. در ادبیات دری بر روی کدام ژانر کمتر کار شده است؟
۵. قدیم‌ترین اثر ژانرهای نمایشی در کشور ماچه نامدار و موضوع آن چیست؟

### ژانرهای انواع ادبی

مفهوم ژانر، برگرفته از کلمه فرانسوی و اصل واژه لاتینی (Genus) به معنای نوع، دسته و گونه است. در بررسی‌های ادبی، اصطلاح ژانر به اشکال مختلف به کار می‌رود تا به تمایز میان انواع آثار ادبی و تعیین اقسام آن بر حسب شکل، موضوع و ویژه‌گی‌های فنی اشاره کند: نوع نمایشی (حماسی، تغزلی و دراماتیک)، نوع رابطه با واقعیت (داستانی، غیرداستانی)، نوع پررنگ (کمدی، تراژیدی)، ماهیت و محتوا (رمان تاریخی، رمان ماجرایی) و... تا پیش از قرن بیست نامهای ژانری به عنوان رده‌های عام برای دسته‌بندی شمار زیادی از متون، کاربرد گسترده‌یی داشت؛ به ویژه این مفهوم نقش مهمی در طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری ادبیات ایفا کرده بود.

تقسیم بندی ادبیات به «ژانرهای ادبی» از دوران یونان باستان معمول بوده است. ژانرهای اصلی که در آن دوران برای شعر قابل بودن، عبارت از: حماسه، شعر غنایی، کمدی، هجو و تراژیدی. امروز علاوه بر تقسیم بندی‌هایی که از دوران گذشته برای شعر در نظر گرفته شده بود، نثر نیز به انواع گوناگون؛ مانند: رمان، داستان کوتاه، نمایشنامه، مقاله، طنز، شرح حال و... تقسیم بندی شده است و به طور کلی هر یک از انواع سنتی و شاخه‌های فرعی آن در شعر و انواع مختلف نثر، ژانر ادبی جداگانه‌یی به شمار می‌آیند.

در ادبیات قدیم دری، هیچ یک از تقسیم‌بندی‌های سنتی و جدید ژانرهای ادبی، معمول و رایج نبوده است. شعر تنها بر حسب شکل ظاهری و طرز قرار گرفتن قافیه‌ها و اغلب بدون توجه به موضوع و محتوای آن تقسیم بندی شده است. این قالب‌ها

عبارتند از: قصیده، غزل، قطعه، مسمط، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، رباعی، دویتی، مثنوی، مستزاد، بحر طویل و فرد. این تقسیم‌بندی علاوه بر آن که حوزه نشر را دربر نمی‌گیرد، معمولاً براساس موضوع و محتوا نیست و بیشتر بر پایه تعداد تقریبی بیتها و نیز طرز به کار گرفتن قافیه در آن‌ها مشخص می‌گردد.

حال که کاستی‌های تقسیم‌بندی ادبیات دری آشکارشد، باید به دنبال الگوی دیگری باشیم تا بتوانیم تمامی آثار ادبی گذشته خود (اعم از نظم و نثر) را، با توجه به آن، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم. شاید تقسیم‌بندی آثار ادبی بر «ژانرهای ادبی» جامع‌ترین این روش‌ها باشد؛ زیرا «ژانرهای ادبی» حد و مرز خاصی نمی‌شناشد و آثار ادبی را تنها از دیدگاه محتوا و بار عاطفی تقسیم‌بندی می‌کند و از سوی دیگر این روش برهمه آثار ادبی جهان قابل تطبیق است. البته یادآوری این نکته نیز ضروری است که تعیین حد و مرز دقیق این ژانرهای و قرار دادن آثار ادبی در آن، امری است نسبی و دراین امر، تنها روح غالب اثر در نظر گرفته می‌شود؛ مانند: شاهنامه فردوسی مایه‌هایی از شعر تعلیمی و غنایی و حتا نمایشی را با خود دارد و یا غزل‌های «بیدل» که در نوع غنایی دسته‌بندی می‌شود، با رگه‌هایی از تعلیم آمیخته است و شعرهای تعلیمی نظیر بوستان سعدی نیز با جلوه‌هایی از نوع غنایی همراه است. از این رو در تقسیم‌بندی این آثار فقط روح کلی حاکم بر یک اثر ادبی در نظر گرفته می‌شود.

۱. **ژانر حماسی**: حماسه درلغت به معنای دلاوری، شجاعت و رجز است و در اصطلاح، اثربنده است که در آن از جنگ‌ها و دلاوری‌های قهرمانان سخن گفته می‌شود. مضامین حماسی به صورت داستان‌های توأم با اعمال پهلوانی و خوارق عادات و کارهای شکفت‌انگیز روایت می‌شود. قهرمانان رویدادهای حماسی، بیشتر ابر مردان نامجویی استند که برای کسب افتخارات و حفظ استقلال یک ملت می‌کوشند و نبرد می‌کنند و جنگ‌های آنان نوعی نبرد میان خیر و شر است که به صورت جریان دائمی در بستر حوادثی جالب و عبرت آموز به سوی سرنوشت‌های حتمی به پیش می‌رود. حماسه‌ها به طور کلی به صورت منظمه (شعر) است. با این همه، حماسه‌هایی نیز به نثر به وجود آمده است. برای مثال می‌توان به شاهنامه ابو منصوری اشاره کرد که به نثر نوشته شده است. به جز شاهنامه فردوسی، منظمه‌های حماسی دیگری نیز در قلمرو ادبیات پدید آمده که هر چند به لحاظ ارزش حماسی و پرداخت هنری به پایه شاهنامه

فردوسی نمی‌رسند؛ اما ذکرnam برخی از آنان خالی از لطف نیست که از جمله می‌توان به منظومه‌های حماسی «گرشا سبب‌نامه اسدی طوسی»، «بهمن‌نامه»، «فرامرز‌نامه» و «برزو نامه» اشاره کرد.

**۲. ژانر غنایی:** غنا در لغت به معنای سرود، نغمه و آواز خوش و طرب انگیز است و اثر غنایی به شعر و نثری گفته می‌شود که گزارشگر عواطف و احساسات شخصی شاعر از عشق، دوستی، رنج، نامرادی و هر آنچه روح آدمی را متأثر می‌کند، باشد. این احساسات و اندیشه‌ها می‌توانند عاشقانه، دینی، فلسفی یا اجتماعی باشند. غزل‌های عاشقانه، آثار عرفانی، آثار هجو آمیز یا طنز گونه، مدیحه، نعتیه، مرثیه و توصیف طبیعت همه ژانر غنایی محسوب می‌شوند. در ادب دری، از نخستین دوران پیدایش آن تا به امروز، ژانرهای غنایی چه در قالب‌های شعر و نثر و چه در انواع شعرنو به وجود آمده است.

اصطلاح «غنایی» به منظومه‌های داستانی عاشقانه که جنبه روایی دارند و شاعر در آن‌ها از احساسات و اندیشه‌های قهرمانان داستان سخن می‌گوید، نیز اطلاق می‌شود. منظومه‌های داستانی از قبیل «ویس و رامین» اثر فخر الدین اسعد گرگانی، خسرو و شیرین، لیلی و مجnon نظامی گنجوی و... در شمار شعر غنایی محسوب می‌شوند. از معروف‌ترین شاعران و نویسنده‌گانی که به خلق آثار غنایی پرداخته اند می‌توان از حافظ، سعدی، جامی، سنایی، مولانا، نظامی و غیره نام برد، که معاصران نیز چنین آثاری ایجاد کرده اند.

**۳. ژانر تعلیمی:** آن است که هدف آفریننده آن، آموزش اخلاق و تعلیم اندیشه‌های فلسفی، عرفانی، اجتماعی، دینی یا علوم و فنون باشد. در زبان دری نمونه‌های فراوانی از انواع مختلف ژانر تعلیمی وجود دارد که بیش ترین سهم در این زمینه ویژه شعرهایی است که محتوای اخلاقی و فلسفی دارند.

آثار اغلب شعرای غیر درباری، سرشار از زمینه‌های تعلیمی است. کسایی مروزی، ناصر خسرو بلخی، ابوالفضل بیهقی، شیخ فرید الدین عطار، مولانا جلال الدین محمد بلخی، ملک الشعرا قاری عبدالله، استاد بیتاب، حیدری وجودی، عبدالرازق فانی و... آثار فراوانی در این زمینه آفریده اند. بخش عمده‌یی از آثار متصوفه و اشعار عرفانی، با تعلیم همراه است و در شمار آثار تعلیمی به حساب می‌آید؛ اما بزرگ‌ترین اثر تعلیمی، «بوستان» سعدی است که از طرف شاعران متعدد مورد تقلید قرار گرفته است.

**۴. ژانر نمایشی:** هنرنمایش را «مادر همه هنرها» نامیده اند؛ زیرا در آن همه هنرها حضور دارند و تشریک مساعی می کنند. شعر، موسیقی، نقاشی، حرکات موزون، عماری و... هر کدام به تنها بی یک هنر کامل به شمار می روند؛ اما هنگامی که به عرصه هنرنمایش وارد می شوند، به عنوان یک عنصر تشکیل دهنده این هنر انجام وظیفه می کنند.

محققان سابقه نمایش در سرزمین ما را تا سه قرن قبل از میلاد ریشه یابی کرده و شواهدی بر حضور این هنر به شکل ابتدایی آن ارائه کرده اند. از جمله به تعزیه نامه و نمایشنامه بی به نام «ایاتگار زریران» اشاره می کنند. ایاتگار زریران (یادگار زریر) اثری بوده است منظوم با موضوع جنگ های «زریر» و برادرش گشتاسپ (پادشاه کاوی بلخی) با ارجاسپ تورانی خیونی، که می خواستند دودمان سلطنت بلخی را از قبول آین اوستایی منصرف سازند. در نتیجه جنگی سخت میان طرفین در گرفت و گشتاسپ و طرف دارانش بر دشمن غلبه حاصل نمودند.

این اثر در قرن ششم میلادی از صبغه اصلی خویش برگردانده شده و صورت پهلوی سasanی به آن داده شده است. از همین جهت تا همین اواخر تصویر می رفت، که این اثر یک رساله منتشر است؛ اما پس از تحقیقات و پژوهش ها و کاوش های ژرف و دامنه دار، در فرجام «بن و نیست» - زبان شناس فرانسوی - به اثبات رسانید که این اثر در اصل منتشر نه؛ بلکه منظوم بوده و قدامت تاریخی آن به سه قرن قبل از میلاد می رسد، که بعدها - در قرن ششم مسیحی - آن را به پهلوی سasanی برگردان نموده اند، که با پیرایه سasanی شکل نخستین خود را از دست داده و در اثر تداخل و تناقض واژه ها، ایات هفت هجایی آن، شکل نثر را به خود اختیار نموده است.

نخستین وجه مشخصه ژانر نمایشی، ساده گی و بی پیرایه گی در بیان و زیان است. سروده های مربوط به این ژانر که بیشتر از زبان مداحان، روضه خوانان و تعزیه خوانان شنیده می شود، اغلب به زبان ساده و نزدیک به زبان عامیانه است. این نوع سروده ها به گونه همگانی در وزن های عروضی بوده و بحره ای که برای آن ها انتخاب شده، بحره ای کوتاه است. در متن های قدیمیتر گفتگوها و همچنین روایت داستان به صورت قطعه های چند بیتی تنظیم شده که طول آن ها متفاوت و بیشتر در قالب مسمط، مثنوی، مستراد و گاه بحر طویل است.



۱. مفهوم ژانر، برگرفته از کلمه فرانسوی و اصل واژه لاتینی (Genus) به معنای نوع، دسته و گونه است. در بررسی های ادبی، اصطلاح ژانر به اشکال مختلف به کار می رود تا به تمایز میان انواع آثار ادبی و تعیین اقسام آن بر حسب شکل، ویژه گی های فنی و موضوع اشاره کند.
۲. حماسه در لغت به معنای دلاوری، شجاعت و رجز است و در اصطلاح، اثری است که در آن از جنگ ها و دلاوری های قهرمانان سخن گفته می شود.
۳. غنا در لغت به معنای سرود، نغمه و آواز خوش و طرب انگیز است و اثر غنایی به شعر و نثری گفته می شود که گزارشگر عواطف و احساسات شخصی شاعر از عشق، دوستی، رنج، نامرادی و هر آنچه روح آدمی را متأثر می کند، باشد.
۴. ژانر تعلیمی آن است که هدف آفریننده آن، آموزش اخلاق و تعلیم اندیشه های فلسفی، عرفانی، اجتماعی، مذهبی یا علوم و فنون باشد.
۵. نخستین وجه مشخصه ژانر نمایشی، ساده گی و بی پیرایه گی در بیان و زبان است. سروده های مربوط به این ژانر که بیشتر از زبان مدادهان، روضه خوانان و تعزیه خوانان شنیده می شود، اغلب به زبانی ساده و نزدیک به زبان عامیانه است.



### درست بنویسیم

- اعداد ترکیبی، تاحد ممکن یکجا نوشته می شوند؛ مانند: هفتصد، ششهزار، پنجصد؛ اما در جایی که امکان پیوستن آن نباشد، در آن صورت جدا نوشته می شوند؛ مانند: بیست و چهار، هشتصد و یک، دو هزار و یازده؛ همچنان اگر پیش از عدد دومی، «ه» غیرملفوظ قرار داشت در آن صورت نیز جدا نوشته می شود؛ مانند: سه صد.
- واحدهای شمارش، توزین و مقیاس جدا نوشته می شوند؛ مانند: هفت سیز گندم، سه چارک کشمش، هشت پاو زعفران، یک دانه قلم، شش دست دریشی، ملی گرام، ملی لیتر، کیلو گرام، سانتی متر و....

## کار گروهی و سخنرانی



۱. شاگردان در مورد ژانر حماسی در گروه‌ها با هم مباحثه نموده، نتیجه را یک نفر به دیگران بیان نماید.
- ۲- چند شاگرد به نوبت در باره ژانر نمایشی سخنرانی نمایند.

## املا و نگارش



- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.
۲. در مورد «نظافت کوچه‌ها و سرک‌ها» متنی بنویسید که در آن اعداد ترکیبی و واحدهای شمارش حد اقل پنج - پنج بار آمده و از هفت سطر کم نباشد.

## خودآزمایی



۱. ژانر را تعریف نموده و موارد کاربرد آن را نام ببرید.
۲. حماسه چیست و در ادبیات به کدام گونه آثار، حماسی می‌گویند؟
۳. آثار غنایی چگونه آثاری را می‌گویند؟
۴. در مورد ژانر تعلیمی و ژانرنمایشی چه می‌دانید؟
۵. اعداد ترکیبی، واحدهای شمارش، توزین و مقیاس چگونه نوشته می‌شوند؟ مثال دهید.

## کار خانه‌گی



۱. نمونه کلام «بیدل» (درس چهارم همین کتاب) را مطالعه نموده نظرات خویش را در ده سطر بنویسید که آن شعر مربوط به کدام ژانر ادبی می‌شود.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:  
دم تیغ است «بیدل» راه باریک سخن سنجی      زبان خامه هم شق داد از حرف آفرینی‌ها  
بیدل
۳. متن کامل درس بیست و چهارم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس  
بیست  
و چهارم

درس امروز توسطیک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریفاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در اخیر معرفی، همین سوالها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱. نقد چیست؟ ۲. فرق بین نقد و انتقاد چیست؟  
۳. نقد ادبی چه فایده دارد؟ ۴. انواع نقد را نام ببرید.

## نقد ادبی

نقد در لغت جدا کردن دینار و درهم، سره از ناسره و تمیز کردن خوب از بد و برگزیدن بهترین چیز را گویند. توضیح این که در ایام باستان پول در مجموع دونوع بود. پول نقره (درهم) و پول طلا (دینار). گاهی در دینار تقلب می‌کردند و به آن مس می‌آمیختند، که در این صورت عیار طلا پایین می‌آمد. ازین رو جدا کردن سره از ناسره را نقد نامیده اند؛ اما در اصطلاح ادب، نقد عبارت است از تشخیص محسن و معایب سخن و نشان دادن بد و خوب یک اثر ادبی.

در گذشته‌ها مراد از نقد به طور معمول این بوده است که معایب اثری را بیان کنند؛ اما در دوران جدید مراد از نقد ادبی نشان دادن معایب اثر نیست (هر چند ممکن است به این امر هم اشاراتی داشته باشد)؛ زیرا نقد ادبی به بررسی آثار درجه یک و مهم ادبی می‌پردازد و در این گونه آثار بیش از این که نقاط ضعف مهم باشد نقاط قوت مطرح است. لذا نقاد ادبی می‌کوشد با تجزیه و تحلیل آن اثر ادبی، نخست ساختار و معنای آن را برای خواننده گان روشن کند و در قدم دوم قوانینی را که باعث اعتلالی آن اثر ادبی شده است توضیح دهد؛ لذا نقد ادبی از یک سو به کارگرفتن قوانین ادبی در توضیح اثر ادبی است و از سوی دیگر کشف روش‌های تازه و ممتازی است که در آن اثر وجود دارد.

در مورد نقد ادبی آن قدر سخن گفته اند که امروز یکی از شاخه‌های مطالعات ادبی، نقدشناسی و بحث در مورد خود نقد است. عیب اثری را گفتن، اثری را وصف کردن، تجزیه و تحلیل اثر ادبی، دیگر گونه خواندن اثری، تأثر خود را از اثری بیان کردن و... اما همه این‌ها از یک سو در هر دوره‌یی فرق می‌کند و از سوی دیگر بسته‌گی به فلسفه یا سلیقه منتقد دارد؛ طور مثال: (میشل فوکو) نقد را چنین تعریف کرده است: «کار نقده، آشکار ساختن مناسبات اثر با مؤلف نیست و نیز قصد ندارد تا از راه متون، اندیشه یا تجربه‌یی را بازسازی کند؛ بلکه می‌خواهد اثر را در ساختار، شکل ذاتی و بازی

مناسبات درونیش تحلیل کند.»

خواننده‌گان به کمک منتقادان ادبی معیارهایی را به دست می‌آورند که آثار والا را بشناسند و بدین ترتیب به آثار سطحی توجهی نکنند و این باعث می‌شود که جریان‌های فرهنگی و ادبی در مسیر درست خود حرکت کنند و صاحبان ذوق، اندیشه، رأی و نبوغ مقام شایسته خود را باز یابند.

منتقد در تجزیه و تحلیل‌های خود علل بر جسته‌گی آثار را برای مردم توضیح می‌دهد و در این صورت گویی غیرمستقیم به مردم می‌فهماند که چه آثاری فاقد ارزش است. درنتیجه در کشورهایی که نقد ادبی رواج و اهمیت بیشتری دارد وضع نویسنده و شاعر نشر مطبوعات و جریان‌های فرهنگی معمولاً به درستی پیش می‌روند.

منتقد ادبی باید دقیق به علوم ادبی آشنا باشد تا از آن‌ها به عنوان ابزاری در تجزیه و تحلیل عوامل علو اثر ادبی بهره‌گیرد. منتقد ادبی علاوه بر آشنایی با بخش‌های مختلف نقد ادبی و علوم ادبی، باید فرد کتاب خوانده‌یی باشد و با بسیاری از دانش‌های دیگر چون سیاست، دین، مذهب، جامعه‌شناسی، فلسفه، روان‌شناسی و تاریخ آشنا باشد؛ زیرا آثار بزرگ ادبی برخلاف آنچه امروز می‌گویند فقط به لحاظ ادبی بودن آن‌ها نیست که شهرت و قبول می‌یابند؛ بلکه بسیار نکات باریک دیگری نیز وجود دارد، که در تعیین ارزش یک اثر نقش بازی می‌کند. به قول الیوت: «معیارهای ادبی فقط مشخص می‌کند که اثری ادبی است؛ ولی عظمت یک اثر تنها با معیارهای ادبی مشخص نمی‌شود. آیا اهمیت شاهنامه فقط به لحاظ مسائل ادبی است؟

### ۱- اهمیت و فایده نقد ادبی

۱. نقد ادبی امکان درک نکته‌های بدیع و لطیف آثار را فراهم می‌کند. در نتیجه خواننده می‌تواند از مطالعه آثار ادبی بهره‌گیرد و لذت ببرد.
۲. ارزش واقعی آثار ادبی را آشکار می‌کند و مشخص می‌سازد که رعایت چه قواعد و اصولی سبب شده تا اثری مورد قبول واقع شود و یا وجود چه عواملی سبب شده تا اثری مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد.
۳. نقد ادبی، وقتی مفید و دارای ارزش و اهمیت خواهد بود که بی‌طرفانه و دور از اغراض باشد.
۴. نقد ادبی، گذشته از این که سازنده و دارای اهمیت فراوان است، گاهی خود، نوعی آفرینش هنری نیز به شمار می‌رود.

## أنواع نقد يا مكتب‌های نقادي

### • نقد ساختاري

نقد ساختاري به نقدی گفته می‌شود، که مربوط به شکل ظاهر و صورت‌های عيني يك اثر ادبی باشد و آن خود نيز داراي گونه‌های است به شرح زير:

۱. نقد لغوی: بررسی و ارزیابی کاربرد زبان و اصول و قواعد آن در يك اثر ادبی است و همه انواع آثار ادبی (نظم و نثر) را شامل می‌شود.

۲. نقد فني: بررسی چگونه‌گي کاربرد فنون بلاغي درشعر، نشر که ميزان ارزش و اعتبار آن‌ها است.

۳. نقد زیباشناسی: بررسی جوهر هنر، به دور از محتواي خاص آن است. ريشه و اساس اين شيوه نقادي را می‌توان در نظریه‌های «کالريج» انگلیسي و «ادگار آلن پوي» آمریکایي دریافت.

### • نقد معنائي

نقد معنائي به نقدی گفته می‌شود که با محتوا و درون‌مايه اثر ادبی ارتباط دارد و آن نيز داراي گونه‌های زيرین است:

۱. نقد اخلاقی: از قدیمي ترین شیوه‌های نقد ادبی است. درین نوع نقد ارزش‌های اخلاقی، اصل و ملاک نقادي شمرده می‌شود. افلاطون در شعر و درامه به تأثير اخلاقی و اجتماعی اثر توجه می‌کند و ارسطو نيز معتقد است که هدف شعر باید تصفیه و تزکیه نفس باشد. در اروپا، اهل کلیسا در قرون وسطی شعر را به سببی که در خدمت اخلاق نبوده، غذای شیطان و مايه فساد و ضلالت می‌دانند.

۲. نقد اجتماعی: عبارت است از نشان دادن ارتباط ادبیات با جامعه و تأثير جامعه در ادبیات و هم‌چنین تأثير ادبیات بر جامعه. (میپولیت تن) از منتقدان مشهور نقد اجتماعی است و ادبیات را محصول سه عامل (زمان، محیط اجتماعی و نژاد) می‌داند.

۳. نقد تاریخي: اگر منتقدی برای تحلیل اثر ادبی، حوادث يا امور مربوط به تاریخ را مورد بررسی قرار دهد و به بحث در باب حیات شاعر و نویسنده و معاصران او و يا روابط او با هم‌عصران و يا احیاناً به تحقیق در باب استناد و مدارک و چند و چون صحت و سقم نسخه يا نسخ کتاب و چگونه‌گي وجود تحریف و تصحیف و تصحیح اثر و جستجوی اشارات وحوادث تاریخی و به بحث‌هایی ازین قبیل پردازد، به نقد تاریخی پرداخته است.

۴. نقد روانشناسی: درین شیوه، نقاد سعی می‌کند جریان باطنی واحوال درونی شاعر ونویسنده را در کم و بیان نماید و قدرت و استعداد هنری و ذوق و قریحه او را سنجیده، نیروی عواطف و تخلیلتش را تعیین نماید و ازین راه تأثیری را که محیط و جامعه و سنت‌ها و مواريث در تکوین این جریان‌ها دارند مطالعه کند.

ت در دوره‌های ما قبل اسلامی، شعرا و ادبای عرب عادت داشتند، که **توضیحا** درسوق عکاظ گردhem می‌آمدند و به خوانش اشعار، قصاید و سرودهای خویش می‌پرداختند. آنگاه بر گزیده‌ترین اشعارشان از زیر ذره‌بین منتقدان ادبی که خود بزرگ‌ترین استادان عرصه شعر و ادب آن روزگار به شمار می‌رفتند می‌گذشت و اگر داوران بر قوت و پخته‌گی آن شعر نظر می‌داشتند، پس آن شعر را با آب طلانوشه و بر دیوار کعبه می‌آویختند، که این خود نشانه عظمت و بزرگی شاعر و مایه مباراکات و افتخار قبیله وی بود.

البته در طول تاریخ، صرف هفت پارچه شعر توانسته که خود را به دیوار کعبه بیاورد، که مجموعه آن اشعار را به نام «سبعة معلقة» یاد می‌کنند و این هفت پارچه شعر، قویترین و نخبه‌ترین آثار در عرصه شعر کلاسیک عرب به شمار می‌روند، که تاکنون صدھا رساله و کتاب و مجلدات در شرح و تفسیر و توصیف و بیان ظرایف و قوت ادبی آن‌ها به رشته تحریر در آمده است.



## بخوانیم و بدانیم

۱. نقد درلغت جدا کردن دینار و درهم و سره از ناسره و تمیز کردن خوب از بد و بر گزیدن بهترین چیز را گویند.
۲. در گذشته‌ها مراد از نقد این بوده است که معایب اثری را بیان کنند؛ اما در دوران جدید نقد ادبی به بررسی آثار درجه یک و مهم ادبی می‌پردازد و بیش از این که متوجه نقاط ضعف باشد، متوجه نقاط قوت است.
۳. خواننده‌گان به کمک منتقدان ادبی معیارهایی به دست می‌آورند که آثار والا را بشناسند و به آثار سطحی توجهی نکنند و این باعث می‌شود که جریان‌های فرهنگی و ادبی در مسیر درست خود حرکت کنند.
۴. منتقد ادبی باید دقیقاً به علوم ادبی آشنا باشد تا از آن‌ها به عنوان ابزاری در تجزیه و تحلیل عوامل علو آن اثر ادبی بهره گیرد.

۵. نقد ادبی، مانع از آن می‌شود که گزاره گویان و مدعيان دروغین بتوانند آثار بی ارزش خود را به جوینده گان آثاربرجسته ادبی عرضه کنند.
۶. نقد ادبی، وقتی مفید و دارای ارزش و اهمیت خواهد بود که بی‌طرفانه و دور از اغراض باشد.



### درست بنویسیم

• نوشتن اعداد تریبی (۱۱ - ۱۹) به گونه‌های زیر نادرست است:

۱. یازده هم، دوازده هم، سیزده هم، چهارده هم، پانزده هم، شانزده هم، هفده هم، هزده هم، نزده هم.
۲. یازده ام، دوازده ام، سیزده ام، چهارده ام، پانزده ام، هفده ام، هزده ام، نزده ام.

زیرا آن که به «-م» پسوندی باید بپیوندد، همان «ه» آخری عدد است، و علاوه نمودن یک «ه» یا «الف» دیگر نه موردی دارد و نه ضرورتی؛ پس باید این گونه اعداد را همیشه با صورت درست آن؛ یعنی: به شکل یازدهم، دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم، پانزدهم و ... نوشت.

### کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده، در مقابل هم قرار گیرند و در مورد پرسش‌های زیر باهم بحث و گفتگو کنند؛ سپس از هر گروه یک نفر، موارد اتفاق نظرها و نفر دیگر موارد اختلاف نظرهای شان را به دیگران انتقال دهند.



- وظیفه منتقد در بررسی یک اثر ادبی چیست؟

- چرا نقد تاریخی به تنها یی قادر به درک و تحلیل واقعی یک شاهکار ادبی نیست؟ با ذکر دلایل واضح سازید.

۲. تصویر مقابل را با موضوع «تراکم

نفوں» ارتباط داده، در مورد آن سخنرانی کنید.

### املا و نگارش

۱. متنی را که در کتاب رهنمای معلم آمده است، با خوانش معلم گرامی، به صورت املا بنویسید.
۲. در مورد «وظایف منتقد ادبی» متنی در هفت سطر بنویسید، که حداقل سه بار اعداد ترتیبی در آن به کار رفته باشد.

### خود آزمایی

۱. به نظر شخصی شما نقد ادبی چگونه باید باشد؟
۲. تفاوت‌های عمده میان نقد ساختاری و نقد معنایی را شرح دهید؟
۳. از انواع نقد ادبی کدام یک مربوط به شکل ظاهر اثر است و کدام یک با محتوا یا درون‌مایه اثر ارتباط دارد؟

### کار خانه‌گی

۱. یک داستان کوتاه از یک نویسنده افغان را زیر نقد اخلاقی قرار داده و نتیجه آن را در حداقل یک صفحه بنویسید.
۲. این ایات را به حافظه بسپارید:

دانشا چون دریغم آیی از آنک  
بالادب را ادب سپاه بس است  
بی‌بهایی ولیک از تو بهاست  
بی‌ادب با هزار کس تنهاست  
شهید بلخی
۳. متن کامل درس بیست و پنجم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس  
بیست  
و پنجم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که  
تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در اخیر معرفی، همین  
سؤالها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱. ادبیات قرن سیزدهم و چهاردهم از یکدیگر چه تفاوت دارد؟
۲. در قرن چهاردهم کدام انواع ادبی در ادبیات ما راه یافت؟
۳. نخستین داستان کوتاه توسط که نوشته شد و چه عنوان داشت؟

## ادبیات دری در قرون ۱۳ و ۱۴

سده سیزدهم هجری قمری از روزگاران پرآشوب و بی‌سامان تاریخ کشور ما دانسته می‌شود. در میان دو انجام این سده، یعنی در درازای سال‌های (۱۲۰۱ - ۱۳۰۰) سرزمین ادب خیز و هنر پرور ما به قدرت‌ها تبدیل شده بود و در سده سیزدهم با همه آشفته حالی و فروریخته‌گی نظام اجتماعی و بی‌تفاوتی اختیارمندان جامعه، به مسئله فرهنگ و ادب، کسانی وجود داشتند که راجع به این امرستگ می‌اندیشیدند و از هر امکان و مجالی برای آفرینش آثار ادبی، سود می‌گرفتند و نگهداری میراث گرانهای گذشته‌گان را وجبیه خود می‌دانستند.

با یک بررسی ابتدایی می‌توان ملتفت شد که در امتداد سده سیزدهم، بیش از سه صد تن افراد متفکر و صاحب نظر و با فضیلت به سر می‌برده اند که همه دارای قریحت و طبیعت و اهل سخن و ادب بوده و آثاری از خویش بر جای نهاده اند؛ البته می‌توان یادآور شد که نسبت نابه سامانی وضع اجتماعی و عدم شرایط لازم برای رشد و پرورش اهل فضل و ادب، آثار بیشتر این افراد از توانایی بیان و هنر زبانی بهره چندانی ندارند؛ اما هر کدام ادبیات مارا غنا می‌بخشد و در بررسی ادب این عصر، نمی‌توان آن‌ها را نادیده انگاشت.

ازین سخن سرایان آثار زیادی بر جای نمانده و مقداری از آنها که مورد اعتنا تواند بود، براثر حوادث متوالی و دردناک سده سیزدهم از میان رفته و نابود شده اند و بخشی دیگر از آن، شاید به صورت شخصی در تصرف کسان و در میان صندوق‌ها و جاهای امن محفوظ باشد که شناسایی آن‌ها نیز به ساده‌گی میسر و مقدور بوده نتواند و بی‌گمان به علت این از میان روی و نابودی آثار، هویت و نشان شماری از پدید آورنده‌گان آن‌ها نیز در حجاب نیستی پوشیده مانده است و آنچه امروز از آن همه نوشته‌ها در دسترس است، بخشی و بر بشی از یک میراث عظیم و پربها است.

در میان آنانی که تمامی یا بیشتر آثارشان از گزند رویدادهای نیستی آور در امان مانده است، چهره‌های درخشان و نامهای ماندگاری هم دیده می‌شوند که نام و کارشان ادب زمان را رنگینی می‌دهد و آبرو می‌بخشد.

از شایسته‌گی به دور نمی‌نماید که این چهره‌ها و نام‌ها به حیث نمایانگران سزاوار ادب دری در سدهٔ سیزدهم به شمار آورده شوند: میرزا محمد بنی دبیر متخلص به واصل، میر مجتبی الفت، محمد محسن دبیر، ادیب پیشاوری، جنیدالله حاذق، عبدالواحد صدرصریر، لعل محمد عاجز، محمد بنی احقر، حبیب الله آخندزاده یا محقق قندھاری، مهردل مشرقی، عبدالواسع طیب، ولی طواف کابلی، گل محمد افغان، میر هوتك افغان، حمید کشمیری، کلب علی شر جغتویی، غلام محمد طرزی، میر ظهورالدین ظهورانصاری و امثال این‌ها.

اما ادبیات سدهٔ چهاردهم در مقایسه با ادبیات سدهٔ سیزدهم شگوفا و پربار بوده است. در دهه‌های وسطی این سده، تکلفات مصنوع و منشیانه سدهٔ گذشته در شعر و نثر کنار گذاشته شده و ساده‌نویسی آغاز می‌یابد، انواع دیگر ادبی؛ مانند: داستان کوتاه، طنز، شعر نو و اندکی بعدتر رمان‌نویسی در ادبیات راه بازمی‌کند و معانی و مفاهیم نو در شعر گنجانیده می‌شود. هر چند تعدادی از شعرها باز هم به تقلید از گذشته گان، شعرهایی با همان ساخت و ریخت قدیم می‌سرایند.

در این دوره شاعران دیگری داریم که البته تمام توجه خود را معطوف به غزل‌سرایی و قصیده‌سرایی و مثنوی سرایی نکرده اند؛ اما بخش قابل توجه آثارشان در همان قالب‌ها سروده شده است؛ اما وقتی که شعر این دسته شاعران را می‌خوانیم زبان و تعبیرها و بافت‌های زبانی، اقالیم فکری، تصویرها در بسا موارد شیوه نگرش در غزل و قصیده طرف جامعه و طرف طبیعت طرف فرد فرد انسان‌ها تفاوت دارد. با رعایت تمام موازینی که فرزانه گان گذشته ما برای غزل یا برای قصیده تعیین کرده بودند و حدود و ثغور خاصی به وجود آورده بودند. اسناد دست داشته نشان می‌دهند در افغانستان سه شاعر، اولین مردمانی استند که نخستین شعرهای نور ارافغانستان سروندند. نخستین شاعر استاد خلیل الله خلیلی است، با این شعر معروفش:

شب اندر دامن کوه - درختان سبز و انبوه  
ستاره روشن و مهتاب  
در پرتو فشانی  
شب عشق و جوانی

شاعر دومی استاد محمد یوسف «آینه» است که او نیز دو شعر دارد: یکی «بهار کابل» و شعر دیگری در باره استقلال است، و شاعر سومی هم فتح محمد منتظر. در مورد طنز باید گفت تا هنگامی که هنوز ماشین چاپ در افغانستان وجود نداشت و حتی خواندن روزنامه و تحصیل در مکاتب امری عام نشده بود، از طنز به گونه پذیرفته شده امروزی آن خبری نبود. در شهرها و روستاهای افغانستان هزاران کتاب خطی چاشنی زنده‌گی فرهنگی مردم بود. در مدارس دینی و مساجد در کنار علوم دینی، بوستان و گلستان سعدی، دیوان حافظ و بهارستان جامی تدریس می‌شد؛ همین سان شهنامه خوانی و مثنوی خوانی در شب‌های زمستان یکی از عادات مردم بود. بعدها حاجی اسماعیل سیاه هراتی و شایق جمال، با وصف حاکمیت سانسور، توانستند طنز منظوم را رواج بدهند. سپس ضیاء قاریزاده، عبدالصبور غفوری، مینه ور، غلام علی امید، شایق جمال، شیرعلی قانون، طالب قندهاری، ناصر نصیب، و دهه شاعر دیگر تلاش کردند، تا با انعکاس دادن مشکلات زنده‌گی و ناهنجاری‌های اجتماعی طنز منظوم بیافرینند.

و اما سرگذشت داستان کوتاه غیر ازین است. در نخستین اثر داستانی «جهاد اکبر» از مولوی محمد حسین که در چندین شماره پیهم مجله «معرف معارف» به نشر می‌رسید، با وجود پیشرفت نسبی، نشانه‌هایی از روایات و قصص قدیم و آثار کهن و باستانی و استفاده از امثاله و حدیث و شعر و واژه‌های عربی و استشهاد و صنعت مرسل دیده می‌شود. در دومین داستان دری «تصویر عبرت» پیشرفت زبانی چشمگیر است. در این اثر توصیف و گفتگوها ساده، زنده و جاذب است. از نثر ساده و موجز استفاده شده و از اصطلاحات و تعبیرهای عامیانه بهره‌ها جسته است. «جشن استقلال بولیویا» اثر مرتضی احمد محمدزادی و «ندای طبله معارف» از محبی الدین ائمیس گرچه از نظر شکل و محتوا سنت‌شکن استند و با زبان و سبکی تازه نگارش یافته و پدیده نوینی به شمار می‌آیند؛ ولی با ادبیات کهن پیوند شان را حفظ کرده اند و به خوبی از یک مرحله گذراي ادبی اجتماعی نماینده‌گی می‌کنند.

در این دوره نثر ساده و فصیح در ادبیات داستانی رواج می‌گیرد زبان داستانی از پیشرفت لازم بشارت می‌دهد و روحیات و آمال گروههای مختلف اجتماعی را صریحت و هنری ترسیم می‌کند. نمونه آن، آثار سلمان علی جاغوری، عزیزالرحمن فتحی، نجیب الله توروايانا، محمد شفیع رهگذر، محمد عثمان صدقی، محمد حیدر ژوبل، محمد حسین غمین، عبدالغفور برشنا، علی احمد نعیمی، میر محمد صدیق فرهنگ، ماگه رحمانی و آثار نویسنده‌گان دیگر این دوره است.

به هر صورت نثر داستانی در این دوره دارای خصایص زیر می‌باشد:

## توضیحات

۱. کلمات و واژه‌های فارسی دری آن بر عربی غلبه کلی دارد.
۲. فیصدی ناچیز لغات عربی و بقیه دری خالص است.
۳. لغات دری آن بیشتر ساده و روان است و واژه‌هایی به کاربرده شده که در گفتگوهای روزانه رواج کامل داشته است.
۴. از موازن، مترادفات، سجع و دیگر صنایع ادبی خالی است.

تعريف طنز: ادبیاتی که در آن عیوب فردی و اجتماعی در پوشش ظرافت و خنده هنرمندانه به تصویر کشیده شده و گوینده، اصلاح این عیوب و دگرگون سازی اعمال و افکار انسان‌ها را هدف خویش قرار داده باشد، ادبیات طنز گونه است.



## بخوانیم و بدانیم

۱. حالت ادبی افغانستان چه نظم و چه نثر در این دوره فترت ادبی یا سده سیزدهم رو به ضعف و سقوط می‌رفت. غزل‌ها به تقلید متأخرین اکثر بسیار سست و قصاید کم‌پایه و کم‌ماهی سروده می‌شد.
۲. اما ادبیات سده چهاردهم شکوفا و پربار بوده است. در این سده، تکلفات مصنوع و منشیانه سده گذشته در شعر و نثر کنار گذاشته شده و ساده‌نویسی آغاز می‌یابد، انواع دیگر ادبی؛ مانند: داستان کوتاه، طنز، شعرنو و رمان‌نویسی در ادبیات راه باز می‌کند و مفاهیم نو در شعر گنجانیده می‌شود.
۳. در افغانستان سه شاعر، اولین کسانی هستند که نخستین شعرهای نو را سروندند. نخستین شاعر استاد خلیل الله خلیلی، دومی محمد یوسف «آینه» و شاعر سومی فتح محمد منتظر است.
۴. نثر داستانی در این دوره دارای خصایص زیر می‌باشد: کلمات و واژه‌های دری آن بر عربی غلبه کلی دارد؛ فیصدی ناچیز لغات عربی و بقیه دری خالص است؛ لغات دری آن غالباً ساده و روان بوده و واژه‌هایی به کاربرده شده که در گفتگوهای روزانه رواج کامل داشته است؛ از موازن و مترادفات و سجع و دیگر صنایع ادبی خالی است.

## درست بنویسیم

- پسوند تنکیر (نکره) در پیوستن با واژه‌های پایان یافته با الف ممدوده، الف مقصوره، واو، «ی» و های غیرملفوظ، با دو «ی» و به شکل «یی» نوشته می‌شود؛ مانند:
- با الف ممدوده: آشنا + ی (میانوند واسطه) + ی «پسوند تنکیر» = آشنایی؛ مانند: من این کتاب را از آشنایی به عاریت گرفته ام.
- با الف مقصوره: در این گونه واژه‌ها، یا آخر واژه به الف ممدوده مبدل گردیده و قاعده الف ممدوده بران تطبیق می‌شود؛ مانند: شوری - ی + ا ( = شورا ) + ی (میانوند واسطه) + ی «پسوند تنکیر» = شورایی؛ مانند: در تصویب این قطعنامه، شورایی دست داشته است.
- با واو: اگر پیش از «و» حرفی مضیوم قرار گرفته باشد، در آن صورت پسوند تنکیر را باید به شکل «یی» نوشت؛ مانند: هندو + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند تنکیر) = هندویی؛ مانند: هندویی به معبد خویش رفت.
- اما اگر پیش از {و} حرفی مفتوح قرار گرفته باشد، در آن صورت تنها پسوند تنکیر به پایان واژه علاوه می‌شود و برای نوشتن یا میانوند واسطه ضرورتی نمی‌افتد؛ مانند: رهرو + ی (پسوند صفت نسبتی) = رهروی؛ مانند: رهروی از سقوط درخت کنار جاده مرا آگاه ساخت.
- باهای غیرملفوظ: خاطره + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند تنکیر) = خاطره‌یی؛ مانند: من از آن روزگار، خاطره‌یی به یاد دارم.
- با ی: حاجی + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند تنکیر) = حاجی‌یی؛ مانند: این تسبیح را حاجی‌یی به من بخشیده است.

## کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده باهم بحث و گفتگو کنند. گروه اول ادبیات قرن سیزدهم و گروه دوم ادبیات قرن چهاردهم را با ادبیات معاصر مقایسه کنند؛ سپس از هر گروه یک نفرشان نتیجه را به دیگران انتقال دهد.

۲. شاگردان این تصویر را با موضوع «افغانستان در مسیر تاریخ» ارتباط داده، چند تن شان در برابر صنف سخنرانی کنند.



### املا و نگاش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.  
۲. در مورد «تحولات ادبی قرن چهاردهم» متنی در حداقل هفت سطر بنویسید.

### خود آزمایی

۱. حالت ادبی افغانستان در سده سیزدهم چگونه بود؟
۲. در ادبیات سده چهاردهم چه تحولاتی رونما گردید؟
۳. نخستین کسانی که در افغانستان شعرنو سروندند، چه کسانی بودند؟ نام ببرید.
۴. پسوند تنکیر در پیوستن با واژه‌های پایان یافته با های غیرملفوظ، چگونه نوشته می‌شود؟

### کارخانه‌گی

۱. این بیت را اساس قرار داده در مورد چند سطrix بنویسید:  
خنک نیک بختی که در گوشه‌یی به دست آرد از معرفت توشه‌یی
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:  
خمی به دوش ادب بند و سیرعزت کن زآسمان به همین نرdban هلال گذشت  
۳. متن کامل درس بیست و ششم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

## درس بیست و ششم

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریفاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد و در اخر همین سوال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:
- ۱- چگونه می‌توان کشور را توسعه و ترقی داد؟
  - ۲- نقش جوانان را در انکشاف و پیشرفت کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟
  - ۳- جوانان چگونه خود را آماده بازسازی کشور کنند؟
  - ۴- جوانان از چه ظرفیت‌هایی برخوردار اند؟
  - ۵- بر ضد جهل و فقر چه باید کرد؟
  - ۶- باید روی کدام قشر اجتماعی سرمایه‌گذاری صورت گیرد؟

### نقش جوانان در انکشاف و ترقی کشور

با توجه به این که جوانان از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل فراوانی، همانند تربیت و مسئولیت پذیری، انرژی و توانایی، و جدان کاری، سازگاری اجتماعی و مشارکت پذیری فعال برخوردارند و جامعه سرمایه‌های انسانی و علمی دارند. سرشت جوانان چون زمینی غنی و پاک می‌باشد که امکان رشد هر گونه بذری در آن وجود دارد. امروز نبض کشور و پیشرفت و توسعه جامعه به دست جوانان آگاه و سخت‌کوش رقم خواهد خورد که با جدیت و درایت، زمینه‌های سربرلنگی و ترقی و پیشرفت کشور را فراهم می‌سازند و به توفیق و تأیید الهی در صنوف درسی و محافل علمی، فرهنگی، اجتماعی و... با تعامل و نشاط فراوان حضور فعال و مستمر داشته و در افق آینده کشور، یک افغانستان آباد و پرنعمت را ترسیم خواهند کرد.

یکی از راه‌های پیشرفت و ترقی کشورها سرمایه‌گذاری به خاطر تربیت و آموزش جوانان و نسل آینده شان می‌باشد. نسل جوان به عنوان نیروی فعال و متصرک، پرتلاش و بالحساس می‌تواند نقش خوبی در توسعه و پیشرفت یک جامعه داشته باشد. با پایان یافتن سه دهه نالمنی در افغانستان و به وجود آمدن زمینه تحصیل، جوانان کشور روز به روز به رشد و انکشاف کشور، علاقه‌مند به تأسیس مراکز فرهنگی و یا اقدام به ایجاد انجمان‌ها و اتحادیه‌های جوانان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور بیشتر فعال گردیده اند.

افغانستان به جوانان نیاز دارد. جوانان متقابلاً در عرصه‌های یاد شده با همت اند و پشت کار دارند. جوانان اند که صلح در کشور تأمین خواهد شد و کشور به پیشرفت

و سعادت خواهد رسید. جوانان باید در تنظیم، انسجام، وحدت و هماهنگی خویش و سایر اقشار و طبقات جامعه بکوشند. ملی بیندیشنده، باتفاق و احترام به نظرات یکدیگر با تبادل افکار و اندیشه‌های شان به منظور هم آهنگی میان شان تلاش ورزند تا افغانستان را آباد سازند. جوانان و نوجوانان چشمۀ جوشان نیرو و استعداد استند، جوان یعنی آینده. جوان خوب برای یک کشور پیش‌رفته؛ یعنی آینده خوب. جوانان و نوجوانان ما اهل فکر کردن، دریافت‌ن و تحلیل کردن باید باشند این هم امتیاز دیگری است. جامعه ما بحمدالله از میلون‌ها جوان دختر و پسر برخوردار است، این مایه افتخار برای مردم ما است باید به وجود این همه جوان اعم از دختر و پسر، ببالیم و افتخار کنیم و جوانان هم باید به کشور شان و به مردم شان بیالند و آینده را بسازند. آینده با حرف ساخته نمی‌شود؛ بلکه با کار هوشمندانه و مؤمنانه ساخته می‌شود. جوانان باید کار کنند، آن هم کار هوشمندانه و برخوردار از نیروی ایمان، عمل صالح، عشق و علاقه به میهن و تأمین وحدت ملی و هماهنگی و پشت کار و مساعی و تلاش‌های خسته‌گی ناپذیر شماروزی برای عبور از دشواری‌ها.

جوانان باید در توسعه و پیشرفت و بازسازی کشور نقش مهم و سازنده شان را ایفا نمایند، صلح و امنیت دائمی و سرتاسری را در کشور تأمین کنند، بر ضد جهل و فقر و سایر مفاسد اجتماعی و اخلاقی دست به مبارزۀ مستمر و بی‌امان بزنند. این نیروها در سال‌های طلایی عمر خود قرار دارند و خدای متعال هم با جوانان مسلمان و متعدد کمک خواهد کرد و این فرصت مهم و ارزشمند را نباید از دست بدھیم. جوانان همیشه در جامعه خود صادق بوده اند و صداقت را دوست داشته‌اند.

وظیفۀ جوانان است که علی‌رغم موانع و توفان‌ها و حوادث و مشکلات به مسؤولیت‌های خود عمل کنند و از زیر بار مسؤولیت و امانت‌داری شانه خالی نکنند و در راه اعمار و بازسازی کشور گام بردارند.

- ت ۱- بالقوه:** به قوت، به حالت قوت، اثری که در چیزی که پنهان باشد و **آن‌های** هنوز بروز نکرده باشد، مقابله بالفعل.
- ۲- بالفعل:** فعل، اکتون و در حال حاضر، مقابله بالقوه.



### بیاموزیم

۱- جوانان از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل فراوانی مانند: تربیت و مسؤولیت‌پذیری، وجودان کاری، سازگاری اجتماعی و مشارکت‌پذیری فعال برخوردار اند؛ بنابراین

سهم بالایی در شکل دهی سرمایه‌های انسانی و علمی داشته باشند.  
۲- سرشت جوانان چون زمینی، غنی و پاک می‌باشد که امکان رشد هر گونه بذری از آن وجود دارد.

۳- پیشرفت و توسعه جامعه به دست جوانان آگاه و سخت‌کوش رقم خواهد خورد که با جدیت و درایت زمینه‌رشد و انکشاف کشور را فراهم می‌سازند.

۴- جوانان در تمام عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اعمار و بازسازی کشور نقش سازنده ایفا می‌نمایند.



### درست بنویسیم

• پسوند اسم معنا «ی» در پیوستن با مصوت‌ها و «های» غیر ملفوظ سه شکل زیرین را به خود می‌گیرد:

۱- در پیوستن با واژه‌های پایان یافته با الف ممدوده، الف مقصوره و «واو» با دو «ی» و به شکل «یی» نوشته می‌شود؛ مانند:

• بینا + ی (میانوند وسط) + ی (پسوند اسم معنا) = بینایی؛ مانند: او بینایی خویش را دو باره یافت.

• با الف مقصوره: در این گونه واژه‌ها، یا پایانی واژه به الف ممدوده مبدل گردیده و قاعدة الف ممدوده بر آن تطبیق می‌شود، مانند:

لیلی ی = ا (لیلا) + ی (میانوند وسط) + ی (پسوند اسم معنا) = لیلایی؛ مانند: لیلایی از هر خوبی بر نمی‌آید.

• با واو: اگر پیش از «و» حرفی مضموم قرار گرفته باشد، در آن صورت پسوند اسم معنی را باید به شکل «یی» نوشت؛ مانند:

خوبشو+ی (میانوند وسط) + ی (پسوند اسم معنی) = خوبی؛ مانند: خوبی گلاب مرا به یاد سرزمین کودکی‌هایم می‌اندازد.

اما اگر پیش از «و» حرفی مفتوح قرار گرفته باشد، در آن صورت تنها پسوند اسم معنی به پایان واژه علاوه می‌شود و برای نوشتن «ای» میانوند وسط ضرورتی نمی‌افتد؛ مانند: خسرو+

ی (پسوند صفت نسبی) = خسروی؛ مانند: خسروی از هر شهنشاهی نمی‌آید پدید.

۲- هنگام پیوستن پسوند اسم معنا «ی» با واژه‌های مختوم با «های» غیر ملفوظ «های» پایانی واژه به «گ» تبدیل نمی‌شود؛ مانند:

زنده + گ + ی (پسوند اسم معنا) زنده گی؛ مانند: زنده گی بدون عشق هیچ مفهومی ندارد.

۳- هنگام پیوستن پسوند اسم معنا «ی» با واژه‌های مختوم به «ی» میان واژه و پسوند

حرف دیگری علاوه نگردیده، به صورت پیوسته با واژه نوشته می‌شود؛ اما هنگام خواندن، با فشار بیشتری تلفظ می‌شود؛ مانند:  
 حاجی + ای (پسوند اسم معنی) = حاجی؛ مانند: حاجی تنها با طوف کعبه حاصل نشد.

## کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون نقش جوانان در جامعه و کشور به بحث و گفتگو پردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان کنید.



۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده پیرامون صلح و امنیت و تأمین کننده گان آن معلومات مناسب ارائه کنند.

۳- چند تن از شاگردان در مورد تصویر بالا سخنرانی کنند.

## املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.

۲- با در نظر داشت قواعد املایی که خواندید، متنی را که در آن نگارش «ی» مصدری آمده باشد، بنویسید.

## خود آزمایی

۱- نقش جوانان را در جامعه چگونه ارزیابی می‌کنید؟ توضیح دهید.

۲- بیشترین انقلاب و دگرگونی را کدام نسل در جامعه به وجود می‌آورند؟

۳- در مورد کاربرد درست «ی» مصدری با ارائه مثال‌ها معلومات دهید.

۴- جوانان چگونه در جامعه و کشورشان افتخار می‌آفینند؟

## کار خانه‌گی

۱- در باره نقش جوانان در کشور معلومات مفصلی بنگارید.

۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

خرد دست گیرد به هر دو سرای  
فردوسی

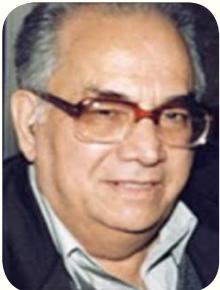
خرد رهنمای و خرد دلگشای

۴- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در اخیر معرفی، همین سوال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱. دکتور جاوید کی بود؟
۲. کارکردهای او در کدام عرصه‌ها قابل اهمیت است؟
۳. او در کجا درس خواند و در کجا وفات یافت؟
۴. او چه کارهایی را انجام داد؟
۵. او به کدام درجات علمی دست یافت؟
۶. نظریه شخصی شما در مورد او چیست؟

## دکتور عبدالاحمد جاوید



دکتور عبدالاحمد جاوید، فرزند میرزا عبد الصمد خان، درنهم جدی سال ۱۳۰۵ ه. ش. در محله «پایان چوک» کابل زاده شد؛ اما بیشتر ایام کودکی و نوجوانی را در محله «ریکاخانه» کابل گذرانید و به این سبب، بهترین خاطرات دوره زنده‌گی خود را از همین محله داشت.

جواید دوران آموزش‌های ابتدایی را در مکتب شماره ۲ و متوسطه و لیسه رادر مکتب حبیبیه به پایان رسانید. او در شانزده ساله‌گی به سرودن شعر آغاز کرد؛ اما در آن زمان اثری منتشر نکرد. مدتی بعد این وادی را رها کرد و به تحقیق و پژوهش روی آورد.

در سال ۱۳۲۲ ه. ش. شامل پوهنخی ادبیات پوهنتون کابل شد و پس از یک سال تحصیل با استفاده از یک بورس تحصیلی به ایران رفت و در رشته حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. علاقه فراوان او به ادبیات، سبب شد که همزمان در دو رشته حقوق و ادبیات به تحصیلات خود در تهران ادامه دهد.

وی در سال ۱۳۲۹ ه. ش. پس از به دست آوردن لیسانس از دانشگاه تهران، به همراهی شادروان «استاد سعید نفیسی» به افغانستان بازگشت و به تدریس مشغول شد. در سال ۱۳۳۱ ه. ش. دوباره به تهران برگشت و موفق شد که دکتورای ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران به دست آورد.

در سال ۱۳۴۵ ه. ش. به حیث استاد زبان دری، به دانشگاه تاشکند رفت که تا سال ۱۳۴۸ ه. ش. تدریس زبان را در تاشکند ادامه داد.

استاد جاوید، عمر گرانمایه اش را بی دریغ در راه تبع و پژوهش جهت روشن ساختن هویت ملی و فرهنگی کشور صرف کرد. پیوسته تلاش می ورزید که از لابلای متون و نصوص تاریخی و با اعتبار حقایق انکارناپذیر علمی را به دست آورد. در راه رسیدن به این هدف والا و انسانی از دشواری‌ها نهراسید؛ زیرا باور داشت که پاسداری از هویت فرهنگی ملت‌ها، ضامن استقلال و آزادی آن‌ها است.

استاد جاوید افزون بر زبان مادری، (فارسی دری) به زبان‌های پشتو، انگلیسی، عربی، فرانسوی و تا حدودی به زبان روسی آشنا بود و ترجمه‌هایی از انگلیسی و پشتو به دری دارد.

### وظایف رسمی

دکتور عبدالاحمد جاوید در افغانستان مقام و مدارج علمی را یکی پی دیگر به دست آورد. در سال ۱۳۴۰ هـ. ش. موفق به کسب رتبه علمی پوهاند گردید. در سال ۱۳۶۵ هـ. ش. از سوی اکادمی علوم افغانستان به عنوان اکادمیسین و در سال ۱۳۶۶ هـ. ش. از سوی وزارت اطلاعات و کلتور، لقب «کارمند شایسته فرهنگ» را حاصل کرد.

از دیگر فعالیت‌های رسمی و علمی دکтор عبدالاحمد جاوید، می‌توان از عضویت وی در شورای بررسی کتب درسی وزارت معارف، عضویت در انجمن دوستی افغانستان و سازمان ملل متحد، عضو لویه جرگه، عضو افتخاری انجمن نویسنده‌گان افغانستان، عضو انجمن دوستی افغانستان و فلسطین نام برد. ریاست پوهنتون کابل نیز از فعالیت‌های دیگر استاد جاوید است. در زمان ریاست او، نوآوری‌های چشمگیری در فضای پوهنتون کابل به وجود آمد. انتشار مجلات پوهنتونی یا دانشگاهی، چاپ کتاب‌های علمی، تاسیس پوهنگی هنری‌های زیبا و توسعه کتابخانه پوهنتون یا دانشگاه از مهمترین دستاوردهای دکتور جاوید حساب می‌گردد.

استاد جاوید در سال ۱۳۶۷ هـ. ش. از افغانستان به پاکستان رفت و بعد در لندن، اقامت اختیار نمود. در سال‌های حضور در خارج از افغانستان هم دست از فعالیت‌های فرهنگی برنداشت. حضور و سخنرانی وی در ده‌ها سیمینار که در کشورهای مختلف در زمینه‌های گوناگون برگزار شد، از مهمترین کارهای این استاد بود.

سرانجام استاد عبدالاحمد جاوید، در شامگاه چهارشنبه ۹ اسد سال ۱۳۸۱ هـ. ش. بر اثر بیماری سرطان در سن هفتاد و پنج ساله‌گی در شهر لندن وفات یافت. پیکر استاد را به کابل منتقل کردند و در روز ۱۳ اسد همان سال در شهدای صالحین شهر کابل به خاک سپرده شد.

## آثار و نوشهای استاد جاوید

از پروفیسور دکتور عبدالاحمد جاوید، آثار فراوانی به گونه کتاب و رساله، مقالات، و سخنرانی‌ها در داخل و خارج کشور بر جا مانده است. نگرشی بر کارکردهای استاد نشان می‌دهد که بیشترین آثار بر جامانده از او به گونه سخنرانی و بیانیه‌هایی است که به مناسبت‌های مختلف در سیمینارها و سمپوزیم‌های ملی و بین‌المللی ارائه کرده است. به ویژه در سال‌های اخیر عمر که در هجرت بود، طی ده سال از ۱۳۶۷ ه. ش. تا ۱۳۷۷ ه. ش. بیش از ۸۰ سخنرانی در محافل و مجالس مختلف داشته است که گردآوری و چاپ آن، مجموعه گران‌ارجی را فرادست می‌آورد.

از دکتور جاوید ده‌ها کتاب و رساله به جا مانده و صدھا مقاله از وی در داخل و خارج از کشور به چاپ رسیده است که عنوانین زیر شامل آن‌ها می‌شود:

نوروز خوش آیین، اوستا، رایحه صلح در فرهنگ ما، مدارا و مررت در ادبیات فارسی، آثار برگزیده دری، افسانه‌های قدیم شهر کابل، نگاهی به اشعار دری خوشحال خان ختک، قرائت دری صنوف هفتم، هشتم و نهم، جغرافیای افغانستان، تاریخ ادبیات دری، تحقیق در املا و انشای فارسی و چندین کتاب درسی دیگر برای فاکولته ادبیات پوهنتون کابل.

هم‌چنین از استاد مقالات فراوانی در داخل و خارج کشور به نشر رسیده، که به گونه نمونه چندی از آنها را نام می‌بریم: آریانا، خراسان و افغانستان، آشنایی با بیدل، افسانه بابه نوروز، افغانستان مهد پیدایش زبان دری، درود بر زن درود بر مادر، سرگذشت تاج التواریخ و گستره ادب در جامعه ترکی زبانان.

### نمونه نثر دکتور عبدالاحمد جاوید

در کابل از قدیم یک ماه پیشتر از فرار سیدن نوروز مردم به پیشواز بهار و پذیرایی از سال نو هر جمیع بیرون شهر می‌روند و با جمع شدن در محل خاص به سیر و گردش و شور و سرور می‌پردازند و با پختن غذاهایی مانند سبزی، ماهی و جلبی و تهیه انواع سرگرمی‌ها از نوروز خوش آیین استقبال می‌کنند...

نام قدیم باغ بابر هم «باغ نوروزی» بود. از زمانی که بنابر وصیت بابر جنازه او را از آگرہ به کابل آورده و درین باغ دفن کردند معروف به باغ بابر شد. از دیگر جاهایی که مردم در روز نوروز جمع می‌شوند دامنه کوه خواجه صفا است، با درخت‌های خوش‌رنگ ارغوانش، و هم باغ معروف چهلستون با شگوفه‌های عطرآگین بادامش. مردم در ایام بهار دسته دسته در این باغ به خصوص موسوم شکوفه بادام و گل ارغوان می‌آیند و در سایه فرجبخش درختان می‌نشینند. کباب داشی می‌پزند و قیماق چای را

با کلچه‌های نمکین و یا شیرین نوش جان می‌کنند.

از قدیم در شهر کابل به پیشواز بهار کوچه‌ها، خیابان‌ها و جاده‌ها را از فراز تا فرود پاک می‌کردند؛ خانواده‌ها خانه تکانی می‌کردند. به خصوص اجاق و دیگدان آشپزخانه را رنگ می‌کردند، تا برکت آورد.... اهالی شهر، پیش از تاریکی، چراغ روشن می‌کردند و دو کانداران دکان‌های خود را چراغان می‌کردند؛ آذین می‌بستند و به انواع آینه و قالینچه می‌آراستند. خوب به یاد دارم، رسته‌های دکان‌های چارچته، شوربازار و بازار ارگ، چارسو، و یا چارسوق، را که با انواع آینه‌های بلور، منظره‌ها، تصویرهای، قالینچه‌ها، سوزنی‌ها، چلچراغ‌ها و حتی کشکول و تبرزین و پوست پلنگ آراسته می‌گردید، و قناری‌های خوش آواز پشت میله‌های قفس چهچه می‌زدند. دکان‌داران با شربت‌های خوشمزه و شیرینی‌های گوناگون و کلچه‌های نوروزی و حتی هفت میوه و ایراد مطایه‌ها و شوختی‌ها از آشنایان و دوستان پذیرایی می‌کردند. شب‌ها با شمع و مشعل، فانوس و مهتابی همه جا روشن می‌بود. از مدت‌ها پیش، شیرینی‌پزها، کلچه‌پزها، نخود پزها، نقل و بادام، حلوای مغزی، سوهانک، حلوای پشمک و شیرپیره درست می‌کردند. سبزی فروش‌ها انواع سبزی ترکاری، به خصوص سبزی‌پالک را که نشانه سرسبزی و خرمی بود به مشتریان عرضه می‌کردند. «نوروز خوش آین» نوشته دکтор جاوید



## بخوانیم و بدانیم

۱. دکتور احمد جاوید، فرزند میرزا عبد الصمد خان، در نهم جدی سال ۱۳۰۵ هـ. ش. در محله «پایان چوک» کابل زاده شد.
۲. آموزش‌های ابتدایی را در مکتب شماره ۲، متوسطه و لیسه را در مکتب حبیبه به پایان رسانیده دکتورای ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران به دست آورد.
۳. استاد جاوید افزوون بر زبان مادری (فارسی دری) به زبان‌های پشتو، انگلیسی، عربی، فرانسوی و تا حدودی به زبان روسی آشنا بود و ترجمه‌هایی از انگلیسی و پشتو به دری دارد.
۴. در سال ۱۳۴۰ هـ. ش. رتبه علمی پوهاند یا پروفیسوری را حاصل کرد. در سال ۱۳۶۵ از سوی اکادمی علوم افغانستان به عنوان اکادمیسین و در سال ۱۳۶۶ هـ. ش. از سوی وزارت اطلاعات و کلتور، لقب «کارمند شایسته فرهنگ» را به دست آورد.
۵. استاد جاوید در سال ۱۳۶۷ هـ. ش. افغانستان را ترک کرد. مدتی در پاکستان و بعد در لندن مقیم شد.
۶. از دکتور جاوید دهای کتاب و رساله؛ مانند: نوروز خوش آین، اوستا، رایحه صلح در

فرهنگ ما و... به جامانده و صدھا مقاله از وی در داخل و خارج از کشور به چاپ رسیده است.



### درست بنویسیم

• در مورد نوشتن پسوند صفت نسبتی «-ی» در پیوستن با واژه‌های پایان یافته به الف ممدوذه، الف مقصوره، واو، وهای غیرملفوظ، نیز قاعدة کلی آن است که به شکل (یی) نوشته شود؛ مانند:

#### • با الف ممدوذه

کانادا + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند صفت نسبتی) = کانادایی؛ مانند: این مرد کانادایی در اصل زاده کشور لهستان است.

#### • با الف مقصوره

درین گونه واژه‌ها، یای پایانی واژه به الف ممدوذه مبدل گردیده و قاعدة الف ممدوذه بران تطبیق می‌شود؛ مانند: لیلی-ی + ا (= لیلا) + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند صفت نسبتی) = لیلایی؛ مانند: ماهرو جلوه لیلایی داشت.

#### • با واو

اگر پیش از «و» حرفی مضموم قرار گرفته باشد، در آن صورت یای پسوندی را باید به شکل (یی) نوشت؛ مانند: جادو + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند صفت نسبتی) = جادویی؛ مانند: جادوه، جادو + ی.

اما اگر پیش از «و» حرفی مفتوح قرار گرفته باشد، در آن صورت تنها پسوند صفت نسبتی به پایان واژه علاوه می‌شود و برای نوشتن یای میانوند واسطه ضرورتی نمی‌افتد؛ مانند: خسرو + ی (پسوند صفت نسبتی) = خسروی؛ مانند: ما در جاده خسروی باهم ملاقات کردیم.

#### • باهای غیرملفوظ

قهوه + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند صفت نسبتی) = قهوه‌یی؛ مانند: من بالاپوش قهوه‌بی خود را گم کرده ام.

#### • با «ی»

پلخمری + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند صفت نسبتی) = پلخمری‌یی؛ مانند: در مسابقات پهلوانی امسال، یک پهلوان پلخمری‌بی به مقام اول دست یافت.

## کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد شخصیت دکتور جاوید باهم گفتگو نموده و واضح سازند که



وجود این چنین اشخاص در جامعه باعث چه چیزی می‌شود؛ سپس نتیجه را یک نفرشان به دیگران انتقال دهد.

۲. شاگردان تصویر مقابله را با موضوع «بهار» ارتباط داده، چند تن شان در مورد آن سخنرانی کنند.

## املا و نگاش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.
۲. با درنظرداشت قواعدی که در مورد نوشتن خواندید، در کتابچه‌های تان متنی بنویسید که حداقل دونوع از آن قواعد در آن به کار رفته باشد.

## خودآزمایی

۱. داکتر عبدالاحمد جاوید کی بود، در کجا درس خواند و کدام رتبه‌های علمی را از کجا به دست آورد؟
۲. او به جز از افغانستان، دیگر در کدام کشور به چه کاری مشغول شد؟
۳. استاد جاوید افزون بر دری و پشتون بر کدام زبان‌های دیگر تسلط داشت؟
۴. پنج اثر چاپ شده و پنج مقاله او را نام ببرید.
۵. پسوند صفت نسبتی «-ی» در پیوستن با واژه‌های پایان یافته به الف مددوده و های غیرملفوظ به چه شکل نوشته می‌شود؟ با مثال واضح سازید.

## کار خانه‌گی

۱. درباره شخصیت علمی داکتر عبدالاحمد جاوید یک مقاله بنویسید.
۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:  
وقت جاوید است و خورجاوید نیست  
اصل وقت از گردش خورشید نیست  
صاحب تابانی جاوید شو  
درجهان روشن‌تر از خورشید شو  
علامه اقبال
۳. متن کامل درس بیست و هشتم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس  
بیست  
هشتم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد و در اخیر همین سوال‌های از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱- فرخی کی بود؟ - قصیده معروف «سومنات» از کدام شاعر نام آور است؟ - ۲- فرخی قصیده سرای کدام دربار بود؟

۴- پیرامون سبک و ذوق فرخی چه می‌دانید؟ به گونه مختص توضیح دهید.

۵- دیوان فرخی شامل چند هزار بیت بوده و در کدام یک از قالب‌های شعری آن را سروده است؟ - ۶- فرخی گذشته از شاعری دیگر در کدام فن استاد بوده است؟

## فرخی

از شعراًی بزرگ دربار سلطان محمود و سلطان محمد غزنوی فرزند ابوالحسن علی بن جولوغ متخلص به فرخی است. او ذوق لطیف و قریحة خوب و آواز خوش داشت و چنگ نیکو می‌زد. در شعر به ویژه قصیده را خوب ساخته و از آن فن طرز خاصی به وجود آورده است. فرخی، از صله و انعام ابوالمظفر احمد بن محمد امیر چغانیان آگاه گشت، قصد دربار او کرده همراه کاروانی شد و قصیده‌یی در وصف شعر خود و مدح امیر گفت چون به چغانیان رسید امیر برای داغ کردن کره گان به داغگاه رفته بود. پس فرخی قصیده خود را به خواجه عمید اسعد که پیشکار ابوالمظفر بود عرضه داشت و او فرخی را با خود به داغگاه برد و در ضمن از او درخواست نمود تا شعری در وصف داغگاه بسراید و او همان شب قصیده معروف داغگاه را نظم کرد که مطلع آن این است:

چون پرند نیلگون بر روی پوشد مرغزار پرنیان هفت رنگ اندر سر آرد کوهسار روز دیگر قصیده را پیش امیر خواند. امیر شعرشناس بود و از این قصیده حیرت کرد و شاعر را بنواخت و صله فراوان بخشید.

بعد فرخی به دربار سلطان محمود غزنوی روی نهاد و سلطان محمود نیز او را همچنان گرامی داشت و او به دربار پادشاه مقام بلند یافت و دارای ثروت شد و جاه و جلال پیدا کرد؛ چنانکه خود در قصیده‌یی گوید:

با ضیعت آبادم و با خانه آباد  
هم با رمه اسپم و هم با گله میش  
ساز سفرم هست و نوای حضرم هست  
از ساز مرا خیمه چو کاشانه مانی

با نعمت بسیارم و با آلت بسیار  
هم با صنم چینم و هم با بت فرخار  
اسپان سبکبار و ستوران گرانبار  
وز فرش مرا خانه چو بتخانه فرخار

فرخی قسمت عمده قصاید خود را در باره شاهان غزنوی سروده، سلطان محمد و پسرانش ابو احمد محمود و مسعود و برادرش امیر یوسف و وزراء و ندمای آنان را مدح کرده و از آن جمله در ستایش ابو احمد محمد گفته است:

چهار چیز گزین بود خسروان را کار  
ملک محمد محمود آمد و بفزوود  
برآن چهار بتوفیق کرد گار، چهار  
نگاهداشتن عهد و برکشیدن حق بزرگ داشتن دین و راستی گفتار

دیوان فرخی بیشتر از نه هزار بیت دارد و گذشته از قصاید حاوی، غزلها و قطعه‌ها و ترجیع‌بند و رباعی‌ها است. معاصران و اخلاف فرخی مانند: عنصری و رسیدالدین و طوطا و دیگران او را ستد و اند. فرخی گذشته از شاعری در عروض و نقدالشعر استاد بوده و کتابی در این علم با اسم ترجمان البلاغه تألیف نموده و آن به مرور زمان از میان رفته است؛ ولی رسیدالدین و طوطا آن را دیده و در تألیف کتاب حدایق السحر خود از آن استفاده کرده است. فرخی در سال ۴۲۹ هـ ق. وفات یافته است.

**سبک و ذوق فرخی:** فرخی نیز مانند عنصری غالب قصاید و مدایح خود را با وصف بدایع طبیعت شروع کرده و در تغزل قدرت نشان داده است.

به طور کلی این شاعر در لفظ و معنی مهارت به سزا داشته و تشیهات لطیف و طبیعی به کار برد و از تعقید و تکلف اجتناب ورزیده و بیشتر اشعار را ساده و شیرین سروده است. برای نمونه می‌توان قصیده‌یی را که با وصف ابر شروع می‌کند متذکر شد که در عبارات و تشیهات آن صفت سخن پردازی شاعر هویداست و مطلع آن قصیده این است:

برآمد نیلگون ابری ز روی نیلگون دریا  
چو رای عاشقان گردان چو طبع بی دلان شیدا

چو گردان گشته سیلابی میان آب آسوده  
 چو گردان گرdbادی تند گردی تیره اندورا  
 بیارید و ز هم بگسست و گردان کشت بر گردون  
 چو پیلان پراگنده میان آبگون صحرا  
 تو گفتی گرد زنگار است بر آینه چینی  
 تو گویی موی سنجابست بر پیروزه گون دیا  
 به سان مرغزار سبزرنگ اندر شده گردش  
 یک ساعت ملون کرده روی گبند خضرا  
 تو گفتی آسمان دریاست از سیزی و بر رویش  
 به پرواز اندر آورده است ناگه بچه گان عنقا

می‌بینیم که استاد در این چند بیت طبیعت را سخن می‌نگارد: توده‌های ابر را مانند رأی عاشقان و طبع دل باخته گان گردان و شیدا می‌بیند و آن‌ها را به سیلابی که میان آب ساکن آید به گرdbادی که به هوا بر خیزد یا به مرغزار گردند و بچه گان عنقا که بر روی دریا به پرواز در آیند تحشیه می‌نماید.  
 برخی از اشعار فرخی معانی تاریخی دارد، زیرا وی ندیم سلطان محمود و در بسی از سفرهای هند با وی بود. ازین رو از جنگ‌ها و فتوحات سلطان، در قصاید خود سخن به میان آورده است:

فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر سخن نوار که نورا حلاوتیست دگر  
 فرخی از قصیده گویان درجه اول دری است، در سخن توواناست، طبعش روان و قصایدش صریح و آسان است و پیچیده گی و معانی پیچیده فلسفی ندارد؛ بلکه شعرش نماینده ذوق و قریحه است. لحن وزن و موسیقی شناسی او در آهنگ و پیوندنظم او مؤثر بوده و سخشن را از هر گونه تعقید بر کنار داشته است.  
 تاریخ وفات فرخی را سال ۴۲۹ هجری نوشته‌اند.

**توضیحات** علم عروض: میزان سخن منظوم است و آن علمی است که از وزن اشعار بحث می‌کند.  
 از این رو آن را «علم عروض» نامیده‌اند که اشعار را بدان عرضه دارند تا وزن سالم از غیر سالم و درست از نادرست متمايز گردد. بنای اوزان عروضی، مانند وزنهای صرفی به حروف فا، عین و لام ( فعل) نهاده شده است.

## درست بنویسیم



پسوندهای فاعلی در پیوند با واژه‌های پیشین شان به صورت زیر نوشته می‌شوند:

پسوند	با حروف پیوند پذیر	با حروف پیوند پذیر و (های) نا ملفوظ
ار	خواستار	خریدار، پدیدار، برخوردار
الف	گویا، بینا، دانا	شنوا، گیرا، پذیرا
ان	خواهان، جوشان، خروشان	دوان، سوزان، خندان
باز	نیرنگ‌باز ریسمان‌باز	حقه‌باز، سرباز، چترباز
بان	پاسبان، باغبان، کشتیبان	مرزبان، بادبان، آسیابان
بر	رهبر، رنجبر	بادر، نمابر، نامه‌بر
چی	فرشچی، پستچی، قابچی	شکارچی، جارچی
گار	ستمگار، خدمتگار، کامگار	آموزگار
گر	ستمگر، آهنگر، سیمگر	دادگر، زرگر، کارگر
گیر	پیام‌گیر، راهگیر، کفگیر	دزدگیر، مارگیر، بهانه‌گیر
نده	گوینده، بخشندۀ، جهندۀ	دارنده، گزنده
کار	ستمکار، فراموشکار، گناهکار	مزدورکار، بسته‌کار

## کار گروهی و سخنرانی



۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شعر و شاعری فرخی به بحث و گفتگو بپردازنند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهند.

۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده درباره ممدوح فرخی (سلطان محمود غزنوی) و فتوحات وی معلومات دهند.

۳- چند شاگرد در مورد تصویر صفحهٔ بعدی سخنرانی کنند.



### املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسید.
- ۲- در بارهٔ شخصیت ادبی فرخی چند سطر بنویسید.



### بیاموزیم

- ۱- دیوان فرخی بیشتر از نه هزار بیت دارد و گذشته از قصاید حاوی غزلیات، قطعات، ترجیح بند و رباعیات است.
- ۲- فرخی گذشته از شاعری در عروض و نقد الشعر استاد بوده و کتابی در این علم به اسم «ترجمان البلاغه» تألیف نموده است.

## خود آزمایی ?

- ۱- سلطان محمود غزنوی را چرا بتشکن می‌گویند؟
- ۲- در مورد قصيدة مشهور سومنات فرخی چه می‌دانید؟
- ۳- دیوان فرخی حاوی چند هزار بیت است؟
- ۴- فرخی گذشته از شعر به فن عروض و نقدالشعر هم دسترسی داشت. نظر شما چیست؟
- ۵- فرخی در کدام سال تولد و در کدام سال وفات یافت؟

## کار خانه‌گی

- ۱- این بیت را به حافظه بسپارید:  
فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر سخن نو آر که نورا حلاوتیست دگر
- ۲- درس‌های گذشته را تکرار نموده و خود را آماده امتحان نمایید.

# واژه نامه

اعیان اغراق	آ	
بزرگان، بزرگواران مبالغه و افراط در توصیف یا بدگویی کسی، گزافگویی زیاده روی کردن.	زیب، زینت، آرایش، زیور	آذین
لزوم، درخور بودن، مناسب بودن کسی را بهزور و ستم به کاری و اداشتن. خلاف میل او.	زیب، زینت، زیور	آرایه
به امری عهده دار شدن کاری، ملازم شدن. یاد دادن، آموختن نمونه، طرح	آرزو، امید	آرمان
جمع ملح، به معنای نمکها، منزله جمع وهم به معنای: خیال، پندار، در دل گذشتن	جمع امل به معنای: امید، آرزو	آمال
کوتاه و مختصر کردن سخن یقین کردن، باور کردن. اشارة کردن، نشان دادن با انگشت	در هم ساختن و مخلوط کردن دو یا چند چیز باهم	آمیخته
<b>الف</b>		
جوان	بی ارزش، مبتذل	ابتذال
شایسته، لایق، زینده	بزرگ، کلان، نیرومند	ابرهام
قسمتی از وقت و زمان، روزگار	پوشیده سخن گفتن، پیچیده و غامض	ایجاز
هر جیوانی که آن را ذبح کرده و سر بریده باشند و یا با شمشیر نیم کشته	کردن سخن ایما	ایقان ایمای
باشند و یا نیمه جان منسوب به بصر: آنچه که از طریق چشم درک شود	پیروی کردن، از پی رفتن. گردآگرد چیزی را گرفتن	اتباع احاطه
رسا، فصیح، کسی که دارای زبان رسا باشد حیرانی، شگفتی سود، نفع، فایده	بی سرو سامانی، در هم و بر هم شدن، بی نظم شدن	اختلال
<b>ب</b>		
قبول و استقبال، جلو رفتن و پیشواز پژوهشگر: محقق، پژوهش کننده، کسی که تحقیق می کند	در ک کردن، دریافت، فهمیدن، پی بردن جمع سبب و سایل	ادرانک اسباب
رونده، دونده	شاهد آوردن از قول یا گفته کسی در نوشتة خود	استشهاد
زینت، زیور، آرایش استقبال، دم روی آمدن، جسم، جسد، تن، هیکل	کار کردن، مشغول شدن، به کاری پرداختن	اشغال
<b>پ</b>		
عقب انداختن، پس ماندن، دیرشدن	درخشنیدن، تاییدن، روشن شدن استعمال کلمه‌یی به معنای مخصوص خواه به طریق حقیقت و یا مجاز	اشراف اشراق اطلاق
اعتنایا	بلند شدن، برتری یافتن، بلندی، برتری	اعتلا
اعجاب	عادت کردن، خوگرفتن	اعتباد
اعجاز	به حیرت و اداشتن، کسی را به شگفت آوردن	اعجب
اعراض	انجام دادن کاری که دیگران از آن عاجز باشند.	اعجز
اعم	علایم، نشانه‌ها شامل، فراگیر، همه‌گانی	اعم
ت		
تا خر		

آوردن اصطلاحات علمی در شعر	تمایز	تربیت کردن، تنبیه کردن	تأدیب
جداکردن، متفرق کردن، از هم دیگر تفاوت داشتن	تناقض	سالون، اناق بزرگ	تالار
مخالف چیزی با چیزی، ضد یک دیگر.	تهوع	اندیشه کردن، فکر کردن، درنگ کردن	تأمل
قی، استفرار، دل بدشدن، انقلاب مudedه	توالی	به شکل بلور درآمدن، شفاف شدن	تباور
پی در پی قرار گرفتن، پشت سرهم بودن،	تتبع	دبیال کردن، در پی چیزی رفت، جستجو	تبیع
یکی پس از دیگری	تحفظ	کردن، تفحص	
باهم، همراه	توأم	تحت الشاعع: زیر پرتو، آنچه که در اثر پیدایش	
موافق، دست یافتن به کاری، موافقت داده	توفيق	چیزی دیگر از رونق افتاده باشد.	
شده از جانب خداوند <small>الله</small>	توهم	تحريف	
گمان بردن، وهم داشتن، خیال و گمان	تكلف	تعییر و تبدیل کردن، برخی از حروف یک	
رنج و سختی برخود نهادن، کاری به	تکوین	کلمه را عوض کردن.	
مشقت و خلاف عادت کردن	تهذیب	تحقیر	
به وجود آوردن، هستی دادن، آفریدن		تجزیه کردن، حل کردن، گشودن	
پاکیزه کردن، خالص کردن		طلاکاری، هنر تزیین اوراق کتاب با آب	تدھیب
ث		طلا و لاجورد	
جمع ثغیر به معنای: سرحد، مرز، دربند	تعور	راسخ ساختن، ثابت ساختن، قوى ساختن	ترسیخ
<b>ج</b>		داخل کردن محلول در زیرپوست بدن،	ترریق
جسورانه با جسارت، بی باکانه		پیچکاری کردن، دوا چکانیدن	
تقلب کردن، ساختن سند یا چیزی دیگر	جمل	پزکیه	
برخلاف حقیقت		پاکیزه کردن، بی آلایش کردن	
<b>ج</b>		زهرآگین شدن، با زهر آلوده شدن	تسنم
چیزی که به اندازه چشیدن باشد، قدری	چاشنی	بیان کردن و نمودار ساختن راه یا	تشريع
از خوارک که برای مze بچشند		شریعت.	
اسماں، فلک، روزگار عصر و زمان		تشریک کردن، شرکت دادن	
<b>ح</b>		اشارة کردن، آشوب و اضطراب،	
شم، حیا، پوشاندن، پنهان کردن	حجب	تشویر	
پیرامون و گردآورد		شرمساری.	
برهان، دلیل، آنچه به آن دعوی یا مطلبی	حریم	تصحیح صحیح کردن، درست کردن، بی غلط	
را ثابت کنند.	حجه	ساختن یک نوشته	
قدر، اندازه، شماره، اساس		تصحیف: خطأ خواندن، خطأ کردن در نوشتن، تعییر	
راستی و درستی امری. کلام موافق حق.	حکمت	دادن کلمه با کم کردن یا زیاد ساختن نقطه	
شجاعت، دلیری، دلاوری	حماسه	تصلب	
<b>خ</b>		سخت شدن، محکم شدن	
جمع خارق به معنای آنچه که خلاف	خوارق	تعجیل	
عادات مردم باشد		شتاپ کردن، شتافتمن، عجله کردن	
<b>د</b>		تعزیه	
طلب کننده، خواهنه، دعوت کردن	داعی	عزاداری کردن، سوگواری کردن	
		تفریط	
		کوتاهی کردن در کاری.	
		تفکر قدسی: اندیشه روحانی، افکار ملکوتی	
		تقدم	
		پیش بودن، جلو رفتن، پیشی گرفتن	
		تقلا	
		دست و پا زدن، کوشش و تلاش	
		تلطیف	
		لطیف کردن، زیبا و دلپسند نمودن	
		تلمیح	
		اشارة کردن به قصه یا مثالی مشهور یا	

منسوب به سمع: آنچه که از طریق گوش درک شود	سمعی	داور قاضی، حکم کردن میان دو نفر دائم الخمر: باده پرست، کسی که همیشه شراب می‌نوشد و نشه است.
طریقه، سیرت، قول و فعل پیامبر اسلام ﷺ آنچه پیغمبر ﷺ و صحابه بر آن عمل کرده باشد.	سنت	دایم الصوم: کسی که همیشه روزه داشته باشد.
جمع سانحه به معنای واقعه، حادثه، هرچیز ناگهانی، رویداد	سوانح	دیپو انبار، محل ذخیره کردن.
جشن، ضیافت، مهمانی، عروسی بازار، جای خرید و فروش	راغ	رحمت و مهربانی
<b>ش</b>	سور	مرغزار، صحراء، دامن کوه، دامنه سبز کوه که وصل به صحراء باشد.
چوپانان، نگهبانان گوسفندان عجله و تندی، چالاکی و سرعت	رثا	گریستن بر مرده و شعر گفتن در باره مرگ کسی با اظهار دلسوزی.
جمع شر، بدکار، صاحب شر	شبانان	شعری که به هنگام جنگ برای مفاخرت خوانند.
نجیب زاده‌یی که در گروه اسپسواران	شتات	صف، قطار، دسته، درجه
قرون وسطی پذیرفته شده بود.	شروع	آسوده، نجات یافته، آزاد
بلیغ، فصاحت، بلاغت	شیوا	نظم، اسلوب، ترتیب، جریان
اشکار شدن. ظاهر و هویدا.	شیوع	نقل کردن خبر یا حدیث و سخن از کسی، حکایت
<b>ص</b>	صومعه	روشن، رفتار، طریقه منسوب به ریه به معنای شُش (عضوی از بدن)
مکانی بر سرکوه یا جایی بلند که راهب یا عابد، جهت عبادت آنجا به سربرد	ز	گوار، صاف، خوشگوار
<b>ض</b>	ضخیم	ناپایداری، نیستی و نابودی، آفت، بلا
کلان، بزرگ، ستیر، هنگفت	ضلالت	زال زوال
گمراه شدن، گمراهی	طراوت	وضع رفتار و حرکات، طرز حرکت و اعمال شخص
<b>ط</b>	طرب	س
تر و تازه شدن، شادابی	طرافت	تفتیش و مراقبت در مطالب کتب و جراید
شاد شدن، شادمانی، اهتزاز و جنبش از اثر	طب	به وسیله دولت
شادی و نشاط	سانسور	سیبل
<b>ع</b>	عار	راه آشکار، طریق
عیب و ننگ	عاری	سترگ
برهنه، لخت، فاقد، مبرا	عبر	جمع سجیه به معنای: طبع، خلق، خوی
عربت، پند، پندی که از نظر کردن در احوال دیگران حاصل شود.	عرصه	سجایا
فضا، میدان، ساحه	عزلت	دوره صد ساله، قرن، صد سال
گوشنهنشیتی، دوری و کناره‌گیری از مردم	عقود	سده
جمع عقد.	عقیم	مرض، بیماری، نادرست بودن، ناصحیح
نازه، زن یا مردی که از او فرزند به وجود نیاید		بسه
		بودن
		نسل، نطفه، خلاصه
		سالله
		شب و سیاهی، دهر، روزگار، قصه و افسانه‌یی که در شب بگویند.

<b>ل</b>	لندترين چيز، برترین چيز، بلندی یافتني	علو
بازى، آنچه مایه سرگرمی باشد.	عارض جمع عارضه به معنای پيش آمد، بيماري، حادثه، مرض	
<b>م</b>		
مات و مبهوت: حيران، سرگشته، سرگردان	ماند	غنامندی توانگری، دولتمندی، پريار شدن
جمع مأخذ به معنای سرچشمه، منبع، جاي اخذ شده از آن.	ماند	غفلت فراموش کردن، ازياد بردن، بي خبری.
انس گرفته، آشنا	مانوس	<b>ف</b>
میل کننده، گرانده به چيزی	مايل	فترت ضعف، سستی، کسالت، زمان میان دونوبت
فخرکردن، نازیدن به کسی یا چيزی	مباها	تب
پیش پا افتاده، بی ارزش، خوار و ناپسند، بی قدر و قیمت	مبتدل	فراز بلندی، بالای مقابل نشیب و فرود
بنا کرده شده، پایه و بنیان، اساس	مبنا	فرکانسى: اهتزاز صدا
نیرومندی، وقار، محکم بودن، استواربودن	متانت	فرهیخته: ادب آموخته، ادب، علم آموخته، عالم
دو یا چند کلمه که درصورت مختلف و درمعنی يكسان باشند.	متراوف	فرود زیر، نشیب، پایین، مقابل فراز
ترک شده، واگذاشته	متروک	فصیح کسی که خوب سخن بگوید و کلامش بدون پیچیده گی باشد.
متصوفان، گروه صوفیان	متتصوفه	فقدان گم کردن، از دست دادن، گم شدن
بسیار، بی شمار، چیزی که بسیار باشد	متعدد	فوران جوشیدن یا جهیدن آب از چشم
نگرنده به هم، نزدیک به هم	متناظر	فیوض جمع فیض به معنای خیر و برکت
پیاپی، پشت سرهم، پی در پی	متواالی	<b>ق</b>
جمع متن به معنای عبارات اصلی کتاب، رساله و مکتوب، مقابل حاشیه	متون	قدسیت پاکی، پاک شدن. منزله بودن.
هشت رکنی، هشت تایی، هشت جزئی	مشمن	قرنیه بخش شفاف پرده صلبیه، که در جلو چشم
داشتن وقت و فرست، جولان کردن، جولانگاه	مجال	قرار دارد
جمع حسن به معنای نیکویی و خوبی	محاسن	قریحه طبع، ذوق، ادراک، قدرت طبیعی در
چیزی که چیز دیگری را دربر دارد	محتو	سرودن شعر و کتابت
کسی که حدیث نقل کند، کسی که سخنان پیغمبر ﷺ را روایت کند، عالم به علم حدیث.	محدث	قریحت طبیعت، ادراک، طبیعت شاعری و نویسنده گی
تحریک کننده، جنبانده	محرك	قفا پشت گردن و در فارسی به معنی دنبال و پشت سر نیز می گویند.
زمینی که دور آن دیوار کشیده شده باشد	محوطه	<b>ک</b>
سنگی که طلا و نقره را به آن می مالند و عیار آن را آزمایش می کنند.	محک	کاخ، عمارت بزرگ و عالي که دارای چندین اتاق باشد.
حیله گر، فربیکار	محیل	کانون مرکز
جمع مدرج و مدرجه به معنای درجه ها، پایه ها، مراتب	مدارج	کلالت خسته شدن؛ مانده شدن
تدوین شده، فراهم آمده، گردآوری شده،	مدون	کلیوی منسوب به کلیه به معنای گرده (عضوی از بدن)
		<b>گ</b>
		گزند آسیب، آزار، آفت
		گستردہ پھن کردن، منبسط، فراگیر

ازین برده شده، باطل شده، ردکرده شده	منسوخ	جمع آوری شده
اثرپذیرفته، شرمنده، شرمدار	منفعل	شعر یا سخنی که درسوگواری و یا مدرج
جمع میراث	مواریث	میت خوانده میشود.
بخشندها	ماهاب	مساعی کوشش‌ها، تلاش‌ها، سعی‌ها
مختصر، کوتاه، سخن کوتاه و مختصر	موجز	مستمر دوامدار، دوامیافته، دائم
دوستی کردن.	مودت	مسوده نامه‌بی که نوشته شود تا بعد اصلاح و
بخشندها، آنچه که به کسی ببخشند	مهوبت	پاک نویس کنند آزومند، مایل و راغب به چیزی
جمع مکتوب به معنای نوشته	مکاتیب	مشتاق جدا شده، کلمه‌بی که از کلمه دیگری جدا
<b>ن</b>		و ساخته شده باشد.
نادر کمیاب، آنچه کم به دست آید	نادر	مشروبات: نوشیدنی‌ها، آنچه از مایعات که نوشیده
ناهنجرای: عدم تناسب، بی‌تناسب بودن، نامتناسب	نخبه برگزیده	شود مشیت اراده و خواست خداوند <small>الله</small>
اصل و نسب، تیار	نزاد	مصطفی مصیبت‌زده، سختی‌دیده، مشقت‌کشیده
جمع نسخه به معنای مطلبی که از روی	نسخ	تصاب مصوبات جمع مصوبه به معنای قسمتی از قانون
کتاب نوشته باشند.	نصوص	مضحك خنده‌آور
جمع نص به معنای کلام صریح و آشکار	نقد	ظاهر جمع مظہر به معنای دیدنی، جای ظهور،
که دارای یک معنی باشد.	نکبت	پشتیبان معاصرت طبق زمان ساختن
سره کننده و جدا کننده خوب از بد	نماد	معایب جمع معاب به معنای عیب‌ها و بدی‌ها
مصطفیت، رنج، بیچاره‌گی	نهضت	معترضه جمله خارج از موضوع که میان کلام وارد شود
نماینده، نشانه، علامه		مضلالات مشکلات، دشواری‌ها
جنبش، حرکت، قیام		معطوف بازگردانده، مورد توجه واقع شده، کلمه‌بی
<b>و</b>		که به کلمه ماقبل عطف شود
گشاده‌گی میان دو کوه، دره	وادی	غذا دهنده، تقدیه کننده، پرونده
عکس العمل	واکنش	مفروق جدا از هم، پرآگنده شده، جدا کرده
بالا، بلند، بلندمرتبه	والا	مقاطع جمع مقطع به معنای محل قطع و برش
جمع وثیقه به معنای سند	وثایق	قبول شده، پذیرفته شده، پسندیده شده.
قفسه شیشه‌بی قطعی مانند	ویترین	مقتضی خواهش شده، طلب شده، درخواست شده
پیراستن، منظم کردن، بی‌عیب ساختن		مقتضیات: شایسته‌ها، حاجات، ضرورت‌ها
<b>ه</b>		مقوله سخنی که بار بار گفته شده باشد، سخن
قسمت مرکز اتم، و همچنان دانه میان	هسته	گفته شده، گفتار
میوه مثل دانه زردآلو.		مالک اصل هرچیز، مایه، معیار
همانند، همنگ، شبیه	همگون	ملحق پیوسته، وابسته، متصل
خوف، ترس، هراس	هول	ملموس قابل لمس، لمس شده، قابل درک و دریافت
هستی، وجود، حقیقت، شناسنامه	هویت	ممتد پی در پی، پشت در پشت، پیاپی
غوغاء، جار و جنجال، داد و فریاد	هیاهو	منتور سخن غیرمنظوم، پرآگنده، متفرق
فراست، کیاست، زیرکی و هوشیاری	هنر	

## فهرست منابع

- ۱- استعمال سگرت و الکول از دیدگاه تاریخ، ساینس، طب و دین، چاپ اول، اعجاز پریتینگ هاووس، پشاور، پاکستان، ۱۳۷۰ ه.
- ۲- احمد شاه بابا، شعبه تاریخ، اکادمی تربیه معلمین، سال چاپ ۱۳۴۶ ه. ش.
- ۳- احمد نژاد، دکتور کامل، معانی و بیان: تهران: انتشارات زوار، چاپ دوم ۱۳۸۵ ه. ش.
- ۴- اخگر، مطهر شاه، آگاهی از خطرات ماین، مهمات منفجر ناشده و معلومیت، ریاست اکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی، وزارت معارف، کابل، افغانستان، ۱۳۸۷ ه. ش.
- ۵- آرال عزیز الله، اوزیبک- ترکی تیلی الفبای
- ۶- آرمیچل، ترنس، مردم در سازمانها، دکتر حسین شکر کن (ترجمه)، انتشارات رشد، چاپ دوم، پاییز ۱۳۷۷ ه. ش.
- ۷- الوعی الاسلامی (مجله شهریه)، تصدرها وزاره الاوقاف والمشئون الاسلامیة، الاعداد ۱۲۱، ۱۲۳ (المحرم، ربیع الاول)، السنة الحادیة عشرة، الکویت، ۱۳۹۵ ه. ش.
- ۸- انصاری، خواجه عبدالله مناجات نامه، انتشارات فرهنگ و قلم، تهران، ایران ۱۳۸۶ ه. ش.
- ۹- باطراء، ویجی و پرامد، اندیشه های خوب برای همه، هیبت... اسدی (ترجمه)، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول ۱۳۸۱ ه. ش.
- ۱۰- بارز، دکتر عابدین، گفتارهایی در زمینه جامعه، فرهنگ، آزادی و تعلیم و تربیت، انتشارات بنگاه انتشارات میوند چاپ اول ۱۳۸۶ ه. ش.
- ۱۱- بانو شکفتہ، دکتر صغیری، شرح احوال و آثار فارسی امیر علیشیر نوایی متخلص به فانی تحقیق و نگارش، چاپ اول ۱۳۸۷ ه. ش. ناشر: انتشارات بین المللی الهدی
- ۱۲- بخششی علی آقا، افشاری راد مینو، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار، چاپ دوم ۱۳۸۶ ه. ش.
- ۱۳- بلخی، محمد حنیف حنیف، پرطاووس یا شعر فارسی در آریانا، به کوشش، اسدالله حنیف، چاپ دوم ۱۳۸۱ ه. ش.
- ۱۴- بیتاب، ملک الشعرا، مفتاح الغموض قافیه و عروض، چاپ اول، از نشرات فاکولته ادبیات، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان، ۱۳۳۳ ه. ش.
- ۱۵- بیدل (ابوالمعانی)، کلیات بیدل، جلد اول (غزلیات)، مطبعة وزارت معارف، کابل، ۱۳۴۲ ه. ش.
- ۱۶- تهانوی، علامه اشرف علی، ازدواج اسلامی، ترجمه علامه محمد ابراهیم دامنی، انتشارات صدیقی، چاپ پنجم ۱۳۸۵ ه. ش.
- ۱۷- جاوید، احمد (دکتور)، عارف عزیز (به کوشش)، نوروز خوش آین، چاپ دوم، انجمن فرهنگ افغانستان، کابل، افغانستان، ۱۳۸۴ ه. ش.
- ۱۸- جمشید، دکتور جمrad به کوشش، کلیات اشعار جمشید شعله، انتشارات شهر آفتاب، تهران، چاپ اول ۱۳۷۹ ه. ش.
- ۱۹- حسینی، رضا سید حسینی، مکتبهای ادبی، چاپ نهم، انتشارات نیل، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۶۶ ه. ش.
- ۲۰- حقانی زنجانی، حسین، حقوق خانواده در اسلام، انتشارات دارالتبیغ اسلامی، تهران
- ۲۱- خبره زاده، دکتور علی اصغر گزیده ادب فارسی، مؤسسه انتشارات نگاه تهران ۱۳۷۱ ه. ش.
- ۲۲- د احمد شاه بابا دیوان، مقدمه حبیب الله رفیع، سال انتشار ۱۳۷۸ ه. ش.
- ۲۳- دکر، برتر، مدیریت فرایند ارتباطات موثر، دکتر بهزاد رمضانی (ترجمه)، انتشارات نشر دایره، چاپ اول تابستان ۱۳۷۹ ه. ش.
- ۲۴- دیوان حضرت میرزا عبدالقدیر بیدل، چاپ مطبعة حروفی ماشین خانه، کابل، ۱۳۳۴
- ۲۵- رادپور، فاطمه و دیگران راهنمای درس هنر، انتشارات اداره کل چاپ و توزیع کتابهای درسی، چاپ اول ۱۳۸۵ ه. ش

- ۲۶- رزمجو، دکتور حسین، مبانی آموزش زبان و ادبیات فارسی، ناشر: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده خاورشناسی، دانشگاه پنجاب، لاھور.
- ۲۷- رزمجو، دکتور حسین، مبانی آموزش زبان و ادبیات فارسی، به کوشش دکتر آفتاب اصغر و غلام معین الدین نظامی، انتشارات پوهنتون پنجاب
- ۲۸- رسالتة الجهاد (مجلة شهریة)، تصدرها جمعیة الدعوة الاسلامیة، الاعداد ۳۱، ۳۵، ۳۷ (رجب، ذو القعدة، المحرم)، طرابلس، الجمهورية الشعبية الليبية، ۱۴۹۴ هـ.
- ۲۹- سعدی، شیخ مصلح الدین شیرازی، بوستان، تصحیح محمد علی فروغی، چاپ هشتم، ۱۳۷۸ هـ. ش. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۳۰- سنگری، دکتر محمد رضا و دیگران، فارسی اول راهنمایی - خواندن، انتشارات شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ اول ۱۳۸۵ هـ.
- ۳۱- شفق، دکتور رضازاده تاریخ ادبیات ایران، چاپ اول ۱۳۶۹ هـ. ش. چاپخانه آرمان، انتشارات آهنگ.
- ۳۲- شمیسا، دکتر سیروس، بیان و معانی، چاپ هشتم، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۸۳ هـ.
- ۳۳- شمیسا، سیروس (دکتر)، انواع ادبی، چاپ دوم، انتشارات فردوس، تهران، ایران، ۱۳۷۳ هـ.
- ۳۴- صادقی، جمال میر، قصه، داستان کوتاه، رمان، چاپ اول، انتشارات کمیته دولتی، کابل، افغانستان، ۱۳۶۵ هـ.
- ۳۵- طوسي، خواجه نصیرالدین، دکتر جليل تجلیل (تصحیح و اهتمام)، معیارالاشعار، چاپ اول، نشر جامی، انتشارات ناهید، تهران، ایران، ۱۳۶۹ هـ.
- ۳۶- عطایی، ابراهیم، نگاه مختصری به تاریخ معاصر افغانستان، ناشر: مرکز نشراتی میوند، کتابخانه سبا.
- ۳۷- علوی مقدم، محمد و اشرف زاده، رضا، معانی و بیان: تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). چاپ ششم ۱۳۸۴ هـ.
- ۳۸- غبار، میر غلام محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، چاپ اول، مطبعة دولتی، کابل، افغانستان، ۱۳۴۶ هـ.
- ۳۹- غلام، محمد، هنر و ادب فارسی، چاپ پنجم، انتشارات مدرسه، تهران، ایران، ۱۳۸۶ هـ.
- ۴۰- فرخاری، احمد یاسین، درست بنویسیم (فرهنگ املای زبان دری)، چاپ اول، انجمن هنر و ادبیات افغانستان، انتشارات سعید، کابل، افغانستان، ۱۳۸۷ هـ.
- ۴۱- فرخاری، الحاج مولوی غلام محمد، رجال معاصر، حاجی عین الدین (عینی)، (زیرطبع).
- ۴۲- گیلانی، احمد سمیعی و دیگران، زبان فارسی سال دوم دوره رهنمایی تحصیلی، ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، ایران-تهران، چاپ چهاردهم ۱۳۸۷ هـ.
- ۴۳- گیلانی، احمد سمیعی، نگارش و ویرایش، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) چاپ پنجم ۱۳۸۳ هـ. ش. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران.
- ۴۴- گیوی، دکتور سید حسن احمدی، زبان و نگارش فارسی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی (سمت) چاپ پنجم زمستان ۱۳۷۱ هـ.
- ۴۵- ماحوزی، مهدی، به کوشش، برگزیده نظم و نثر فارسی، چاپ اول ۱۳۶۹ هـ. ش
- ۴۶- محمد غلام، هنر و ادب فارسی، انتشارات مدرسه، چاپ پنجم ۱۳۸۶ هـ.
- ۴۷- مقدم، دکتر محمد علوی و دکتر رضا اشرف زاده، معانی و بیان، چاپ ششم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران، ۱۳۸۴ هـ.
- ۴۸- مودودی، سید ابوالاعلی، حجاب، ترجمة پوهاند نعمت الله شهرانی، انتشارات دارالعروبة لدعوه الاسلامية لاھور، چاپ اول ۱۹۸۸ م.
- ۴۹- مولوی، عباس علی، صنایع ادبی، چاپ اول، چاپخانه اتحاد، تهران، ایران، ۱۳۵۹ هـ. ش.